

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی

# زکاة

مؤسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

سال پنجم . شماره ۱۲ . تابستان ۹۶

قیمت ۵۰۰۰ تومان





# مرکز تخصصی آموزش حفظ قرآن کریم (اصفهان)

وابسته به موسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

ویژه  
خواهران و برادران

\* برگزاری کلاسهای حفظ در طرحهای مختلف:

① طرح حفظ و مفاهیم قرآن کریم به صورت رایگان

② طرح حفظ قرآن کریم به صورت غیر حضوری (در تمامی مقاطع سنی)

\* مزایا:

برگزاری آزمونها و اعطاء گواهینامه معتبر و ملی  
عضویت در مجمع حافظان مهدقرآن کریم و استفاده از مزایای مربوطه

مرکز برادران:

اصفهان، چهارراه تختی، ابتدای چهارباغ پایین  
کوچه شماره ۱۱ (رشتیها) ۳۲۲۳۳۹۱۴

مرکز خواهران:

اصفهان، میدان شهدا، خیابان ابن سینا  
قبل از کوچه شماره ۳۷، جنب پارک شمس  
۳۴۴۷۸۱۶۷



# مرکز تخصصی آموزش قرائت قرآن کریم

## طرح صوت الحسن

ویژه  
خواهران و برادران

وابسته به موسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

- برگزاری کلاسهای تخصصی آموزش قرائت و صوت و لحن قرآن کریم

در مقاطع ابتدائی، متوسط، بزرگسالان و در همه سنین

- امتیازات

برگزاری آزمونها و اعطای گواهینامه

شرکت در مسابقات استانی و کشوری

اعزام به مراسمات و همایشهای قرآنی



۳۲۲۳۳۹۱۴

چهارراه تختی، ابتدای چهارباغ پایین، کوچه شماره ۱۱ (رشتیها)

مهرماه ۱۳۹۷  
مدرسه قرآن کریم و ولایت استان اصفهان



# آموزشگاه

## تخصصی زبان

# مهاد



موسسه تخصصی زبان مهاد  
فران کریم و ولایت  
استان اصفهان

### برگزاری کلیه دوره های آموزش زبان انگلیسی و عربی

#### شامل:

- آموزش مکالمه، ترجمه، قواعد و صحیح خوانی متون عربی همراه با اعطا، مدرک پایان دوره
- آموزش مکالمه و گرامر زبان انگلیسی از مبتدی تا پیشرفته همراه با اعطا، مدرک پایان دوره
- برگزاری دوره های آموزشی زبان انگلیسی مخصوص خردسالان با استفاده از استادان مجرب و مسلط به روانشناسی کودک
- برگزاری دوره ای مکالمه آزاد

شماره تماس:  
۳۴۴۷۸۱۶۴

[www.mehad.org](http://www.mehad.org)

میدان شهدا - خیابان ابن سینا - قبل از کوچه شماره ۳۷ - جنب پارک شمس  
آموزشگاه تخصصی زبان مهاد



# هدایت

تحت نظارت سازمان بهزیستی و موسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

## مرکز مشاوره

## و خدمات روانشناختی

### خدمات مشاوره ای در زمینه های:

- مشاوره ازدواج
- مشاوره تحصیلی
- مشاوره کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده
- مشاوره روان سنجی
- مشاوره مذهبی و روان سنجی
- برگزاری کارگاه های آموزش خانواده

شماره های تماس: ۳۴۴۷۸۱۶۳  
۳۴۴۷۸۱۶۵

آدرس: خیابان ابن سینا - نرسیده به کوچه ۳۷ (جنب پارک شمس)



ایمیل: [moshaver.Mehad@yahoo.com](mailto:moshaver.Mehad@yahoo.com)  
سایت: [moshaver.Mehad.org](http://moshaver.Mehad.org)

# معرفی مراکز وابسته به مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

## مدارس ابتدائی مهاده

۳۲۲۶۲۷۶۵ - ۳۲۲۶۲۷۴۸	خیابان جی، خیابان پروین، جنب پل هوئی شهید رفیعیان، نبش خیابان صفوی نژاد	دبستان قرآنی پسرانه مهاده پروین
۳۶۵۰۰۰۱۴	سپاهان شهر، بلوار شاهد، بلوار بهمن ۲، جنب دبیرستان حکمت	دبستان قرآنی پسرانه مهاده سپاهان شهر
۳۴۴۶۳۳۳۱	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه، روبروی درمانگاه موسی بن جعفر (ع)، کوی سرچشمه، بن بست شمس	دبستان قرآنی پسرانه مهاده مدرس
۳۲۲۸۵۲۴۹	خیابان صغیر، نرسیده به چهارراه عسکریه، مقابل مسجد رضوی، کوی لاله	دبستان قرآنی دخترانه مهاده صغیر
۳۶۸۲۳۵۳۵	بهارستان، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان طوطی، پلاک ۲۰۶	پیش دبستانی و دبستان قرآنی دخترانه مهاده بهارستان
۳۶۸۰۱۰۴۷	بهارستان، خ الفت شرقی، روبروی بانک قوامین	پیش دبستانی و دبستان قرآنی پسرانه مهاده بهارستان
۳۲۲۸۵۴۰۶	چهارراه عسکریه، نبش خیابان صغیر، کوچه محمدی، پلاک ۵	پیش دبستانی و دبستان قرآنی پسرانه مهاده عسکریه

## پیش دبستانی های مستقل مهاده

۳۲۲۵۸۷۳۵	خیابان سروش، خیابان آل خجند، روبروی مسجد امام حسین (ع)	پیش دبستانی قرآنی مهاده آل خجند
۳۶۵۱۳۳۹۹	سپاهان شهر، بلوار شاهد، خیابان فارابی ۶، کوچه لادن، پلاک ۸۰	پیش دبستانی قرآنی مهاده سپاهان شهر
۳۲۶۰۴۵۷۴	خیابان مشتاق دوم، خیابان مهر، کوچه شهید علیخانی، ابتدای بلوار مهر	پیش دبستانی قرآنی مهاده مشتاق

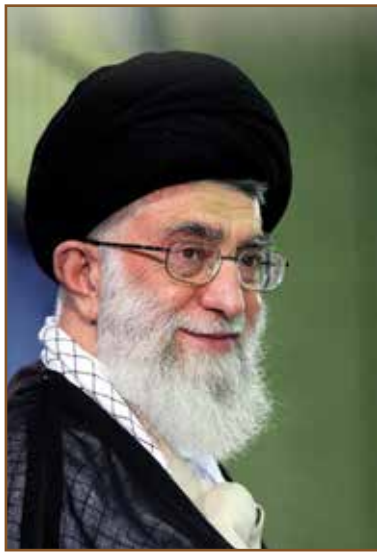
## مهدکودک های جوانه های قرآن

۳۴۴۵۵۵۰۹	خیابان مدرس، چهارراه بابلدشت، روبروی هنرستان شفیعیون نرسیده به ترمینال بابلدشت	مهدکودک جوانه های قرآن مدرس
۳۶۵۰۹۰۵۵	سپاهان شهر، بلوار شاهد، الوند ۴، خیابان اوج	مهدکودک جوانه های قرآن سپاهان شهر
۳۴۳۹۳۷۵۷	خیابان رباط دوم، خ گل محمدی ۲، ادامه مادی، شاهد ۳، جنب پست برق	مهدکودک جوانه های قرآن رباط دوم

## مراکز تخصصی

۳۴۴۷۶۶۸۱	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	صندوق قرض الحسنه مهد قرآن
۳۴۴۸۲۱۹۰	خیابان ابن سینا، کوچه شماره ۳۷ (میرعلاءالدین)	کتابخانه تخصصی قرآن و عترت
۳۲۲۳۳۹۱۴	چهارراه تختی - چهارباغ به طرف میدان امام حسین - روبروی ورزشگاه تختی ابتدای کوچه رشتیها	مرکز تخصصی حفظ برادران
۳۲۲۳۳۹۱۴	چهارراه تختی - چهارباغ به طرف میدان امام حسین - روبروی ورزشگاه تختی ابتدای کوچه رشتیها	مرکز تخصصی قرائت خواهران و برادران
۹۵۰۱۵۵۸۵	میدان شهدا - خیابان ابن سینا - قبل از کوچه شماره ۳۷ - جنب پارک شمس	مرکز تخصصی حفظ خواهران
۳۴۴۷۸۱۶۴	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	مرکز آموزشی زبان مهاده
۳۴۴۷۸۱۶۴	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	مرکز آموزشی کامپیوتر مهاده
۳۴۴۷۸۱۶۵ - ۳۴۴۷۸۱۶۳	میدان شهدا، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	مرکز مشاوره هدایت





در ایام محرم و صفر ملت عزیز ما باید روح حماسه را، روح عاشورایی را، روح نترسیدن از دشمن را، روح توکل به خدا را، روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را در خودشان تقویت کنند و از امام حسین (ع) مدد بگیرند. مجالس عزاداری بر این است که ما را با حسین بن علی (ع) و اهداف آن بزرگوار نزدیک و آشنا کند.

**صاحب امتیاز:** مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

**مدیر مسئول:** حسین خاکساری هرندی

**سر دبیر:** مرضیه مقضی

**شورای سیاست گذاری:** دکتر نرگس عطریان، مهناز بیات

**طراحی و صفحه آرایی:** سلیمه افلاکی - ۰۹۱۳۲۶۸۵۶۹۵

**چاپ:** سینا - ۰۳۱۳۲۶۵۳۹۴۹

**نشانی دفتر نشریه:**

اصفهان، خیابان سروش، چهارراه عسگریه، کوچه محمدی، پلاک ۵، دبیرخانه فصلنامه زلال

**تلفن:** ۰۳۱ - ۳۲۲۸۵۴۰۶ **دورنگار:** ۰۳۱ - ۳۲۲۸۵۴۰۶

**صندوق پستی:** ۹۳۱۱۳ - ۸۱۶۳۸

**ایمیل:** Zolal . mahdgh@yahoo.com

**سایت مؤسسه مهد قرآن و ولایت:** www.mehad.org

از عزیزان اهل قلم و کسانی که در تهیه و تدوین این مجله ما را یاری رساندند همچون:

دکتر نرگس عطریان، مهناز بیات، عشرت شایق، فرشته محیطی، زهرا نظری، نفیسه سادات ناجی، فوزیه یکتاپور، حجت الاسلام حسن امان الهی، سید اصغر خرم، مهران مهرانی، محمد رحمانی، محمدناصر بی ریا کمال تشکر و قدردانی را داریم.

۳۰	تجدیدی در دبیرستان و هنرستان چرا؟	۱	فهرست
۳۲	ریشه ضرب المثل ها	۲	لحظه ای تأمل
۳۴	احکام	۳	روابط خانواده با یکدیگر
۳۶	چرا مسجد شیخ لطف ا... مناره ندارد؟	۶	عرفان های کاذب
۳۸	به انس با قرآن توجه کرده بودیم جامعه ای متفاوت داشتیم	۸	همسری که در دوره مجردی توقف کرده است
۴۰	ما متعهدیم که هر کودکی نغمه زندگی خویش را بسراید	۱۱	آسیب های پنهان شبکه های اجتماعی مجازی
۴۲	به سؤالات فرزندم چگونه جواب دهم؟	۱۲	ملاکهای مدیر شایسته از منظر حضرت علی(ع)
۴۴	کودک و نوجوان هوشمند	۱۶	فرهنگ و شبکه های اجتماعی
۴۶	آموزش وقف	۱۷	تأثیر اینترنت بر کودکان
۴۸	اخبار	۱۸	سواد عاطفی داشته باشیم
۵۰	جدول	۲۰	نقش اسباب بازی در شخصیت کودک
۵۱	اشتراک فصلنامه	۲۳	چشم و هم چشمی
۵۲	پرسمان	۲۶	یادی که در دلها هرگز نمی میرد یاد شهیدان است



# لحظه ای تأمل

ما زندگی می کنیم تا قیمت پیدا کنیم نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم.

آیت الله بهجت اگر ناراحتی یا غم و غصه ای توی صورت کسی می دیدند حتی پیش آمده بود که نماز شان را نمی بستند تا یک جوری آن ناراحتی را برطرف کنند و صورت آن شخص را خوشحال ببینند آن وقت نماز شان را می بستند و می گفتند: آدم اگر یک نفر را خوشحال کند همان موقع خدایک ملک خلق می کند که او را از بلاها مصون نگه دارد.

هیچ کودکی نگران وعده بعدی  
غذایش نیست؛ زیرا به مهربانی  
مادرش ایمان دارد: ای کاش من هم  
مثل او به خدایم ایمان داشتم ...

از مرحوم آیت الله العظمی  
بهجت (ره) سؤال شد: چه کنیم تا  
نماز صبح مان قضا نشود؟ در  
پاسخ فرمودند: کسی که باقی  
نماز هایش را در اول وقت بخواند  
خدا او را برای نماز صبح بیدار  
خواهد کرد





## روابط خانواده با یکدیگر

در شماره قبلی فصلنامه در این مقاله به روابط افراد خانواده، رابطه فرزندان با والدین، روابط زوجین اشاره گردید که در ادامه نویسنده عنوان می‌کند: مسأله سرپرستی خانواده:

از نظر حقوقی وقتی خانواده بعنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع تشکیل شد سرپرست می‌خواهد. اصولاً از نظر اسلام هر اجتماعی که تشکیل می‌شود به سرپرستی نیاز دارد و چون سلامت زندگی اجتماعی منوط به سلامت محیط خانواده است اسلام عنایت خاصی دارد که بنیان خانواده درست پی‌ریزی شود و دوام پیدا کند بدین لحاظ برای خانواده سرپرست تعیین کرده است. (الرجال قوامون علی نساء<sup>۱۸</sup>) بر اساس این آیه سرپرستی خانواده به عهده مرد است و طبعاً زن و فرزندان باید سرپرستی وی را بپذیرند. این پذیرش گاهی در حد پذیرش قانونی است که مربوط به حقوق است، ولی در اینجا پذیرش بالاتری مورد توجه است و آن پذیرش از نظر اخلاقی است، همسر و فرزندان باید اخلاقاً خود را به سرپرستی پدر ملتزم بدانند و حرمت وی را حفظ کنند.



### نقش زن در تصمیم‌گیریها

در خانواده کم و بیش مسائلی پیش می‌آید که ارتباط زیادی با زن دارد و آنچنان نیست که مرد به تنهایی بتواند تصمیم بگیرد، و اگر بخواهد بدون توجه به خواسته‌ها و نظرهای همسرش تصمیم بگیرد مشکلاتی بوجود می‌آید مانند مسأله شیر دادن، آیا مادر فرزند را شیر بدهد یا نه؟ چه وقت او را از شیر بگیرد؟ آیا او را به کسی دیگر بدهند تا شیر دهد یا با شیر خشک تغذیه کنند؟ و مسائلی از این قبیل که همیشه در خانواده‌ها مطرح بوده است. در این موارد اسلام اصل دیگری را مطرح می‌کند و آن اصل -تشاوری- است. مرد و زن در این گونه مسائل که هر دو در آن شریک هستند و گاهی با زن ارتباط بیشتری دارد تا مرد، باید با هم مشورت کنند و سعی کنند آنچه مصلحت است درک کنند و بر اساس آن، تصمیم بگیرند. قرآن کریم می‌فرماید: -فان اراد فصلا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما-<sup>۱۹</sup> اگر پدر و مادر با هم مشورت کردند و هر دو راضی شدند که بچه را از شیر بگیرند اشکالی ندارد. پس اصل دومی که می‌بایست در مسائل خانوادگی رعایت شود اصل تشاور است و این در مواردی است که ارتباط مستقیم با زن دارد.

### عوامل خودمحوری و اختلافات خانوادگی

آنچه در محیط خانواده اصل است و باید سعی کرد که همه افراد خانواده آن را رعایت کنند اصل محبت و تقویت روابط عاطفی است. تقویت عواطف در خانواده موجب می‌شود مصالح خانواده بهتر تأمین شود، طبعاً هر چه با آن منافات داشته باشد نامطلوب بوده ارزش منفی خواهد داشت. به موجب محبت وقتی کسی دیگری را دوست دارد باید در صدق بر آید که مصالح او تأمین شود، عواطف متقابل باعث می‌شود همه سعی کنند تا همه پیشرفت کنند و مصلحتشان تأمین شود. و در مقابل، چیزی که مانع از این همدلی و همیاری می‌شود، خودخواهی و خودمحوری است که به اساس خانواده لطمه وارد می‌سازد. عواملی که موجب خودمحوری در محیط خانواده است احتیاج به بررسی‌های روانشناختی دارد. و غالباً ناشی از عقده‌هایی است که افراد قبل از تشکیل زندگی خانوادگی داشته‌اند، چه از طرف مرد و چه از طرف زن. تحقیرهایی که هر یک از مرد و زن در دوران کودکی تحمل کرده‌اند چه از ناحیه پدر و مادر و چه از ناحیه سایر افراد، در ضمیر ناخودآگاه آنها اثر گذاشته و منتظر فرصتی برای بروز و جبران آنها هستند. البته این انتظار یک انتظار آگاهانه نیست بلکه ناخودآگاه است و خود انسان نیز توجه ندارد که چه عاملی وی را وادار به چنین

رفتار نادرستی می کند.

دانشمندان با بررسیهای دقیق به این نتیجه رسیده اند که تحقیرهای دوران کودکی ناشی از محیط خانواده یا مدرسه یا اجتماع بزرگ، آثار منفی در ضمیر ناخود آگاه شخص می گذارد و بدنبال آن روح انسان برای جبران یا انتقام گیری منتظر فرصت می شود. مثلاً بچه ای که از سوی پدر و مادر دچار سختی و ناراحتی شده و عواطف و احساساتش جریحه دار گشته ناخود آگاه منتظر است پدر یا مادر شود و خود همان نقش را بازی کند. وقتی بچه در محیط خانواده تحت فشار روانی قرار گرفت به طور طبیعی این فشار در جایی بروز و ظهور می کند. تجربه های روانشناسانه زیادی مؤید مطلب فوق است. حتی خود افراد می توانند این تجربه را در محیطهای خانوادگی دیگران و یا خودشان آزمایش کنند غالب افرادی که تمایل دارند به دیگران زور بگویند کسانی هستند که زمانی زور شنیده اند و افرادی که می خواهند دیگران را تحقیر کنند کسانی هستند که خودشان روزی تحقیر شده اند. البته این تنها عامل نیست، عوامل تربیتی دیگری هم ممکن است چنین تأثیری را داشته باشد ولی به هر حال این یکی از عوامل مهم است و اگر زن و شوهر از افرادی باشند که در دوران کودکی در محیط خانواده یا در اجتماع تحقیر شده یا ضربه خورده باشند بطور ناخود آگاه در صدد بر می آیند که انتقام خود را از سایر افراد بگیرند و تحقیرهایی را که تحمل کرده اند بواسطه تحقیر کردن دیگران جبران کنند. ساده ترین راه آن تحقیر بچه های خودشان است. پدر و مادری که بچه هایشان را مثل چشم خودشان دوست دارند ناخود آگاه آنان را مورد اذیت قرار می دهند و خودشان نیز نمی دانند چرا تمایل دارند بچه های خود را سرکوفت داده، تحقیر کنند. علت اصلی در اعماق روح آنهاست ولی به آن توجه ندارند. البته تحلیل ساده این رفتار این است که چنین عادت کرده اند، از پدر و مادرشان یاد گرفته اند ولی تنها یاد گرفتن نیست، بلکه یک انگیزه روانی ناخودگاه وجود دارد. کسانی که دوست دارند که به همسر و فرزندانشان دستور داده و فرمانروایی کنند غالباً کسانی هستند که در محیط

اجتماعی، رنج فرمانبری و زور شنیدن را کشیده اند و به جای اینکه درس عبرت بگیرند، خودشان در صدد ایفاء همان نقش بر آمده اند، بویژه هنگامی که دستاویزی برای توجیه رفتارشان پیدا کنند، مانند آن که به ایه یا روایتی بر خورد کنند که دال بر این باشد که زن باید از مرد اطاعت کند. در این صورت بدون این که به منظور اصلی آن توجهی کنند آنها دستاویزی برای اعمال زور و فشار و تحمیل افکار و آراء و نظریات خود قرار می دهند. در حالی که این گونه آیات یا روایات به هیچ وجه ناظر به این گونه رفتارها نیست.

**در مواردی که مدیریت خانواده به عهده مرد واگذار شده است دیگران هم باید فرامین او را بپذیرند، زیرا ماهیت مدیریت چنین اقتضایی دارد. اگر مدیر حق دستور دادن داشته باشد ولی زیر دستان وی موظف به اطاعت نباشند مدیریت مفهومی نخواهد داشت. ولی حدودی که مرد در محیط خانواده مدیریت دارد و می تواند به عنوان مدیر دستور دهد مشخص است و مطلق و نامحدود نیست.**



### حدود اختیارات مرد در محیط خانواده

در مواردی که مدیریت خانواده به عهده مرد واگذار شده است دیگران هم باید فرامین او را

بپذیرند، زیرا ماهیت مدیریت چنین اقتضایی دارد. اگر مدیر حق دستور دادن داشته باشد ولی زیر دستان وی موظف به اطاعت نباشند مدیریت مفهومی نخواهد داشت. ولی حدودی که مرد در محیط خانواده مدیریت دارد و می تواند به عنوان مدیر دستور دهد مشخص است و مطلق و نامحدود نیست. هر جمعی از جمله خانواده نیاز به مدیر دارد که در موارد لازم تصمیم بگیرد و گرنه جمع پراکنده می شود و انسجام خانواده از بین می رود. ولی معنای این سخن این نیست که مرد در محیط خانواده فرمانروای مطلق و فعال ما یشاء است هر چه می خواهد فرمان دهد و زن هم مانند یک کنیز باید در مقابل او مطیع باشد. البته کسانی که بخواهند سوء استفاده کنند به متشابهات و مطلقات تمسک می کنند بدون این که مخصصات و مقیدات آنها (مدارک و ادله دیگر که منظور دقیق این گونه روایات را روشن می کنند) را بررسی کنند، این چیزی است که در بسیاری موارد واز جمله در محیط خانواده شایع می باشد. بنابراین برای تحکیم روابط عاطفی باید از خود محوری پرهیز کرد مگر در حدی که شرعاً حقی برای مرد تعیین شده باشد آن هم به شیوه صحیح و رفتار عاقلانه و حساب شده. به هر حال یکی از چیزهایی که ارزش منفی دارد و جو عاطفه و مودت و محبت را به هم می زند، خود محوری و زور گویی است که از ناحیه مرد یا از ناحیه زن بروز می کند.

### راه حل اختلاف

موارد زیادی وجود دارد که مرد و زن در امور مربوط به محیط خانواده اختلاف پیدا می کنند. در چنین مواردی یا عاطفه کارآیی ندارد و غالباً خواستهها و سلیقه های شخصی بر عاطفه چیره می شود و یا اینکه واقعاً در تشخیص مصلحت خانواده اختلاف پیدا می شود به هر حال در جایی که در خصوص مسائل خانواده (درباره این قید دقت شود) اختلاف نظر پیش آید که گاهی هم آمیخته با اختلاف و تزاخم در هوسها است، بهترین راه برای رفع اختلاف هم فکری و سعی در یافتن راه عقل پسند است. درست است که هر کسی خواستههای خاص



خداوند بیامرز پدر و مادری  
را که با رفتار خوب خودشان  
فرزند را وادار به نیکی به  
خودشان می نمایند



به خودش یا نظرهای شخصی دارد که با نظر دیگری سازگاری نیست ولی در بسیاری از موارد افراد در اثر هم فکری تغییر نظر پیدا می کنند. پس بهترین راه این است که زن و مرد صمیمانه موضوع مورد اختلاف را مطرح کنند و درباره دلیل های یکدیگر بیندیشند و سعی کنند خود خواهی ها را کنار بگذارند. اگر مرد حسن نیت نشان دهد و نگوید باید تو مطیع باشی و به جای آن مصلحت خانواده را مطرح سازد زن هم در جای دیگری حسن نیت نشان خواهد داد و اگر هم هوسی در کار باشد، دست از آن بر می دارد. پس اولین راه برای رفع اختلاف، تفاهم و تشاور در مسأله مورد اختلاف است. اکنون اگر اختلاف به حدی بود که تشاور و تفاهم نتواند در رفع آن مؤثر افتد باید از دیگران کمک گرفت - فابعثوا حکما من اهلها -<sup>۲۰</sup> فردی عاقل از هر طرف بعنوان حکم تعیین می گردد تا به نحوی سازش و مسالمت بین زن و مرد برقرار شود ولی اگر این سلاح نیز مؤثر نیفتاد و به هیچ وجه نتوانستند با یکدیگر سازش کنند باید به طور معروف و شایسته از هم جدا شوند. - سر حوهن سراحا جمیلا -<sup>۲۱</sup> وقتی تشخیص دادید زندگی مشترک قابل ادامه نیست زنان را با نیکی رها سازید.

### ۳. رابطه والدین با فرزندان

علاقه به فرزند یک میل فطری است هر کسی می خواهد دارای فرزندی پاک، صالح و سعادتمند باشد. در آیاتی داریم که بعضی از انبیاء از خدا درخواست فرزند کردند و یا در مواردی بواسطه این که خدا به آنان فرزندی عطا فرموده خوشحال شدند. پس

داشتن فرزند و علاقه به او مطلوب است. علاقه حضرت ابراهیم به فرزندان در موارد مختلفی از قرآن کریم ذکر شده است و از برخی موارد بدست می آید که همواره به یاد فرزندان بود و برای آنها دعا می کرد. هم خیر دنیا و هم خیر آخرت برای آنان طلب می نمود این سیره و روش به عنوان یک روش صحیح و مطلوب یاد شده است. در آیاتی از قرآن دعای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل را هنگام بنا کردن خانه کعبه نقل می فرماید. از جمله دعاهای ایشان این بود که - و من ذریتنا امه مسلمه لک -<sup>۲۲</sup> خدایا از فرزندان ما امتی تسلیم خودت قرار بده و هم چنین در آیه دیگری ابراهیم درباره فرزندانش دعا کرده است - رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی -<sup>۲۳</sup> خدا مرا بپا دارنده نماز قرار ده و نیز از فرزندانم قرآن کریم از قول مومنین و عباد الرحمن نقل می فرماید که درباره فرزندانشان دعا میکنند - ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما -<sup>۲۴</sup> بندگان شایسته خدا کسانی هستند که صفایت دارند از جمله این که از خدا می خواهند که همسران و فرزندانشان را نور چشمشان قرار دهد هم چنین در برخی آیات فرزند صالح بعنوان نعمتی خاص تلقی شده است. آنچه به طور خلاصه از این آیات شریفه استفاده می شد و این است که اولاً پدر و مادر نسبت به سعادت فرزند و خیر خواهی او گرایش فطری دارند و ثانیاً می توان فهمید که چرا در بعضی از روایات روی تربیت فرزند تأکید شده است. به طوری که در بعضی روایات نقل شده است که خداوند بیامرز پدر و مادری را که با رفتار خوب خودشان فرزند را وادار به نیکی به خودشان می نمایند ثالثاً آنچه در آینده فرزندان مهم است و انبیاء الهی به آن اهتمام فراوان داشتند تربیت معنوی و تهذیب نفس آنها بوده است.

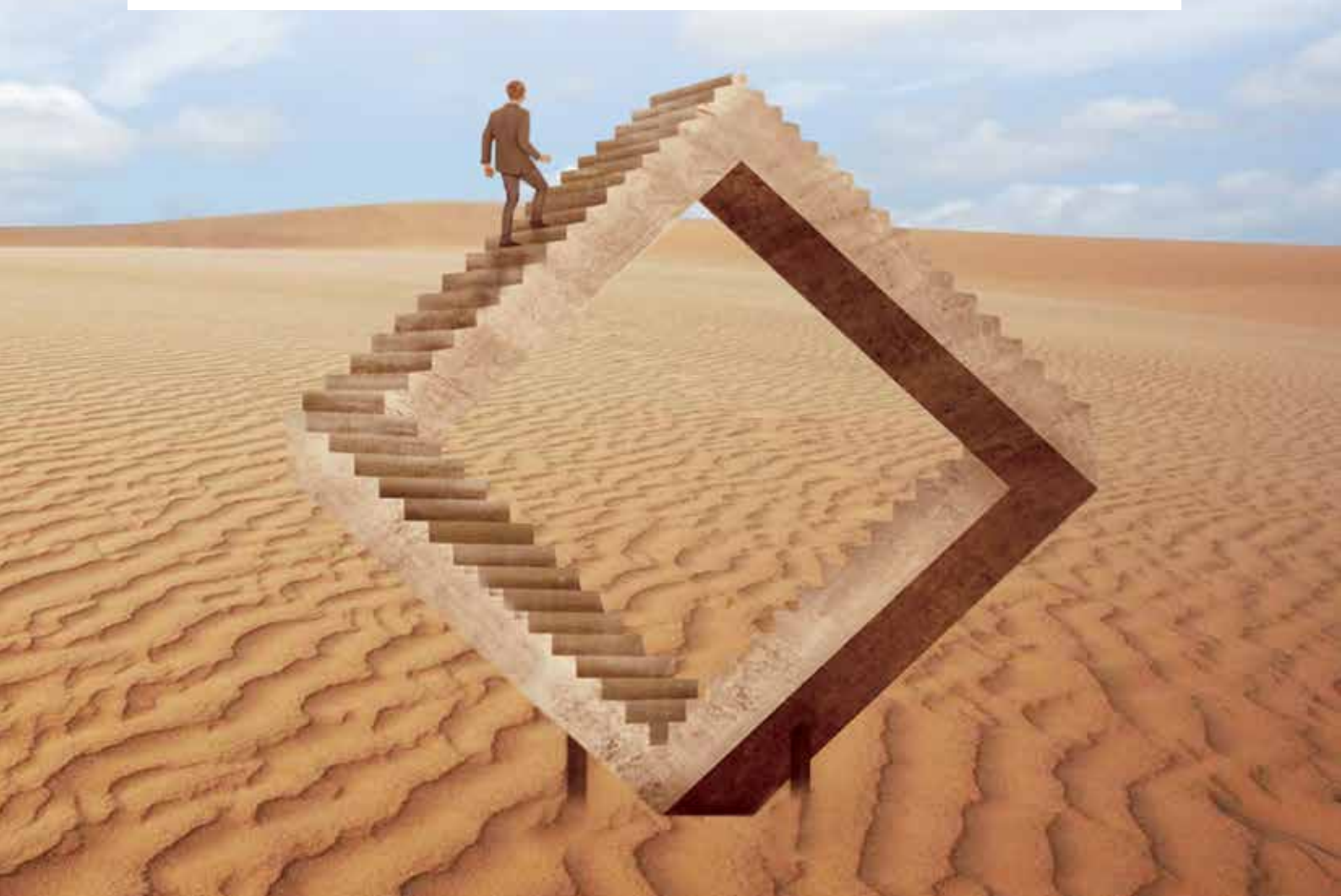
لازم به تذکر است که این مقاله از سلسله درسه های معارف محمد تقی مصباح یزدی تهیه گردیده و با اجازه استاد تعدادی از این جلسات که با بحث خانواده در اسلام ارتباط بیشتری داشت تلخیص و عنوان گذاری گردیده است.

# عرفان‌های کاذب

در اعتقادات اسلامی و قرآن و اهل بیت (ع) ایجاد شبهه می‌کنند و از این راه به دنبال فرقه‌سازی فرا دینی و فرا مذهبی هستند. ذکر این نکته ضروری می‌باشد که ریشه خرافات در نادانی و کم‌خردی بشر و شناخت خود و عالم است. وقتی گرایش‌های متعالی انسان هدایت نشود و با توهم تلقین گردد، خرافات پدید می‌آید. در این افراد خرافه جایگزین یک حقیقت گمشده در زندگی گشته است که همان معنویت می‌باشد که توسط خالص هستی در خلقت اشرف مخلوقات انسان به عنوان خلیفه الله به ودیعه نهاده است. دعوت جوانان تحت عناوین کلاس‌های رزمی، جلسات عرفانی، مذهبی، فرهنگی ... به دلیل جذب این عناوین است در حالی که در این جلسات به مرور زمان

شخصیت کاذب به مریدان مانند دادن مأموریت خاص به هر مرید و ارضای نفسانیات و اداره آنچه که مقصودشان است، در بسیاری مواقع به تشکیل شبکه‌های فساد اخلاقی، باندهای توزیع مواد مخدر و ایجاد گروه‌های ضد اجتماعی و تسویه حساب‌های شخصی و گروهی اقدام نموده و گاهی نیز با سازماندهی اعضا در شبکه‌های سیاسی، امنیتی برای ایجاد اغتشاش و انجام عملیات خرابکارانه در کشور با هدایت و حمایت دشمنان نظام فعالیت می‌کنند. مبنای شریعت را با تشخیص خودشان می‌گذارند و از رجوع به مراجع تقلید جهت کسب تکالیف دینی دوری می‌کنند. فعالان ترویج خرافه و اوهامات و عرفان‌های کاذب با دایر کردن کمیته‌ها، حلقه‌های گوناگون پنهان و آشکار در سطوح مختلف

در دنیای پر هیاهو و آشفته که در آن ارزش‌های اسلامی به شدت رنگ باخته و قدرت و ثروت هدف نهایی جلوه داده می‌شود، افرادی برای کسب شهرت و آوازه و ثروت نامشروع و بعضاً در پاسخ به عقده حقارت درونی با اهداف فردی یا گروهی با شگردهای مختلف، در صدد جذب گزاف و دروغ پردازی بزرگ مثل داشتن کرامت، دانستن اسرار و رموز هستی، کشف اسرار، تسلط بر علوم غریبه، دانستن خواص حروف و اعداد و جدول، ابایی نداشته یا خواب‌سازی می‌کنند. از تفسیر به رأی قرآن و منابع مذهبی تا بدعت در مناسک دینی، از صدور فتواهای بی‌اساس تا ادعای شفاعت گناهان و شفای امراض صعب‌العلاج، از نفوذ در NGO ها با وعده کمک‌های مادی و دستگیری معنوی و انتقال حس





شرکت کنندگان را به لاقیدی دعوت می کنند که در این بین تفکر آموزه های پر زرق و برق معروف به عرفان های نو پدید هندی مانند اوشو که تبحری فراوان در یوگا دارد دارای جایگاه ویژه می باشد که در تبلیغ خود قید، حریم و مرز را حذف می کند تا مرحله ای که بدون هیچ گونه نظارتی، دختران و پسران پیرو او شود و مکان هایی که به عنوان اوشو پارک دایر کرده است، به معاشرت با یکدیگر و پیروی از تعالیم منحرف ممزوج با مناسک اوشو بپردازند. رهبر این مکتب کاذب در بی بند و باری و فساد تا حدی پیش رفته است که به وی لقب کاهن پیشوای جنسی داده شده است. در هر حال انسان کمال جو به دنبال تکامل روحی و ارتقا بخشی کمال وجودی خود می باشد و اگر با وجود تحصیلات عالیه کلاسیک نسبت به پرورش صحیح روحی برگرفته از ارزش های تعیین شده توحیدی برای رسیدن به حیات طیبه بهره نبرد؛ اسیر فرقه های پرنرگ و لعاب و فریبی غرب یا شرقی خواهد شد. در ماه های اخیر، گروه ها و فرقه های کاذب دیگری نیز شناسایی و سران آنها بازداشت شده است که از جمله می توان به نالون دانا که معتقد به ترویج کمونیسم جنسی به بهانه (تحت عنوان) تمرینات و حرکات ورزشی شبیه کونگ فو و وشو جذب نیرو می کردند یا گروه مداد رنگی که بنا را بر سفسطه در مبانی اعتقاد و تبلیغ پلورالیسم دینی و ترویج فرهنگی تسامح در بین مسلمانان گذاشته و کار روی نوجوانان با هدف ایجاد مانع در ارتباط این افراد با نخبگان و عالمان دینی را جزو برنامه های اصلی خود قرار داده بودند یا فرقه منحرف رام الله با استفاده از تاکتیک های مشهور جذب مخاطب در قالب یک حرفه تمام عیار ظاهر شد و فرقه ح.پ که در منازلی تحت عنوان معبد اشرام با زاویه انحراف اخلاقی جلو رفتند، اطاعت بی چون و چرا، سرسپردگی به رهبر فرقه، ضبط اعترافات پیروان برای تنبه و شکایت نکردن از یافته های حضور در این فرقه است که متأسفانه اکثر اعضای مورد سوء استفاده قرار گرفته، خانم ها بوده اند یا

شبکه انحرافی عرفان حلقه (شعور کیهانی) که با دریافت پول از افراد و دادن آموزش به اصطلاح عرفان عملی طی چند ترم به آنها اقدام می کرد و نظرات انحرافی و مسئله دار آنها با مبانی اعتقادی خصوصاً نماز، حجاب، ارتباط با نامحرم از ویژگی های اصلی این فرقه می باشد، رهبران این فرقه ضلالت را تبلیغ می کنند اما با رنگ عرفان و بی بند و باری و فساد را به اسم معنویت، خدا و عرفان وارد زندگی مردم می کنند و یا سحر کابالایسم (عرفان صهیونیستی) تبلیغ می کنند و تلاش این چنین فرقه هایی در واقع تلاشی است برای رسیدن به دینی که نماز نداشته باشد، دینی که احکام ویژه برای بالندگی انسان نداشته باشد. این فرقه ها و گروه های دست ساز انسان های خودخواه زیاده خواه با القای ادعاهای با ظواهر موجه علمی مثل انرژی درمانی، فرا درمانی، واژه درمانی، کیهان درمانی، عرفان کیهانی در صدد رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده خود می باشند. افراد تبلیغ کننده پدیده اوهام و خرافه که با رونق بازار عرفان های کاذب در چنین گروه هایی یا در فضای مجازی، معنویت های فانتزی، گسترش طریقت های منهای شریعت، رشد شبه عرفان های زله ای با رنگ و بوی شهوت، شهرت و ثروت و بازار گرمی مکاره در مدعیان دروغین متمهدین (مدعیان دروغین مهدویت) عطش معنویت و اساس نیاز به تکامل و معرفت را با سراب های عرفان نما و بنجل های خرافه و عرفان های بدلی پر می نمایند اما ذکر چند نکته در این رابطه ضرورت دارد. تأسف بارترین فصل فرهنگ بعد از انقلاب زمانی بود که وزیر فرهنگ و ارشاد آن دوران توطئه و تهاجم فرهنگی را توهم می دانست، تساهل و تسامح به جای تولی و تبری برای مسائل فرهنگی کشور ریل گذاری می کرد در حالی که دشمن به جای جبهه گیری علنی و جنگ فیزیکی همانند موربانه قصد رخنه در بنیادهای عقلی و عقیدتی با حربه شبهه افکنی فرقه های شبه مذهبی به جنگ مذهب رو آورده و به دنبال بردن انسان به برهوت خلسه های مجازی و گوساله های ساحری در عصر ارتباطات و

عصر تکنولوژی بود. امروزه نیز دشمن با ورود و هجوم عرفان های کاذب از جمله نوع التقاطی بومی یا جریان های صوفیه تا عرفان های فرا روان شناختی و عرفان های شرقی مثل چینی، هندی (کریشنا، رام الله، اوشو ...)، عرفان های آمریکایی (سرخ پوستی، ...) تا عرفان های دینی که همه به نوعی از مبانی اعتقادی صهیونیسم جهانی گرفته شده روی آورده است که هدف اصلی آن دینی است که صهیونیسم در حال ترویج آن است؛ دین خود ساخته ای که توسط بشریت تولید شده و طبیعی است خروجی چنین دینی یا به زبان ساده تر تفکر کاذب چیزی جز ترویج خرافه پرستی و عرفان های نوظهور کاذب در جامعه نخواهد بود. آنها به دنبال تشکیل سازمان جهانی ادیان به بهانه تلفیق ادیان برای رسیدن به دینی یکسان و واحد برای بشر نیستند در حالی که مهمترین گزاره هدف و مقصد نهایی صهیونیسم جهانی تبلیغ معنویت بدون بشریت، انسان لیبرال غرب، کسب آرامش بدون مسئولیت اجتماعی می باشد. از آسیب های مهم چنین فرقه هایی ایجاد شکاف بین خانواده ها، تنش در افکار عمومی خصوصاً جوانان و فرزندان، ایجاد شکاف در مسائل بنیادین اعتقادی و سوء استفاده های اقتصادی است. در هر حال باید با روش های مناسب بحث شناخت و معرفت و عرفان الهی به جامعه هدف خصوصاً جوانان طرح گردد و برای رسیدن به قله سازنده معنوی با در نظر گرفتن اینکه انسان پیوسته در معرض هجوم وساوس شیطانی است؛ استعداد های انسانی را فعلیت بخشیده و دینی معرفی شود که رابطه عمل دنیوی را با سعادت اخروی نشان دهد. طی طریق با حب و عشق نسبت به بالاترین و والاترین هدف هستی یعنی خداگونه شدن و آنچه که او توصیه کرده است را نصب العین قرار دهد حوزه معرفتی زلال الهی نقطه قوت مقابله و هجوم به جنگ نرم با استراتژی موربانه ای دشمن سلطه جو است

# همسری که در دوره‌ی مجردی توقف کرده است



## عدم گذار از دوران مجردی چه مشکلاتی را می‌تواند برای زوج به همراه داشته باشد؟

هر فردی در شکل طبیعی و پذیرفته شده اش در یک خانواده متولد می‌شود که یک زن و یک مرد به طور شرعی و قانونی تشکیل داده اند و پدر و مادر او محسوب می‌شوند؛ اما اگر این عرف شکسته شود و فرد در خانواده متولد نشود، معمولاً نهادهای دولتی سرپرستی کودک را قبول می‌کنند یا توسط همین نهادها و رعایت برخی ضوابط، کودک به خانواده‌های ذی صلاح تحویل داده می‌شود. زیرا هر کودکی تا قبل از رسیدن به سن قانونی نیاز به مراقب و سرپرست دارد و باید در خانواده یا چیزی شبیه به آن زندگی کند.

سن قانونی در اکثر کشورها از جمله ایران ۱۸ سال است. تا رسیدن به سن قانونی سرپرستی کودک بر عهده ی والدین است (سرپرست به شخصی گفته می‌شود که عهد دار مسئولیت های کودک تا قبل از رسیدن به سن قانونی است) و این وظیفه ی آن هاست که تمام مایحتاج کودک را تهیه کنند. اما پس از آن که فرد به سن قانونی رسید، والدین دیگر چنین وظیفه ای ندارند و فرد خودش مکلف است تا مسئولیت زندگی خود را بپذیرد و برای رفع نیازهای خود اقدام کند. از این سن به بعد، فرد مجرد محسوب می‌شود.

والدین باید بپذیرند فرزندشان فقط تا قبل از رسیدن به سن قانونی باید از تمام قوانین خانه تبعیت کند، زیرا تا قبل از این سن توانایی تشخیص فرد کم است و نمی‌تواند راه درست زندگی را پیدا و انتخاب کند، اما بعد از این سن فرد از توانایی و حق انتخاب بیش تری برخوردار است و می‌تواند از قبول برخی قوانین (بنا به تشخیص خود) سرباز بزند؛ زیرا چه بسا رعایت برخی از این قوانین از نظر فرد بالغ مورد تأیید نباشد و فرد خود را ملزم به

رعایت آن‌ها نداند. در حقیقت چنین فردی مستقل و مجرد است. اما این مفهوم در جامعه ی نسبتاً سنتی و نیمه صنعتی ما به خوبی قابل فهم نیست و والدین درک کافی و درستی از این موضوع ندارند، زیرا برای تعریف صحیح هر مفهوم و چهارچوبی ابتدا باید نسبت به آن شناخت کافی داشت و از قواعد حاکم بر آن - لااقل تا حدودی - آگاه بود. همواره کژفهمی و ارائه ی یک تعریف نادرست از مسائل و موضوعات، سبب بروز مشکلات مختلف در روابط بین فردی می‌شود. ارائه ی این تعاریف نادرست در مسائل و زمینه های متعدد می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ مثلاً عدم آشنایی با ادبیات، یا ضعف های زبانی موجود در یک فرهنگ، گاهی منجر به ارائه ی تعریف نادرست از موضوع می‌شود. در نتیجه، برخی کاستی‌ها می‌توانند موجب ارائه ی یک تعریف ناقص و ناکارآمد از حریم زناشویی شوند. برای مثال این اصطلاح نادرست که «بعد از ازدواج می‌روند سر زندگی شان!» در فرهنگ عامه ی ما زیاد استفاده می‌شود؛ در حالی که کاربرد آن ناصحیح است، زیرا همه ی ما از وقتی متولد می‌شویم تا روزی که زنده ایم در حال زندگی کردن هستیم! این تعریف ناقص، درست مانند همان داستان‌هایی است که با ازدواج شخصیت‌های آن به پایان می‌رسند؛ در این مورد کژفهمی زبانی علت اصلی ارائه ی چنین تعریف ناقصی است.

هم چنین غیرصنعتی بودن زبان جامعه نیز می‌تواند موجب ارائه ی تعاریف ناصحیحی باشد. این مشکل در جامعه ی ما کاملاً مشهود است، زیرا برخلاف این که ادبیات ایرانی بسیار غنی است، اما هنوز نتوانسته خود را با زبان صنعت و فن آوری هماهنگ کند. به نظر می‌رسد دلیل آن نیز گذار از دوران سنتی و ورود



اما در ایران فرد تا زمانی که ازدواج نکرده است تقریباً در بیش تر خانواده ها همه ی مسئولیت زندگی اش بر عهده ی پدر و مادر است، در صورتی که با شروع این دوره، جوان باید بپذیرد که حتی بر طبق قانون نیز دیگر تنهاست. البته این تنهایی فقط به منظور کسب استقلال بیش تر است، استقلالی که حتی آن را قانون هم پذیرفته و به آن اعتبار بخشیده است. وگرنه پذیرش مجردی از سوی فرد، به معنای ترک خانه و ادامه ی زندگی در تنهایی و تحمل رنج حاصل از آن نیست، زیرا فرد مجرد می تواند در حالی که در جمع خانواده ی اولیه زندگی می کند، برای خود به عنوان یک فرد مستقل و مجزا، از استقلال رأی و اندیشه برخوردار باشد و باید اهمیت این واقعیت را پدر و مادر یا سایر اعضای خانه هم، درک کنند. حالا اگر یک جوان بنا به عرف، یا به هر علت دیگری، هنوز با پدر و مادرش زندگی می کند، دلیلی بر عدم تأیید دوران یا فقدان مفهوم مجرد نیست، زیرا براساس این تعریف فرد در این دوره فاقد خانواده است و فقط با خانواده ی اولیه اش که در آن متولد شده زندگی می کند. اما متأسفانه طبق هنجارها و باورهای پذیرفته شده در جوامع سنتی، همین که فرد احساس کند فاقد خانواده است یک بار ارزشی منفی و ناخوشایند را به دوش می کشد، بنابراین حتی از ابراز آن خودداری می کند. در حالی که باید هر یک از ما بپذیریم جوان مجرد فاقد خانواده است، هر چند ممکن است در آینده تشکیل خانواده بدهد. (البته منظور ما از به کار بردن عبارت «فرد مجرد فاقد خانواده است» نفی ارزش و جایگاه خانواده نیست؛ بلکه هدف از طرح چنین موضوعی تأکید بر لزوم و اهمیت جایگاه رشد روانی اجتماعی فرد است که نباید از نگاه هیچ کسی دور بماند.) بدون شک همه ی ما به پدر، مادر، خواهر و برادرمان تعلق خاطر داریم، اما وجود این احساس تنها به دلیل حس محبتی است که به عزیزان مان داریم، نه دلیلی برای اثبات عدم مجرد و تنهایی ما در این دوران. بنابراین برای این که فرد در آینده توانایی لازم و کافی را برای ایجاد یک رابطه ی دو نفره ی صمیمی داشته باشد، باید این تنهایی را لمس و درک کند تا بتواند حریم زناشویی اش را ترسیم کند. عدم درک چنین مفهومی سبب می شود در جامعه ای مثل جامعه ی ما، حتی بعد از سال ها، زن و مرد خود را جزئی از خانواده ی اولیه ی شان بدانند و هنوز بر سر آن با یک دیگر درگیر شوند. همین کژفهمی و کاربرد ناصحیح مفاهیم، باعث عدم شکل گیری حریم زناشویی افراد می شود یا به آن آسیب می زند. بر همین اساس، در بین بسیاری از مراجعین بارها شاهد این هستیم که زن و مرد از خانواده ی یک دیگر صحبت می کنند و هر یک دیگر را به این متهم می کند که او فقط به خانواده اش توجه دارد و از من غافل است. دلیل بروز چنین تضادی در میان همسران عدم درک مفهوم دوره ی مجرد در زمان و موقعیت مناسب است. فردی که ویژگی های این دوره و مسئولیت های آن را به خوبی درک نکرده است و همواره بنا به تعاریف سنتی، خود را جزئی از خانواده ی اولیه اش می داند، همواره در معرض خطر چنین تضادی قرار دارد. این دسته از زوج ها - حتی با وجود فرزندان نوجوان یا حتی جوان - چون



به جامعه ی نوین و صنعتی باشد. در حقیقت جامعه ی ایرانی به عنوان یک کشور در حال توسعه، هنوز در فاصله گرفتن از سنت ها و قبول تعریف نوین از روابط زناشویی دچار تضاد است. بنابراین در حالی که جوانان ما هنوز هم چون گذشته ها، دوران مجردی خود را کاملاً در خانواده ها و با وابستگی نسبی اقتصادی به پدر و وابستگی عاطفی به مادر طی می کنند، دیگر حاضر به پذیرش برخی از سنت های والدین خود نیستند، زیرا آن ها را قدیمی و حتی در برخی موارد غیرعقلانی می دانند. برای مثال در حالی که هنوز قانون سنتی تعدد زوجات به طور هم زمان برای یک مرد جایز است اما از نظر عرف و نگاه امروزی دیگر کار پسندیده ای نیست. یا مثلاً اگر در گذشته حق انتخاب زن نسبت به مرد کم تر بوده، امروزه دیگر این نگاه کارکرد ندارد یا دست کم کارکرد آن به حداقل رسیده است و دیگر زن هم چون یک کودک تحت حمایت و اختیار شوهرش نیست. در نگرش و مفهوم سنتی به ازدواج، این فقط مرد است که تشکیل خانواده می دهد و سرپرستی اعضای آن را به عهده می گیرد، ولی در نگاه نوین گرچه مرد هنوز می تواند رئیس خانواده باشد اما این فقط بخشی از مسئولیت های اوست و وی سرپرست و قیم همه ی افراد خانه نیست و زن هم به اندازه ی شوهر در اداره ی خانه نقش دارد و مسئولیت می پذیرد. همه ی این مثال ها نشان می دهند با وجود چنین رویکردهای تازه ای به روابط زناشویی، خانواده هنوز معنای سنتی خود را حفظ کرده است و به همین دلیل افراد نمی توانند پس از بلوغ و حتی پس از ازدواج شان بین خود با خانواده ی اولیه ی شان تفاوت قایل شوند. در حالی که هر فردی طبق قانون باید از ۱۸ سالگی به بعد مسئولیت کارهایش را بپذیرد و در برابر آن ها پاسخ گو باشد، در نتیجه از این سن به بعد از نظر قانونی هم، فرد مجرد نسبت به عملکردش مسئول است.

از حریم زناشویی خودشان تعریف مشخصی ندارند، خود را عضوی از یک خانواده ی جدید نمی دانند و برعکس هنوز هر یک خودش را جزئی از خانواده ای می بیند که تا قبل از ازدواج به آن وابسته بوده است. این تناقض ها به این دلیل بروز می کند که اغلب ما از کارکردهای روابط زناشویی (که مهم ترین کارکرد آن، رسیدن به یک حریم جدید و مشترک است) اطلاع دقیقی نداریم و چون نمی توانیم مفهوم زندگی زوج و خانواده ی «دو نفره» را درک کنیم، قادر به تشکیل یک زندگی مستقل نیستیم و همواره به خانواده های اولیه ی مان وابسته می مانیم. این درک ناقص از روابط زناشویی سبب می شود تا مرزهای زندگی مشترک ما فقط در سند ازدواج مان معنا داشته باشد و تنها به عنوان یک قرارداد تلقی شود. اما آشنایی با فرهنگ متجدد و پذیرش آن و ورود به جامعه ی صنعتی این امکان را به مامی دهد که دوره ی تجرد را با معنا و کارکرد جدیدش لمس کنیم. بنابراین در فضای جدید دیگر نمی توان از یک فرد مجرد پرسید که «رابطه ات با خانواده ات چگونه است؟» زیرا اگر مجرد است پس مفهوم خانواده چیست؟ و اگر متعلق به خانواده است پس دوره ی تجرد چه معنایی دارد؟ بلکه باید پرسیم: «رابطه ات با والدین، یا خواهر و برادرت چگونه است؟» برای این که بتوانیم این دوران را درک کنیم، نیازمند نوازش در سطح دوم هستیم یعنی نوازش درک شدن. همان طور که پیش تر ذکر شد نوازش درک شدن یعنی معنا یافتن در ذهن خود یا دیگران. در حقیقت چه ما از سوی دیگران و چه به وسیله ی خودمان درک شویم، توانسته ایم درون خود را نوازش کنیم. بر همین اساس نیاز است تا، هم خودمان درک کنیم که مجردیم و هم دیگران ما را به عنوان یک فرد مجرد بشناسند. ممکن است برخی از افراد با این نظر موافق نباشند، ولی واقعاً هیچ دلیل مذهبی، شرعی، عرفی و عقلی قانع کننده ای وجود ندارد که افراد تا سنین بالا، بچه ی پدر و مادر باقی بمانند و والدین نیز موظف به حمایت از آن ها باشند. حتی اگر والدین حاضر به قبول این واقعیت نباشند، باید بپذیرند که چنین حمایت های نامحدودی سبب می شود



**در حقیقت خانواده به عنوان کوچک ترین هسته ی اجتماع، با ازدواج زن و مرد شکل می گیرد و پس از آن حریم زوج معنادار می شود. گمان نکنید که بیان این مفاهیم، بازی با کلمات است و هرگز هیچ یک از ما نمی توانیم این مفاهیم را از انتزاع خارج کنیم و به آن ها عینیت ببخشیم، زیرا برخلاف تصور عامه، هر یک از کاربردهای عینی ای دارند که عدم درک صحیح یا استفاده ی نابجا از آن ها می تواند در آینده به حریم زناشویی افراد لطمه بزند و مانع شکل گیری صحیح قوانینی کارآمد در حریم زناشویی آن ها شود.**

که فرزندان در آینده به راحتی قادر به تشکیل یک خانواده ی مستقل نباشد و همواره یک فرد وابسته باقی بماند. بنابراین والدین باید کمک کنند که فرزندان به تدریج به عنوان یک فرد بالغ، مسئولیت یک زندگی مستقل را بپذیرند و به شکلی عملی و ملموس با مفهوم همسرگزینی و تشکیل حریم زناشویی آشنا شوند.

پذیرش این واقعیت به معنای نفی مقام پدر و مادر نیست و هرگز از ارزش والای آنان نمی کاهد، بلکه فقط به این مفهوم است که با شروع دوره ی مجردی قواعد بین فرزندان و والدین تغییر می کند و دیگر قرار نیست همان قواعدی که پیش از آن بین آن ها حاکم بوده ادامه یابد. از این زمان به بعد، فرد مجرد از استقلال بیش تری نسبت به قبل برخوردار است و والدین باید به حریم شخصی او بیش تر از گذشته توجه کنند و احترام بگذارند. با شکل گیری و درک این حریم، فرد مجرد کم کم احساس می کند در فرایندی قرار دارد که در نهایت منجر به تشکیل خانواده می شود. در حقیقت خانواده به عنوان کوچک ترین هسته ی اجتماع، با ازدواج زن و مرد شکل می گیرد و پس از آن حریم زوج معنادار می شود. گمان نکنید که بیان این مفاهیم، بازی با کلمات است و هرگز هیچ یک از ما نمی توانیم این مفاهیم را از انتزاع خارج کنیم و به آن ها عینیت ببخشیم، زیرا برخلاف تصور عامه، هر یک از این مفاهیم، کاربردهای عینی ای دارند که عدم درک صحیح یا استفاده ی نابجا از آن ها می تواند در آینده به حریم زناشویی افراد لطمه بزند و مانع شکل گیری صحیح قوانینی کارآمد در حریم زناشویی آن ها شود. استفاده ی نابجا از آن ها می تواند در آینده به حریم زناشویی افراد لطمه بزند و مانع شکل گیری صحیح قوانینی کارآمد در حریم زناشویی آن ها شود. مجرد است، مشکل ایجاد می کند. زیرا فرزندان هم بر طبق همان تعریف سنتی که می گوید: «بچه ها تا زمانی که ازدواج نکرده اند متعلق به خانواده هستند.» دیگر حاضر به قبول مسئولیت های خود نیستند و توقع دارند مادامی که ازدواج نکرده اند پدر و مادر در همه ی موارد از آن ها حمایت کنند. در حالی که پدر و مادر حتی براساس قانون هم، فقط تا قبل از ۱۸ سالگی فرزندان چنین وظیفه ای دارند و اگر بعد از این سن، هنوز عهده دار هزینه ها و مسئولیت های فرزندان هستند، در حقیقت لطفی است که خارج از وظایف شان انجام می دهند.





## آسیب‌های پنهان شبکه‌های اجتماعی مجازی

تسلسل در اطلاعات، مانع نفوذ عمق معنا به فرد شده و در واقع درک و معنا را کور می‌کند و ماخیال می‌کنیم صدها پیام چه معنوی و یا فرهنگی را تندتند در کانال‌ها و یا گروه‌ها بفرستیم و پست بگذاریم منجر به ایجاد یک فضای معنوی و فرهنگی می‌شویم، این پیامها تندتند می‌آید و مخاطب می‌بیند و یا می‌خواند اما به سادگی از کنار آن‌ها عبور می‌کند و در وجود مخاطب هیچ اثری نمی‌گذارد و مخاطبان در مقابل پیام‌ها کم‌کم روپین تن می‌گردند و گرنه «در خانه گر کس است یک حرف پس است». گاهی انسان‌ها برای متحول شدن با یک متن نظیر وصیت نامه شهید یا یک روایت یا آیه قرآن بیشتر نیاز ندارند و لیکن در شرایط فعلی شاهد یک پیامزدگی در میان کاربران این فضاها هستیم. تحول انفسی به معنای پیداکردن تحول در کثرت نیست. شبکه‌های اجتماعی امکان تحول انفسی ندارند و برعکس جلوی تحول انفسی را هم با پیامهای معنوی می‌گیرند. خیلی‌ها در این فضای شبکه اجتماعی حضور پیدا می‌کنند و تماماً هم آیات و احادیث و غیره را می‌گذارند، به نظرتان خیلی خوب است؟ شاید این افراد خیلی احساس رشد معنوی و اثر بخشی می‌کنند ولی در واقع این افراد پس از مدتی دچار پیام زدگی می‌شوند و اتفاقاً از اصالت پیامهای معنوی دارند فاصله می‌گیرند. در نتیجه این امر اگر کاربر نداند چه موقع چه چیزی را با چه تکنیکی و به چه شیوه‌ای به مخاطب هدف خود بیان کند یا از مرحله پرت یا هضم و یا مایوس و عصبی می‌شود و احتمال اینکه راه برگشتی نداشته باشد در این شرایط به شدت وجود دارد. باید فلش استفاده از شبکه‌های اجتماعی رو به بیرون باشد نه اینکه به داخل یعنی در این فضا باید مطالبی را عنوان نمود که فرد در خارج از آن به دنبال آن برود مانند معرفی یک کتاب یا مقاله و یا اگر قرار به تبلیغ است از تکنیک‌ها و فنون مربوط به تبلیغ استفاده گردد.

از زمان ورود اینترنت به کشور بیش از ۲۴ سال می‌گذرد و در این مدت کارکردهای فضای سایبری دچار تحولات شگرفی شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز زاینده این تحولات سایبری هستند که با توجه به کارکردهایی که دارند برای ترویج سبک زندگی مبتنی بر اینترنت، مورد استقبال بسیاری از جوامع قرار گرفته‌اند. دیر زمانی از حضور شبکه‌های اجتماعی در جامعه ما نمی‌گذرد ولیکن این پدیده جدید با کارکردهایی متنوعی که دارد توانسته نقش‌های زیادی در سبک زندگی آحاد جامعه ایفاء نماید. از سوی دیگر به دلیل حضور گسترده این رسانه بدون آگاهی بخشی‌های لازم به اقبال مختلف جامعه و همچنین وجود برخی از ویژگی‌ها نظیر عدم وجود محدودیت‌های زمانی و مکانی قابلیت دسترسی آسان به انواع محتواها شامل متن، صوت و تصویر و برقراری ارتباطات گسترده و بدون قاعده آسیب‌هایی را به دنبال داشته است. برخی از آسیب‌های این شبکه‌های به ظاهر اجتماعی آشکار و برخی دیگر به شکل پنهان می‌باشند و عمدتاً کارشناسان این فضا به آسیب‌های آشکار آن نظیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی، از بین رفتن زمان، جعل هویت، شایعه پراکنی و... اشاره می‌نمایند و کمتر کارشناسی در این حوزه به آسیب‌های پنهان این فضا می‌پردازد. در ادامه سعی می‌گردد یکی از آسیب‌های پنهان در حوزه فردی شرح داده شود.

### از بین رفتن درک معنا

یکی از آسیب‌های پنهان فردی شبکه‌های اجتماعی مجازی از بین رفتن درک معناست. شبکه‌های اجتماعی مجازی دنیایی است با اطلاعات بسیار گسترده در حوزه‌های گوناگون و معانی اندک و گاه اشتباه، فکر می‌کنیم که هرچه اطلاعات بیشتر باشد فهم ما و درک ما نیز بیشتر می‌شود. اما معنا یعنی درک افراد نسبت به پیامها و اطلاعات..

# امیر عدالت

خصوصیات  
حکومتی  
امیر المؤمنین (ع)  
بر اساس بیانات رهبر انقلاب

هدف بودن عدالت و آسایش  
مردم نه کسب مال دنیا

پایبندی به اسلام و مخالفت  
با نظرات مخالف با اسلام

رعایت عدالت اجتماعی به معنای  
برابری مردم در مقابل قوانین

بصیرت بخشی و ارجاع  
مردم به حق در هنگام فتنه

کار زیاد و بهره مندی  
کم از اموال عمومی

متوسل نشدن به ظلم و  
دروغ و فریب برای پیروزی

قاطعیت در بیت المال و  
مبارزه با مفاسد اقتصادی

تلاش برای بهبود زندگی  
سحرومان جامعه

بی باکی در عمل  
به حق و عدل

قاطعیت نسبت به  
تخلف و خیانت

تواضع بدون ضعف  
و اقتدار بدون تکبر

عقب نشینی  
نکردن از عدالت

دفاع از مظلوم و  
سرسختی با ظالم

هدایت  
جامعه به تقوا

قاطعیت در عزل  
و نصب ها

در نظر گرفتن  
رضایت عامه مردم

تقسیم یکسان  
بیت المال

برابری ادیان در  
حقوق انسانی

مبارزه با باطل  
پس از تشخیص

شناسخت  
دوست و دشمن

جمله امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه: «بلاغه...»  
«ان عمالک لیس لک بلاغه»  
مسئولیت طعمه‌های نیست که توبه دست  
آورد باشی و بخوابی از آن، لقمه‌ی جبری برش!  
«ولکن فی غفک امانة»  
این یک امانت و مسئولیت  
بر دوش شماست.

محمد رحمانی

## ملاکهای مدیر شایسته

### از منظر حضرت علی (ع)



راه عدالت است، بیشترین تأکیدات و سفارش ها را در باره عدالت و دادگری کرده تا جایی که نهج البلاغه را، به حق، -کتاب عدالت- نامیده اند. آن حضرت، در موارد زیادی اهمیت این مطلب را گوشزد کرده و بر آن تأکید ورزیده است. گزارش تمامی آنها، از این مختصر خارج است، از این رو به نقل چند نمونه بسنده می شود. در مقام توییح و سرزنش کسانی که به او توصیه کرده اند تا جهت استمرار حکومت، از ستم و جور یاری جوید، می فرماید: -أَطْلَبُ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فَيَمُنُّ وَلِيْتُ عَلَيْهِ؟! وَاللَّهِ! لَا أَطُورُ بِهٖ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَ مَا أُمَّ نَجْمٌ فِي

در فصلنامه قبل اشاره گردید به ۴ ویژگی مدیر شایسته از جمله آگاهی بینش سیاسی، ایمان به هدف و امانتداری. در ادامه می پردازیم به بقیه ملاکهای یک مدیر شایسته از منظر حضرت علی (ع).

**عدالت خواهی:** عدالت، از واژه هایی است که در فرهنگ اسلامی، بیشترین تقدس و کاربرد را دارد تا آنجا که بسیاری از مسؤولیت و منصبهای اجتماعی و فردی، مشروط به عادل بودن شده است. مفهوم کاربردی این عنوان، هر چند در موارد مختلف تفاوت می کند و لکن ریشه و روح تمامی موارد، یکی است. امیر المؤمنین (ع) که خود شهید



السماء نجماً؛<sup>[۳۳]</sup> آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در باره امت اسلامی - که بر آنان ولایت دارم - بهره جویم؟! به خدا سوگند! تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. - علامه خوئی در ذیل این بخش از خطبه، مطالب فراوان و غم انگیزی را گزارش کرده است از جمله: مرحوم علامه مجلسی می فرماید، بیشتر گرفتاریها و فتنه هایی که برای جهان اسلام و مسلمانان در طول تاریخ پیش آمده، ناشی از بدعت تبعیض در تقسیم بیت المال و بی عدالتی بوده است؛ زیرا، اگر عدالت و صرف بیت المال به گونه مساوی، رعایت می شد، طلحه و زبیر پیمان شکنی نمی کردند و جنگ جمل و خلافت معاویه و استقرار حکومت بنی امیه و خون ریزی های بسیار و شهادت فرزندان رسول خدا(ص) همراه با ناسزاگویی به امیر مؤمنان و انتقال حکومت به بنی عباس، اتفاق نمی افتاد.<sup>[۳۴]</sup> ابن میثم، در شأن و سبب ایراد این سخنان می نویسد: هدف امام علی(ع) از ایراد این سخنان، تبری از ظلم و ستمگری بوده است و آنچه سبب شده تا امام مطالب را ایراد کند، عبارت است از اینکه فردی به محضر آن حضرت آمد و هدیه ای را تقدیم کرد و درخواست بخشش از بیت المال را کرد. و چون هدیه، جهت دریافت وجهی از بیت المال بود، امام، هدیه را نپذیرفت و این مطالب را ایراد کرد.<sup>[۳۵]</sup> علامه شوشتری، در شرح این خطبه، روایات و احادیث فراوانی را گزارش کرده از جمله: -الظلم فی الدنيا هو الظلمات فی الآخرة؛<sup>[۳۶]</sup> ستمگری در دنیا، تاریکی آخرت است. - شارح معتزلی نهج البلاغه، ابن ابی الحدید در شرح و تفسیر این حکمت می نویسد: ریاست، به اموری نیازمند است، از جمله جود و شجاعت و سعه صدر. و این، خیلی اهمیت دارد؛ زیرا، منصب و ریاست، بدون آن دوام ندارد و چون معاویه، سعه صدر داشت،<sup>[۳۷]</sup> در ریاست به آنچه خواست رسید. لازم به یادآوری است که آنچه معاویه داشت، سعه صدر نبود، بلکه نفاق و نیرنگ بود؛ زیرا، بزرگترین سعه صدر، بر اساس فرمایش امام صادق(ع)<sup>[۳۸]</sup> عبارت است از: -تحمل شنیدن حق، هر چند علیه او باشد، و تسلیم در برابر آن. - این صفت والای انسانی، در حدی از اهمیت و ارزش است که پیامبران الهی(ع) آن را با تضرع و التماس، از درگاه ایزد مَنان خواسته اند. آن حضرت، در باره قبح ظلم و ضرورت عدالت از سوی تمامی افراد، بویژه کارگزاران، می فرماید: -وَ اللَّهُ! إِنَّ أْبَيْتَ عَلِيَّ حَسْبِكَ السُّعْدَانُ مَسْهَدًا أَوْ أَجْرَ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفِّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لِنَشِيءٍ مِنْ الْحَطَامِ! وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يَسْرِعُ إِلَى الْبَلِي قَفُولُهَا وَ يَطُولُ فِي الثَّرَى حُلُولُهَا؟ سوگند به خدا! اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان<sup>[۳۹]</sup> به سر ببرم و با غل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوشتر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم! چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می رود و در خاک زمانی طولانی اقامت کند؟ - در جای دیگر، خطاب به مالک اشتر می فرماید: -إِنَّ أَفْضَلَ قَرَّةَ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَ ظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ؛<sup>[۴۰]</sup> بهترین چیزی که مایه روشنی چشم زمامداران و مسؤولان است، همانا گسترش عدل و داد در بلاد و شهرها و آشکاری درستی و علاقه به مردم است. - از این روایات و آیات، جایگاه ویژه این صفت در مسؤولان، به خوبی نمایان می شود و در اهمیت آن همین بس که بسیاری از بزرگان

و رهبران دینی و در رأس آنان امام علی(ع) در راه عدالت خواهی به شهادت رسیده اند و از این رو ضرب المثل شده که -قتل علی لشدة عدالته؛ علی(ع) به جهت شدت عدالتش شهید شده است. - احترام به نظر کارشناسان خرد انسانها، محدود است و نمی تواند تمامی حقایق و راه حل مشکلات را بفهمد. از دیرباز، انسانهای خردمند، جهت جبران این کاستی، از تجربیات و آموخته های دیگران کمک می جسته اند. این امر فطری و عقلایی، در آموزه های دینی نیز مورد تأکید و اصرار واقع شده، بویژه برای کسانی که مسؤولیت اداره جامعه و نهادهای اجتماعی را بر عهده گرفته اند. در این قسمت، چند نمونه از فرمایشهای مولا علی(ع) را در این باره گزارش می کنیم. آن حضرت، خطاب به محمد بن حنفیه می فرماید: -أَضْمُمْ أَرَاءَ الرِّجَالِ بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ، ثُمَّ اخْتَرِ أَفْرَبَهَا مِنَ الصَّوَابِ وَ أَبْعَدَهَا مِنَ الْإِثْمِ؛<sup>[۴۱]</sup> نظر مردان (اهل فکر و خرد) را، برخی را با برخی دیگر، ضمیمه کن و سپس نزدیکترین آنها را به حقیقت و دورترین آنها را از شک و تردید، انتخاب کن. - آن حضرت، در موارد زیادی، زمامداران و مسؤولان را بر بهره مندی از فکر و خرد دیگران توصیه و از استبداد رأی نکوهیده است، از جمله می فرماید: -لا تَسْتَبِدَّ بِرَأْيِكَ؛ فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ؛<sup>[۴۲]</sup> خودرأی مباش، زیرا، هر کس مستبد در رأی باشد، نابود می شود. - **سعه صدر** امیر مؤمنان علی(ع) سعه صدر را یکی دیگر از معیار ملاکهای گزینش کارگزاران دانسته و در مواردی بر آن تأکید کرده، از جمله در یکی از کلمات قصار و پندآموز می فرماید: -أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ؛<sup>[۴۳]</sup> بردباری و تحمل سختی ها، ابزار ریاست است. - آیه الله حسن زاده، در شرح این جمله کوتاه که در بردارنده دنیایی از معنا و مطلب است، می نویسد: منصب و ریاست، چه از نوع الهی مانند منصب نبوت و امامت و آنچه در این شبکه قرار می گیرد و چه از نوع بشری که با انتخابات و یا با قهر و غلبه به دست می آید، نیازمند حلم و بردباری زیادی است؛ زیرا، با این بردباری، می توان مشکلات و خصومات و نیازهای مردم را پاسخ مثبت داد. افزون بر این، ریاست و قدرت، منشأ درگیری و جنگ و خونریزی است و با بردباری، می توان این گونه مسائل را با کمترین هزینه حل کرد. در ارتباط با اینکه سعه صدر یکی از ضوابط و معیارهای گزینش کارگزاران است، آیات و روایات فراوانی بر این حقیقت دلالت دارد، از جمله: -أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى قَالَ رَبِّ اشرح لی صدری و یسِّر لی امری؛<sup>[۴۴]</sup> به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است. (موسی) گفت: -پروردگارا! سینه ام را گشاده کن و کارم را برابم آسان گردان! - این آیات، در ارتباط با اجرای دستور و فرمان الهی نسبت به مبارزه با فرعون نازل شده و موسی(ع) جهت قدرت و توانایی بر اجرای این امر مهم، از خداوند، اموری را درخواست کرده، از جمله شرح صدر که در واقع همان سعه صدر است. بسیاری از مفسران، این شرح صدر را جزء عوامل و شرایط لازم برای موفقیت اهداف می دانند. علامه طباطبایی در این باره می نویسد: از ظاهر آیه پیداست که موسی(ع) آنچه را درخواست کرده، وسایل و عواملی بوده که در امر رسالتش به آن نیازمند بوده، نه امر نبوت. وی، رسالتی را که خداوند بر دوش او نهاده بود، بزرگ شمرد؛ چون، از شوکت و قوت قبطیان، بویژه فرعون طغی - که در رأس آنان قرار داشت - آگاه بود، نیز از ضعف و اسارت بنی اسرائیل باخبر بود و می دانست چه اندازه جاهل و کوتاه فکرنده و گویا می دانست که دعوت اش چه مشکلاتی را به بار می آورد، به همین جهت، از خدا درخواست کرد که برای تحمل مصیبتها و حل مشکلات،



به او سعه صدر بدهد.<sup>[۴۴]</sup> سعه صدر، آن چنان از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است که خداوند، هر کس را بخواهد هدایت کند، به او شرح صدر می دهد. خداوند در این باره فرموده است: *فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضْلُهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا*<sup>[۴۵]</sup> آن کس را که خداوند بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده می سازد و آن کس را که (به خاطر اعمال خلافش) بخواهد گمراه سازد سینه اش را تنگ قرار می دهد. - از رسول خدا(ص) پرسیده می شود: مقصود از شرح صدر چیست؟ - آن حضرت می فرماید: *نور يقذفه الله في قلب من يشاء فينشرح له صدره وينفسخ*<sup>[۴۶]</sup> شرح صدر، نوری است که خداوند در قلب هر کس بخواهد، می افکند تا در پرتو آن درخشش معنوی، سینه اش گشاده و وسیع گردد. - در جای دیگر، خداوند، از جمله صفت‌هایی که موجب موفقیت و پیروزی رسول خدا(ص) شد، شرح صدر او را برمی شمارد و می گوید: *أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ*<sup>[۴۷]</sup> آیا سینه تو را گشاده و فراخ نگردانیدیم؟ - شجاعت بی گمان، از جمله شرایط و اوصاف لازم کارگزاران و مدیران، **شجاعت و ترس بودن** در ارتباط با انجام دادن وظایف دینی و آنچه در قلمرو مسؤولیت او قرار دارد، است. مولا امام علی(ع) نیز بر این مهم در جای جای کلماتش تأکید کرده، از جمله در باره معیارهای گزینش فرماندهان، خطاب به مالک اشتر می فرماید: *فول من جنودك ... أهل النجدة والشجاعة*<sup>[۴۸]</sup> برای فرماندهی سپاه ... افرادی را از خاندان پارسا و دارای سوابق نیکو و دلاور و سلحشور انتخاب کن! - مولای متقیان، برای افرادی که طرف مشورت قرار می گیرند، شرایط و اوصافی را در نظر گرفته، از جمله اینکه ترسو نباشند، بنابراین حال که شخص ترسو، قابلیت مشورت ندارد، به یقین، نمی تواند مدیر و کارگزار جامعه دینی نیز باشد. آن حضرت در این باره می فرماید: *ولا تدخلن فی مشورتک ... و لا جباناً يضعفک عن الأمور*<sup>[۴۹]</sup> راه مده در مشورت ... افراد ترسو را! زیرا، در انجام دادن کارها، روحیه تو را سست می کنند. - بی گمان، موفقیت رهبران و مدیران بزرگ، مرهون شجاعت آنان است؛ زیرا، شجاعت، در حالات و شرایط گوناگونی، سرنوشت ساز است، از جمله: الف) در پذیرش اصل مسؤولیت و مدیریت؛ ب) در مقابله با حوادث غیر منتظره و ناخواسته؛ ج) در پذیرش اشتباه و خطا و جبران آثار آن؛ د) در برابر وسوسه های قدرتهای بزرگ و ارباب آنان برای وابسته شدن در میدانهای جنگ و نبرد گرم و سرد با دشمنان گوناگون

بشریت. قاطعیت از جمله ویژگیهای لازم و ضروری در مدیران و زمامداران جوامع اسلامی، **قاطعیت** در مقام تصمیم گیری و اجراست. نقش و تأثیر جدی بودن مسؤولان جامعه در تمام ایام، بویژه در حالات بحرانی و در مقابل آفات، و ضررهای شک و دودلی آنان، بر کسی پوشیده نیست. از این رو یکی از ملاکهای انتخاب مدیر و زمامدار، در فرهنگ و علوم مربوط به مدیریت، قاطعیت به شمار می رود. این حقیقت، از نگاه ائمه معصوم(ع) پنهان نمانده و در این باره مطالب فراوانی را بیان کرده اند. در اینجا، پاره ای از سخنان امام علی(ع) گزارش می شود: *و لکن الله سبحانه، جعل رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ وَ ضَعْفَةً فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنُ فِي حَالَاتِهِمْ مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّ الْقُلُوبَ وَ الْعْيُونَ غَنِيًّا*<sup>[۵۰]</sup> خداوند، پیامبران را با عزم و اراده ای قوی، گرچه با ظاهری ساده و فقیر، مبعوث کرد، با قناعتی که دلها و چشمها را پر سازد. - آن حضرت، در مقام توصیف مالک اشتر، به عنوان یک مدیر شایسته، یکی از ویژگیهای برتر او را **قدرت تصمیم گیری** - برمی شمارد: *اما بعد. فقد بعثتُ إليکم عبدًا من عباد الله لا ينم أيام الخوف و لا ينكُل عن الأعداء ساعاتِ الروع، أشدَّ على الفجار من حريق النار، و هو مالک بن الحارث أخو مذحج. فاسمعوا له و اطيعوا أمره فيما طابق الحق فأبته سيف من سيوف الله لا كليل الطبَّة و لا نابي الضَّريبة*<sup>[۵۱]</sup> پس از ستایش پروردگار، من، بنده ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی خوابد و در لحظه های ترس از دشمن، روی نمی گرداند و بر بدکاران، از شعله های آتش تندتر است. او مالک، پسر حارث مذحجی است. آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید! او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه تیزی آن کند می شود و نه ضربت آن بی اثر است. - در مورد قدرت تصمیم گیری، و نگوهرش دودلی و تردید مدیران، می فرماید: *لا تجعلوا علمکم جهلاً و یقینکم شکاً إذا علمتم فاعملوا و إذا تیقنتم فاقدموا*<sup>[۵۲]</sup> دانش خویش را نادانی، و یقین خود را شک مپندارید! آن گاه که به علم دست یافتید، عمل کنید و آن گاه که به یقین رسیدید، اقدام کنید! - لازم به یادآوری است که کلمه **قاطعیت** - از ریشه **قطع** - به معنای **بریدن و جدا کردن** - است و انتخاب چنین واژه ای، از آن رو است که افراد قاطع، مشکلات را می بُرند و گره ها را می گشایند. متأسفانه، برداشت غلط، سبب شده که برخی، هر گونه بی گذار به آب زدن و بی دقتی ها و تصمیمهای عجولانه را قاطعیت بنامند! خداوند متعال، وصف قاطعیت را برای رهبران و پیامبران، لازم دانسته و به رسول خدا(ص) دستور می دهد، پس از مشاورت و رایزنی های لازم، شک و دودلی را کنار گذاشته و با عزمی راسخ تصمیم بگیرد و بر خدا توکل کند: *و شاورهم فی الأمر فإذا عزمْتَ فتوکلْ علی الله إنَّ الله یحب المتوکلین*<sup>[۵۳]</sup> در کارها، با آنان مشورت کن. اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش و) بر خداوند توکل کن؛ زیرا، خداوند، متوکلان را دوست دارد. - **پیشگامی در عمل مردم**، در همیشه تاریخ، الگوپذیر بوده اند و با پیروی از اسوه های انتخابی خویش، اعمال و حرکات خود را تعیین کرده اند و می کنند و واضح است که زمامداران و عالمان هر جامعه ای، در این باره، بیشترین اثر و نقش را دارند. از این رو، پیشگامی آنان در انجام دادن کارهای خیر و سودمند، سبب می شود تا مردم و رعیت، از آنان پیروی کنند و در پی آنان، به دنبال اعمال شایسته حرکت کنند. در آیات و روایات، به این مطلب توجه کافی شده است. مولا امام علی(ع) نیز بارها به این حقیقت اشاره کرده است، از جمله: *من حقَّ الملک أن یؤمن نفسه قبل جنده*<sup>[۵۴]</sup> بر زمامدار است که خودش را آماده پذیرش (حقایق و



اعمال خیر) پیش از افراد (لشکریان) کند. - ابن ابی الحدید در شرح و تفسیر این حکمت می گوید: فرع، همیشه، تابع و پیرو اصل است و اگر اصل، منحرف باشد، محال است که فرع، مستقیم باشد. و نیز ضرب المثلی عربی می گوید: - آیا سایه می تواند راست باشد در حالی که عود (صاحب سایه) کج است؟ - بنابراین، کسی که خودش را امام (مدیر) جامعه کرده و شرایط و آداب لازم را نیاموخته، مانند کسی است که ادعای صیانت (انگشترسازی) و نجاری کند و بر ساختن انگشتر و یا تخته ای توان نداشته باشد و این، نوعی از دیوانگی به شمار می رود، بلکه دیوانگی محض است.<sup>[۵۵]</sup> در جای دیگر، پیشگامی در خودسازی و کارهای خیر را از وظایف لازم هر مدیر و زمامداری دانسته، می فرماید: - مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُبَدَأَ تَعْلِيمَ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛<sup>[۵۶]</sup> هر کس خودش را رهبر مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، به آموزش خودش بپردازد. - مولا علی (ع) نه تنها در بعد نصیحت و تبیین شرایط و ملاکهای مدیران، بر این مطلب پای فشرده که در مقام عمل نیز چنین رفتار کرده است: - أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي - وَاللَّهِ - مَا أَحْتَكِمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا أَسْبَقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا أَنْتَهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛<sup>[۵۷]</sup> ای مردم! سوگند به خدا! شما را به چیزی توصیه نمی کنم، مگر اینکه پیشگام شما هستم در عمل به آن و شما را از چیزی برحذر نمی دارم، مگر اینکه پیش از شما، خودم برحذر می شوم. - در قرآن، در آیات فراوانی، مدیران و زمامدارانی که مردم را به کارهای پسندیده و خیر فرا می خوانند، بی آنکه خودشان پیشگام در انجام دادن آنها باشند، مورد سرزنش و توبیخ واقع شده اند: - تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؛<sup>[۵۸]</sup> آیا مردم را به کارهای نیک فرا می خوانید، در حالی که خود شما، آن را فراموش کرده اید؟ - **فروتنی** از جمله اوصاف و ملاک لازم در گزینش مدیران، فروتنی و دوری از تکبر و خودخواهی است؛ چه اینکه با فروتنی، زمامداران، در دل و روان زبردستان جای می گیرند و آنان را با تمام وجود دوست و عزیز می دارند و بی گمان، محبوبیت رهبران و مدیران، از بزرگترین عوامل موفقیت و پیروزی آنان به شمار می آید. از این رو، در آیات و روایات، بر این مطلب تأکید زیادی شده است. مولا علی (ع) نیز از جمله ملاکها و معیارهای لازم در انتخاب افراد جهت مسؤولیت، این ویژگی را برشمرده و در مواردی به آن اشاره کرده است. وی، خطاب به مالک اشتر می فرماید: - وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ أَسْ بِيْنِهِمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظْرَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ التَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعُ الْعِظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَ لَا يِيَأْسُ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ؛<sup>[۵۹]</sup> پر و بال را برابر رعیت بگستران و با مردم گشاده روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن، با همگان، یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند. - در این بخش از نامه، به چهار وصف و شرط لازم در مدیران اشاره شده که مهمترین آنها، فروتنی و رعایت عدالت و تساوی است. آن حضرت، در نامه به محمد بن ابی بکر، به هنگامی که زمامدار مصر بود، توصیه و تذکراتی را به عنوان شرایط و اوصاف لازم بیان کرده است که چون شبیه آن چیزی است که در نامه به مالک اشتر مطرح شد، تکرار نمی کنیم.<sup>[۶۰]</sup> امیر مؤمنان (ع) برای تواضع، برکات و ثمرات فراوانی را برشمرده که از جمله آنها ایجاد محبت است که از بزرگترین عوامل پیروزی مدیران است. آن حضرت می فرماید: - ثَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمَحْبُوبَةُ؛<sup>[۶۱]</sup> ثمره فروتنی، محبت است. - خداوند، در قرآن کریم، بر لزوم این ویژگی برای رهبران الهی و مدیران، اصرار و در مواردی به آن اشاره

کرده، از جمله به رسول خدا (ص) به عنوان الگو قرار گرفتن برای دیگر زمامداران و رهبران، فرمان می دهد که در ارتباط با مردم فروتن و متواضع باشد. - وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>[۶۲]</sup> بال و پر از (مهر و عطف) خویش را برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند، بگستران. - **نبود سوء پیشینه** امیرمؤمنان علی (ع) از جمله معیار و ملاک در در گزینش مدیران و کارگزاران، گذشته درخشان و نداشتن سوء پیشینه دانسته و در مواردی به این مهم اشاره کرده است. در نامه به مالک اشتر، افزون بر طرح اصل مطلب، به آثار و نتایج آن نیز اشاره کرده است: - إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلشَّرِّ قَبْلَكَ وَزِيْرًا وَ مَنْ شَرَّ كَيْهَمٍ فِي الْإِثْمِ فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً؛ فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثْمَةِ وَ إِخْوَانُ الظُّلْمَةِ وَ أَنْتَ وَاجِدٌ مِنْهُمْ خَيْرَ الْخَلْفِ مِمَّنْ لَهُ مِثْلُ أَرْئِهِمْ وَ نَفَاذِهِمْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَصَارِهِمْ وَ أَوْزَارِهِمْ وَ أَنْتَاهُمْ مِمَّنْ لَمْ يِعَاوُنْ ظَالِمًا عَلَى ظُلْمِهِ وَ لَا أَيْمًا عَلَى إِثْمِهِ أَوْلَاتِكَ أَخَفُّ عَلَيْكَ مَوْؤَنَةً وَ أَحْسَنُ لَكَ مَعْوَنَةً؛<sup>[۶۳]</sup> بدترین وزیران تو کسی است که پیش از تو، وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته باشد. پس مبدا چنین افرادی، محرم راز تو باشند! زیرا که آنان، یاوران گناهکاران و باری دهندگان ستمکارانند. تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری امثال آنان را داشته، اما گناهان و کردار زشت آنان را نداشته باشند، کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده و گناهکاری را در گناهی کمک نرسانده باشند، هزینه این گونه افراد، بر تو سبک تر و یاریشان بهتر ... است. - شارح معتزلی، در شرح و تفسیر این قسمت، مطالبی را بیان کرده است، از جمله: علت اینکه امیرمؤمنان، مالک اشتر را از گزینش افرادی که سوء سابقه (همکاری با ظالمان) داشته اند، منع کرده، عبارت است از اینکه گناه و ستم، برای چنین افرادی، ملکه شده و امکان ترک آن خیلی دور است. آیه الله حسن زاده، در توضیح این بخش، بر این باور است که مولا علی (ع) در سه مرحله سخن گفته است. سپس می گوید: وزیر، به معنای معاون است. این مفهوم، در قرآن نیز در ارتباط میان موسی و عمران (وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِي) آمده است و چون وزیر، آمادگی بیشتری دارد تا با مردم تماس حاصل کند و نیز بیشتر می تواند با والی و حاکم جدید ارتباط برقرار و کسب موقعیت کند - زیرا از تجربه و اطلاعات بیشتری برخوردارند - از این رو، کمتر والی جدیدی پیدا می شود که بتواند از دست چنین افرادی خلاصی پیدا کند، ولی مولا علی (ع) بر این حقیقت اصرار ورزیده و تأکید کرده که باید از شر این افراد رهایی پیدا کنی.<sup>[۶۴]</sup> بنابراین، یکی از صفات لازم در مدیران و زمامداران، نبود سوء پیشینه آنان است؛ چه اینکه سوء پیشینه، سبب می شود تا او، فاقد محبوبیت لازم در میان مردم باشد و نیز چه بسا عادات و حالت سوئی که داشته، به صورت ملکه در او رسوخ کرده باشد و با به دست گرفتن مسؤولیت و قدرت، آن صفات ناشایسته، خودش را نشان دهد. توانایی (جسمی و روحی) **قدرت و توان مندی** از دیگر ملاکهای گزینش مدیران و مسؤولان سازمانها و نهادهای مملکت است؛ زیرا، بدون توانایی جسمی، شخص، نمی تواند به انجام دادن وظایف خویش اقدام و بار سنگین مسؤولیت مدیریت را بر دوش کشد و آن را به سر منزل مقصود برساند. ائمه، صلوات الله علیهم، بویژه امام علی (ع) در جای جای کلمات خویش، بر این واقعیت تأکید کرده اند.

## فرهنگ و شبکه های اجتماعی

امروزه یکی از مهمترین نوع رسانه ها، شبکه های اجتماعی هستند که مورد بحث جامعه امروزی است. شبکه های اجتماعی به مانند راههای مختلفی می مانند که مردم در زمان عبور از آن می توانند در مورد مسائل مختلف با هم صحبت کنند. این فن آوری اطلاعات و ارتباطات، زندگی بشر را از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر قرار داده است. بدیهی است که در جامعه ی شبکه ای، فرهنگ و هویت ملی به تدریج تغییر می یابد. هویت اجتماعی و جوه تشابه افراد یک جامعه را بیش از تفاوت های آنها در بر می گیرد. در واقع هر هویتی و هر اجتماعی با ایجاد مرز فرهنگی خود از سایر هویتها متمایز می شود. ظهور فضای اینترنتی و مجازی موجب می شود تا گروههای دارای مرز مشخص فرهنگی جای خود را به گروههای مجازی با مرزهای آزاد دهند و امکان مبادله هر چه بیشتر اطلاعات و پیامها روابط و تعاملات بین انسانها مدلی جدید می یابد. و جامعه را با تغییرات فرهنگی روبرو می کند. در فضای مجازی زمان و فضا دچار تغییر شده است. فواصل مکانی و جغرافیایی بی معنا شده اند و امکان تغییر طبقه اجتماعی، نژاد، جنسیت به راحتی برای افراد وجود دارد یعنی فرد در لحظه ای آنی می تواند جنس، نژاد و طبقه خود را پنهان سازد و خود را با هویتی تازه تعریف کند. با ازدیاد این حرکت توسط افراد، اجتماعات و هویتهای جدید تشکیل می یابند و در اینجاست که جز رشد تفکر، عقلانیت و داشتن درک و شعور اجتماعی راه نجاتی برای انسان وجود ندارد و سواد رسانه ای جزء الزامات آگاهی اجتماعی در دنیای ارتباطات خواهد بود. بدین منوال که گذشت فضای مجازی باعث می شود مرزهای بین فرهنگ بومی و محلی از بین رفته و همه مردم در ملل مختلف به هم شبیه تر گردند و یک استاندارد فرهنگی به عنوان استاندارد طبیعی برای مردم تعریف می شود که عموماً هم این استاندارد توسط کشورهای تولیدگر شبکه های مجازی تعریف می گردد. یعنی هر فرهنگی نشانه و مظاهری را برای خود تعریف می کند مثلاً نحوه پوشش افراد پیرو یک فرهنگ است به وسیله همین پوشش به راحتی می توانیم اقوام مختلف و ملل مختلف را تشخیص دهیم. اما امروز به سختی می توان ویژگیهای هر ایرانی را بر شمرد. در ادامه می توان گفت علل گرایشهای افراد به شبکه های اجتماعی مواردی مثل

نوجویی و هیجان خواهی، میل به محبوبیت حفظ ارتباط با دیگران در عین تنهایی، رهایی از تنش روزمره و ایجاد فراغت باورهای غیر منطقی، ارضای نیازهای روانی، ایجاد حس پیشرفت و غرور، اضطراب اجتماعی، اعتیاد اینترنتی بوده است. شبکه های اجتماعی دارای مزایا و معایبی است که بخشی از آنها ارائه می گردد.

### مهمترین مزایا عبارتند از:

- انتشار و تسریع آزادانه اخبار و اطلاعات
- افزایش قدرت تفکر، تحلیل و روحیه انتقادی مردم
- امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آسیایی با افراد و جوامع و فرهنگهای مختلف
- شکل گیری و تقویت خرد جمعی
- امکان بیان ایده ها به صورت آزادانه و آشنایی با افکار و سلیقه های دیگران
- ارتباط مستمر با دوستان و آشنایان به صورت مجازی
- قابلیت امکان تبلیغ و توسعه اهداف و ارزشهای افراد و جوامع
- افزایش مشارکتهای مفید اجتماعی
- افزایش آگاهی های اجتماعی مردم و آموزشهای علمی

### مهمترین معایب و آسیبهای شبکه اجتماعی

- تأثیر گذاری بر افکار عمومی و بسیج کردن مردم برای اغتشاش در درون کشور
- تضاد برخی از پیامها با ارزشها و باورهای اسلامی و اخلاقی
- از بین رفتن هویت ملی
- یکسان سازی فرهنگی و کاهش قومیتها و گروههای اجتماعی مختلف
- انتشار اخبار غیر واقعی و تحریف شده
- تقویت ارزشهای بیگانه و تضعیف روحیه بومی
- زمان بر بودن برای کاربران معتاد اینترنتی





## تأثیر اینترنت بر کودکان

یافته‌های علمی نشان می‌دهد اینترنت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری مغز کودکان را افزایش می‌دهد. نورون‌های موجود در مغز کودکان شروع به ایجاد ارتباطات جدید می‌کنند و این امر به بروز تغییرات غیرطبیعی در مغز می‌انجامد و گرایش زیاد والدین به استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که کودکان نیز به این ابزار الکترونیکی گرایش یابند و جایگزین بازیهای فیزیکی و فکری آنها شود. این موضوع در حالی است که کودکان مانند بزرگسالان نیستند و تحت تأثیر تمامی امواج منتشر شده از محیط خود می‌باشند. وقتی کودکان از دستگاه‌های بی‌سیم استفاده می‌کنند، اثرات آنها تا ۲ برابر بیشتر در مغز و ۱۰ برابر بیشتر در مغز استخوان نسبت به بزرگسالان می‌باشد. محققان دریافته‌اند فرآیند توسعه مغز تا نزدیک ۲۰ سالگی ادامه دارد. مجموعه آنها نرم‌تر و نازک‌تر از مجموعه بزرگسالان بوده و حاوی مقدار بیشتری ماده سیال می‌باشد. کودکان نسبت به تابش امواج وای فای حساس‌ترند و تابش عمیق‌تر روی مغز آنها تأثیر می‌گذارد و یک تأثیر کوچک می‌تواند منجر به آسیب‌های بزرگ مغزی در طول سالهای آتی زندگی شود. بر این اساس برای سایر عوارض روحی روانی مثل خشونت، خودشیفتگی مزمن، اضطراب، آسیب‌های جسمانی و عضلانی و... در کشورهای آمریکایی و اروپایی اقدامات جدی برای کودکان صورت پذیرفته است مثل قوانین ملی کاهش قرار گرفتن کودکان در معرض امواج، ممنوعیت استفاده از گوشی موبایل و امور تبلیغاتی برای کودکان، صدور بیانیه چندین شهرداری برای حذف وای فای از اماکن عمومی و مدارس.

به‌طور کلی عوارض مغزی، تنهایی، افسردگی، اضطراب، عزت نفس پایین، رشد گفتاری و اجتماعی ناقص، ضعف در مهارت مقابله با مشکلات، کاهش تجربیات واقعی در دوره کودکی و آرمان‌گرایی و تخیل‌گرایی زیاد، اعتیاد اینترنتی، افزایش شکاف نسلی و عدم ارتباط منطقی

با والدین از جمله مهمترین عوارض منفی مواجهه زیاد کودکان با دنیای مجازی می‌باشد.

لازم است والدین حداقل تا پایان ۱۲ سالگی یعنی پایان دوره کودکی از تهیه گوشی موبایل خودداری نمایند. و از ایجاد فرصتهای جایگزین مثل کلاسهای ورزشی، هنری، داستانی، بازیهای فکری و حرکتی استفاده نمایند.

### راهکارهایی تاثیر گذار ویژه والدین و مربیان در مواجهه با فرزندان

- در مدارس معلمان استفاده صحیح از اینترنت و فضای مجازی را به دانش آموزان بیاموزند
- مربیان و والدین وظیفه دارند سایتهای مفید را به فرزندان و دانش آموزان معرفی کنند.
- بردن فرزندان به میهمانی و تنها نماندن در منزل
- مرتبط بودن و در دسترس بودن مشاوران آگاه و مجرب برای والدین و دانش آموزان
- تحکیم مبانی عقیدتی
- ایجاد اشتغال و سرگرمی و مشغولیات سالم در منزل و بیرون از منزل
- قرار دادن وسایل رسانه ای در مکان مناسب و عمومی در منزل
- باز بودن درب اتاق فرزندان هنگام خواب
- والدین استفاده از فضاهای مجازی و سایتهای اینترنتی را به خوبی فرا بگیرند
- تبادل نظر والدین و فرزندان درباره قواعد استفاده از اینترنت
- مدیریت زمان استفاده از وسایل تکنولوژیک
- قرار دادن آیه ی "الم یعلم بان الله یری" بالای سر میز کامپیوتر.
- محبت کردن والدین به فرزندان، بیان خطرات فضاهای مجازی و اختصاص زمانی برای درد دل ها و بیان مشکلات روزانه
- عدم قفل گذاری روی تلفن همراه، کامپیوتر و یا حداقل قفل مشابه با تلفن همراه پدر و مادر
- عضو شدن والدین در گروههایی که فرزندان عضو هستند.





## سواد عاطفی داشته باشید

سواد عاطفی یعنی آنکه بتوانید حالات، عواطف و احساسات درونی خود را تشخیص دهید و واقعیت آنها را درک کنید. مرحله اول رابطه عاطفی ماهیتا دارای ویژگی های زیر است: در شروع رابطه و در مرحله اول، هیجان فرد به دلیل تغییرات بیوشیمی خون متفاوت است؛ یعنی روزهای اول سطح نوراپی نفرین و دوپامین خون افزایش می یابد و چون رابطه جدید است هیجان جدیدی برای فرد ایجاد می شود و در نتیجه نوراپی نفرین و دوپامین که هورمون عشق نام دارند افزایش می یابند.

برای مثال فرد بیان می کند که بسیار خرسند است، هیجان زیادی دارد و به محض خداحافظی دلتنگ می شود، به بهانه های متفاوت تماس می گیرد و تمایل دارد با هم باشند. اما این ویژگی مرحله ی اول رابطه ی عاطفی است و اگر دختر و پسر سواد عاطفی لازم را نداشته باشند متوجه نمی شوند که

این هیجانات به دلیل آن است که مغز در حالت کارکرد شدید قرار دارد و مانند موتور ماشین کار می کند. اما این ویژگی بیشتر از ۶ ماه دوام نخواهد داشت، زیرا مغز طبیعتاً برای دفاع از سلامت خود، خودش را با وضعیت تطبیق می دهد و به تدریج هیجان فروکش می کند؛ یعنی درست است که هنوز هم در بدن نوراپی نفرین و دوپامین زیاد ترشح می شود اما بدن با این سطح هورمون دیگر به آن هیجان نمی رسد زیرا جسم شما عادت کرده تا مغز بتواند از سلامت خودش دفاع کند.

مغز نمی تواند هیجان بسیار را برای زمان طولانی زندگی حفظ کند و طبیعی است که وارد مرحله ی استراحت شود پس خیلی از هیجانات فروکش می کند و اگر شخص سواد عاطفی لازم را نداشته باشد ممکن است رابطه عاطفی خود را از بین ببرد.

### بلوغ عاطفی در کنار سواد عاطفی

گاهی، افراد به دلیل بستر خانوادگی بی اختیار ممکن است سواد عاطفی نداشته باشند؛ یعنی خیلی ندیده باشند و یاد نگرفته باشند. بعضی از انسان ها در ابراز عواطف خود ضعیف هستند. برخی در فهم احساسات عاشقانه ای که درونشان دارند، دچار کج فهمی هستند و برخی نمی توانند احساساتشان را درست تحلیل کنند. اینجاست که مفهوم بلوغ عاطفی مطرح می شود. فرد باید توسط دیده ها و شنیده هایش سواد عاطفی کسب کند و از طریق



نایمنی را وارد رابطه با همسرش می کند.

وابستگی بیش از حد و فاصله گرفتن از همسر به طور همزمان نشان دهنده سبک دلبستگی نایمن فرد است. این دسته از افراد اگر با همسر خود اختلاف نظر جزئی پیدا کنند، به سرعت دچار آشفتگی می شوند و احساس طردشدگی و تنهایی مفرط آن ها را رنج می دهد. این افراد گاهی به شدت به همسر خود وابسته و متکی هستند و

هرگز نمی توانند تعادل را در فاصله با همسر خود حفظ کنند. آن ها هرگز نمی توانند احساسات خود را به درستی بشناسند، آن را درک و به شیوه صحیحی ابراز کنند. همچنین قادر نیستند احساسات همسرشان را نیز به خوبی درک کنند. برای آن ها هر اختلاف نظر و جواب منفی، نشانه ناکامی در زندگی مشترک است؛ در صورتی که فردی که به بلوغ عاطفی رسیده، قادر است پاسخ منفی همسرش را بشنود و در صورت لزوم آن را بپذیرد و عملی کند. چنانچه گفته شد افراط به شکل وابستگی بیش از حد و تفریط به معنای طرد کردن، جزء عادت افرادی است که دلبستگی ایمن را کسب نکرده اند. این افراد نمی توانند در عین دوست داشتن از کسی فاصله بگیرند. همسری که دایم از تنها شدن و طرد شدن می ترسد و با وجود داشتن زندگی مشترک رضایت بخش، وابستگی بیمارگونه به همسرش دارد و آن را دوست داشتن نام می گذارد. این رفتار در درازمدت همسران را از هم خسته می کند و کارشان به جدایی می کشد.



این آگاهی، احساسات خود را بشناسد و برآن مسلط باشد. در یک کلام به بلوغ عاطفی برسد. وقتی فردی احساساتش را بشناسد و در تعامل با دیگران بیان کند و به کار ببرد، می گوئیم این فرد به بلوغ عاطفی رسیده است. چنین فردی می تواند به شکل صحیحی احساساتش را ابراز کند. همچنین احساسات دیگران را نیز به همان خوبی شناسایی و درک می کند. ابراز عواطف و داشتن سواد عاطفی بخشی از هوش هیجانی انسان هاست. انسان هایی که هوش هیجانی بالایی دارند، در برقراری رابطه ی عاطفی بسیار قوی تر هستند.

**سواد عاطفی یعنی آنکه بتوانید حالات، عواطف و احساسات درونی خود را تشخیص دهید و واقعیت آنها را درک کنید**

مادر پیدا کرده، به دنبال دست یافتن به استقلال است.

### استقلال عاطفی

به طور کلی انتظار ما این است که در سن نوجوانی، بلوغ هیجانی فرد کامل شود ولی در بسیاری از موارد یک فرد ۳۰ ساله پس از مراجعه به مشاور از دواج درمی یابد که هنوز به بلوغ عاطفی نرسیده و هنوز وارد یک رابطه نشده، نگران از دست دادن آن است. در واقع فرد به علت این که دلبستگی ایمن کسب نکرده و در دوران رشد و تکامل هم به بلوغ عاطفی نرسیده است، همین احساس

### رشد عاطفی معیوب

رشد عاطفی فرآیندی است که از تولد کودک آغاز می شود و والدین نقش مهمی در این میان ایفا می کنند. اولین پیونددهنده کودک با محیط بیرون مادر است. از این رو نحوه تعامل کودک با مادر، تعیین کننده نحوه تعامل او با جهان خارج است. دلبستگی با پیوند بین مادر و کودک، اولین نیاز کودک برای برقراری ارتباط با جهان خارج است و هر قدر این دلبستگی ایمن تر باشد، جهان برای او ایمن تر خواهد بود. چنانچه این احساس در دوران رشد و تکامل رو به بهبود نباشد، فرد با همین احساس وارد رابطه زناشویی می شود و دلبستگی نایمن خواهد داشت. این سبک دلبستگی ارتباط مستقیمی با تلاش کودک برای کسب استقلال دارد. کودک از ۲ یا ۳ سالگی مفهوم «من»، «اسباب بازی من»، «مادر من» و... را درک می کند و به دنبال کسب هویت خود است. او با تکیه بر دلبستگی ایمن که به

**انتظار ما این است که در سن نوجوانی، بلوغ هیجانی فرد کامل شود ولی در بسیاری از موارد یک فرد**

**۳۰ ساله پس از مراجعه به مشاور از دواج درمی یابد که هنوز به بلوغ عاطفی نرسیده و هنوز وارد یک**

**رابطه نشده، نگران از دست دادن آن است.**

# نقش اسباب بازی در شخصیت کودک

کودکی را کودکی کردن رواست  
کودکی پر از نشاط و شادای است  
کودکی خود زندگی ست  
زندگی آیا بدون کودکی هم ممکن است؟  
کودکی با ماست ماهم کودکانیم

مقدمه

«بازی فعالیتی طبیعی، لذت بخش و دلخواه برای دوران کودکی است، ولی با کمال تأسف بزرگترها این حقیقت را جدی تلقی نمی کنند. در صورتی که با بازی هدفدار و منطقی می توان روابطی صمیمی، گرم و عمیق با کودکان برقرار کرد و در جهت رشد و تربیت آنان گام برداشت. بازی فعالیتی است که فقط برای لذت آن ایفاء می شود و نتیجه نهایی آن مورد نظر نمی باشد. فرد با رضایت خاطر به این فعالیت می پردازد و هیچ گونه اجباری در پس آن نیست. هدف فرد از بازی فقط مشغول بودن و لذت بردن از آن است و هیچ گونه انگیزه بهره جویانه ای از آن ندارد.

با توجه به اینکه زیر ساخت شخصیت انسان در دوران طفولیت و کودکی و نوجوانی شکل می گیرد و خمیر مایه اصلی شخصیت انسان تحت تأثیر عوامل محیطی به خصوص خانواده و همسالان و محیط و امکانات زندگی می باشد، لذا می توان چنین استنباط کرد که انتخاب نوع اسباب بازی از طرف خانواده برای کودک از اهمیت فراوانی برخوردار خواهد بود.

در هر جامعه مجموعه ای از آداب و رسوم در مورد بازی کودک و اسباب بازی وجود دارد که مردم آن جامعه با این روشها و وسایل بازی کودکان خود را بزرگ کرده اند. در زمانهای خیلی دور به صورت سنتی اسباب بازیهای گلی، سفالی و سنگی که به دست بشر ساخته می شد، در اختیار کودکان قرار می گرفت که جنبه ابتدایی داشت. در آن زمان انواع زیادی از اسباب بازی در اختیار کودکان نبود، اما با پیشرفتهایی که انسان در طی قرون گذشته داشته و اهمیت فراوانی که کودک و تربیت او دارد، امروزه انواع بسیار متفاوت و پیشرفته ای از اسباب بازی در کشورها تولید می شود و صنعت ساخت اسباب بازی در بعضی از کشورها به عنوان عامل گسترش صادرات مطرح است. کودکی که هنوز به خوبی توانایی گفتگو با خانواده خود را ندارد و نمی تواند احساسات و عواطف و خواسته های خود را با بزرگان به خوبی مطرح کند نیاز به چیزی دارد که بدون هیچ گونه شرطی به سخنان نامفهوم او گوش فرا دهد و او را تأیید کند.

امروزه عروسک یکی از بهترین اسباب بازیها برای کودکان است، چرا که از نظر ظاهری شبیه به ساخت فیزیولوژیک انسان است و از این جهت که کودکان با آن ارتباط برقرار می کنند در جهت رشد اجتماعی کودک بسیار مفید خواهد بود. از جهت دیگر کلیه اسباب بازیها کودک را با جهانی نمادین از دنیای واقعی بزرگان آشنا و او را برای ورود به دنیای خالی از تخیل و واقعی آماده می کنند. انتخاب نوع اسباب بازی باید متناسب با سن و جنس کودک باشد. پذیرش هویت جنسیتی در کودک با انتخاب نوع اسباب بازیها و برخورد خانواده و اطرافیان با او به عنوان یک پسر یا دختر ارتباط دارد.



## اهمیت ورزش بازی

بازی نه تنها برای حرکت اندامهای گوناگون بدن، پرورش عضلات و صرف انرژی اضافی که مصرف نکردن آن حساسیت و عصبانیت را در بر دارد ضروری است بلکه، کودک را در شناخت محیط و تسلط بر آن یاری می دهد.

بازی موقعیتهای مناسبی برای سنجش تواناییهای کودک در اختیار وی قرار می دهد و به وی می آموزد که چگونه میان واقعیت و تخیل تفاوت قائل شود. کودک بدون بازی خودخواه و خودبین می شود. بازی شیوه رعایت حقوق دیگران را به او می آموزد. بازی را می توان یک نوع آموزش دانست. کودک در نتیجه بازی با اسباب بازیها و از طریق ورزشهای گوناگون مهارتهای مختلفی را فرا می گیرد. بازی، کودک را با تواناییهای او آشنا می کند و این امر وی را در ایجاد تصویری از خویش یاری می دهد. بازی میدانی است برای آزمون درستی و سودمندی نقشهایی که کودک برای حل مشکلات زندگی خود طرح کرده است. او در بازی بهتر از هر موقعیت دیگر رعایت مقررات و موازین رفتار گروهی را فرا می گیرد و از خود صداقت نشان می دهد.

گامهایی که از درجه لطافت بازی شروع می شود و به دنیای خیال و رویاها و ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی کودکان خاتمه می یابد. به همین دلیل





با اسباب بازی‌ها لذت می‌برد، در سنین بالاتر کم‌کم کودک از اسباب بازی‌ها فاصله می‌گیرد و جای آن‌ها را دوستان مدرسه و هم‌سن و سالان و مشغولیت‌های دیگری مثل تحصیل می‌گیرد و در اینجاست که کودکی که از یک محیط غنی برای ارضای نیازهای خود به‌رمنده بوده و از اسباب بازی‌های متنوع و متناسب برخوردار بوده است در برقراری ارتباط با کودک هم‌سن و سال از خلاقیت و هوش بیشتری نسبت به سایر کودکان که از این امکانات به‌رمنده نبوده‌اند، برخوردار خواهد بود. قطعاً تا به حال گذر تان به فروشگاه‌های اسباب بازی افتاده است با یک نگاه ساده ولی عمیق و همراه با تفکر پی‌خواهیم برد که این فروشگاه‌ها مملو از اسباب بازی‌های غربی و چینی و تایوانی هستند، در بیشتر این فروشگاه‌ها دریغ از یک اسباب بازی که فرهنگ خودی را به کودک القاء کند به‌عنوان مثال یک کودک و نوجوان آنقدر که به پوشیدن لباس زور و علاقه‌مند است، به بازی با اسباب بازی‌های متناسب با فرهنگ خودی علاقه ندارد. سالانه بودجه کلانی صرف خرید اسباب بازی از کشورهای غربی و خارجی می‌شود، ولی متأسفانه آنطور که شایسته است تلاشی در جهت ساخت اسباب بازی‌های متناسب با شرایط بوم محیطی نشده است.

### تفاوت منحصر به فرد عروسک در میان اسباب بازیها

کودک می‌تواند در بازی عروسکی انگیزه‌اش را متعادل کند و انرژی‌های اضافی روانی خود را تخلیه کند. البته عبارت صحیح درباره این مطلب این است که کودک در بازی عروسکی انرژی روانی و جسمی خودش را باور می‌کند و به آن شکل مناسبی می‌دهد، چرا که در

از کودکان می‌گیرد، بنابراین بهترین وسایل بازی وسایلی هستند که شکل و اندازه خاصی ندارند و کودک خود می‌تواند به هر گونه‌ای که مایل باشد آنها را شکل دهد و هر آنچه بخواهد با آنها بسازد. موادی مانند شن، گل رس یا خمیر، نخ، مهره، کاغذ، آب، تکه‌های پارچه و مانند آن به علت ماهیت آزاد و انعطاف‌پذیرشان، ضمن آنکه کودک را در کشف مطالب جدید یاری می‌دهد او را در زمینه‌ی تخلیه‌ی هیجان‌ها نیز کمک می‌کند.

مادر باید توجه داشته باشد که سن کودک هر چه بالاتر می‌رود، کنجکاوی او بیشتر می‌شود و این حس کنجکاوی است که کودک را فقط به مشاهده‌ی چیزی قانع نمی‌کند، بلکه هر چه به چشم می‌بیند می‌خواهد با دست لمس کند و از هر چیزی سر در آورد و در این موقع است که سوالات گوناگونی از مادر می‌پرسد و این مادر است که باید با حوصله‌ی تمام و درایت کامل سؤال کودک را جواب بدهد و به مصداق گفته‌ی مولانا عمل نماید که:

### چون که با کودک سر و کارت فتاد

**پس زبان کودکی باید گشاد**  
کنجکاوی و شیطنت کودک یکی از اساسی‌ترین شرایط پرورش و جزء سلامت اوست، کودکی که بازی و شیطنت نکند بیمار است چون پرورش نیروی آفرینندگی و استعداد مشکل‌گشایی در کودکان به پرورش حواس پنج‌گانه‌ی آنها بستگی دارد، کودک باید بتواند هر چه بیشتر حواس پنجگانه‌ی خود را به کار اندازد و به کمک آنها از دنیای اطراف خود آگاهی‌های بیشتری به دست آورد. در اینجاست که نقش اسباب بازی به‌عنوان یک عامل بسیار مهم در پرورش شخصیت و خلاقیت کودک اهمیت اساسی پیدا می‌کند. آنچنان که کودک در ۳ تا ۱۰ سالگی از بودن

پرداختن به بازی، به خصوص بازیهای عروسکی، بررسی نزدیکترین زاویه شخصیت کودک است. بی‌اعتنایی به این پدیده نادیده گرفتن بسیاری از جلوه‌های روحی و روانی شخصیت کودک خواهد بود. علاوه بر اینکه بازی می‌تواند فرآیند یادگیری را برای یادگیرنده یعنی کودک و نوجوان شیرین کند، می‌تواند موجب ارضای بسیاری از نیازهای اساسی وزیر بنایی کودک نیز باشد.

### نیاز به تخلیه انرژی و باز توانی

کودک، پر بار و سرشار از انرژی است و نیاز دارد که این انرژی‌ها را به شکلی تخلیه کند. وقتی در اطراف کودک زمینه‌های مثبت و منطقی برای تخلیه انرژی وجود نداشته باشد، این انرژی‌ها باعث بی‌قراری و پرکاری ناسالم کودک می‌گردد و در صورتی که به خوبی از این انرژی‌ها استفاده شود، وجود کودک مثل یک ژنراتور فعال و پر کار شروع به باز توانی و افزایش انرژی می‌کند. علاوه بر این استفاده مثبت از انرژی‌ها موجب افزایش اعتماد به نفس و تقویت اراده کودک می‌گردد. به همین دلیل در صورتی که عروسک بازی و بازی عروسکی به شکلی مناسب باعث تخلیه انرژی کودک گردد، نه فقط آرامش روحی او را افزایش می‌دهد، بلکه باعث پویایی رفتار کودک نیز می‌شود.

### وسایل بازی

بهترین وسایل بازی لزوماً گرانترین آنها نیست. برعکس اسباب بازی‌های گران و مدرن که در ساخت آنها تفکر بسیاری به کار گرفته شده است، اجازه تفکر خلاق را

خوبی ارضاء شود.

بحث بازیها رابطه ای نزدیک و تنگاتنگ با روانشناسی شخصیت، انگیزش و هیجان، احساس و ادراک، شکل دهی رفتار و بسیاری دیگر از مباحث روانشناسی دارد. به ویژه بازیهای عروسکی که محرک احساس و عاطفه عمیق کودک است و به شکلهای انسانی نزدیکتر می باشد. حتی عروسک مورد علاقه یک کودک آنچنان به روزنه های وجودی کودک نزدیک می گردد که روان شناسان و روان پزشکان از آن به عنوان واسطه ای در جهت پی بردن به پیچیدگیهای روح کودک استفاده می کنند. بنابراین روانشناسی بازیهای عروسکی در حقیقت روانشناسی رویکردهای عروسک در شخصیت و ذهن کودک است. و باید خاطر نشان کرد که در میان همه اسباب بازیهایی که در دنیای اطراف کودک وجود دارد، عروسکها جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده اند و هر چه شکل عروسک به اشکال اجتماعی و انسانی اطراف کودک نزدیکتر باشد در نزد کودک از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود.

مطابق بودن عروسکهای کودکان با ویژگی های فرهنگی و بوم محیطی کودکان یکی از عواملی است که می تواند زمینه های جامعه پذیری و فرهنگ پذیری کودک را از طریق عروسک فراهم کند. کودکانی که با عروسکهای غیر بومی بزرگ می شوند و بازی می کنند، به نوعی دچار تضاد فرهنگی و عدم سازگاری مناسب با فرهنگ و ساختارهای فرهنگی خود می گردند. به همین دلیل در ایران عروسکهایی به نام سارا و دارا طراحی و ساخته شده است که مورد توجه بازارهای بین المللی قرار گرفته اند و ویژگیهای فرهنگ اصیل خودی برخوردار هستند. اگر ژاپن امروز به عنوان بهشت کودکان است به این علت است که بزرگسالان ژاپنی «کودک» شخصیت خود را انکار نمی کنند و بازیهای مختلف ملی دارند که ریشه روانی آن در «کودک» شخصیتی آنان نهفته است و اگر کشورهای دیگر چنین نیستند، دلیل بر بلوغ ارزشی و تفکری آن کشورها نیست، بلکه نشانه ای از انکار و نادیده گرفتن قسمتی از شخصیت خودشان و در نتیجه به وجود آمدن اختلالاتی عمیق و گسترده در کلیه جوانب شخصیت آنان می باشد. پس ژاپنی ها با درک معقولی که از «کودک» شخصیت دارند حتی به خود اجازه می دهند بازی کنند، هیجانان خود را بروز دهند و افسانه سرایی زیبا شناسانه ای داشته باشند.

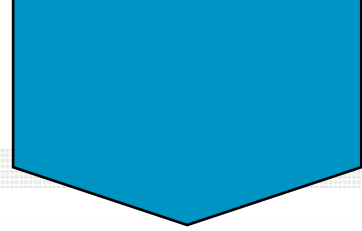
اکنون با توجه به اینکه تفاوت منحصر به فرد عروسک با سایر اسباب بازیها مطرح گردید، مشخص شد که عروسک به دلیل ارتباط عاطفی و روانی و حالت تحریک کنندگی بیشتر و همچنین به علت تداعی امور زندگی واقعی برای کودک از اهمیت بیشتری برخوردار است و تأثیرات بیشتری روی فرایندهای شخصیتی او دارد. لذا این بحث بیشتر در ارتباط با نقش عروسک و ارتباط روانی آن با کودک و جهان خارج و نقش آن در تحکیم بنیادهای شخصیت و بهداشت روانی کودک مطرح شده، البته این بدین معنی نیست که سایر اسباب بازیها از اهمیت زیادی برخوردار نیستند، بلکه هدف این است که از تأثیر فراوان نماد عروسکی بر ساختار شخصیتی کودک بیشتر آگاهی پیدا کنیم.



این بازی تجربه، لذت، یادگیری، مشارکت، علاقه، عشق، اداره کردن امور و روابط، کمک کردن به یک موجود کوچکتر، مراقبت و تربیت کردن این موجود که عروسک نام دارد، همگی شکلهایی از انرژی تبدیل شده و باور شده کودک می باشد. به همین دلیل نمی توان بازی عروسکی را مثل بازی فوتبال، شمشیر بازی، تفنگ بازی، قایم باشک و بسیاری دیگر از بازیهای کودکانه دانست. علاوه بر آن در بازی عروسکی یک فعالیت چند منظوره و پیچیده شبه انسانی وجود دارد، در حالی که در سایر بازیها فعالیت یک یا دو منظوره است و فضای بازی با فضای بازی زندگی واقعی چندان مطابقت نزدیکی ندارد. عروسک در بازی کودک تخیل، لباس، چشم، دست، صورت و سر دارد. حتی یخچال، کمد، تلویزیون و سایر لوازم معمولی زندگی متناسب با وضعیت عروسک هستند. در حالی که ماشین فقط شکل ماشین انسان است، ولی راننده، چرخ یدک، گاراژ، تعمیر کار، پمپ بنزین و بسیاری دیگر از پدیده های وابسته به خود را ندارد. به همین دلیل چون عروسک جنبه واقعی تری دارد برای کودک بیشتر تحریک کننده است و می تواند باعث تخلیه انرژی گردد. در صورتی که رفتار بزرگترها به آنچه که کودک انتظار دارد و پیش بینی می کند، شباهت داشته باشد، آن وقت بهتر و راحت تر می تواند دنیای روانی خودش را به عروسک فراقکن نماید و از این کار در فرآیند رشد خود استفاده کند.

دومین نیاز مهمی که کودک در ارتباط با عروسک آن را برآورده می نماید، نیاز به بیان خویشتن و درک خود است که این نیاز در اصل از این جهت در ارتباط با عروسک بهتر ارضاء می شود که در دوران کودکی و مراحل اولیه یادگیری، سخنوری و بیان خویشتن برای کودکان در نزد بزرگترها مشکل است، ولی با عروسک بهتر و راحت تر می توانند به بیان خویشتن بپردازند و همین مطرح ساختن خود برای عروسک باعث می شود که کودک در باره خودش مطالب و موضوعاتی را بفهمد یا رخدادهایی را که برایش اتفاق افتاده مورد قضاوت، بررسی و مرور قرار دهد. کودک به دانستن نیاز دارد و عروسک بازی شیرین ترین راه دانستن و ارضای این نیاز است. نیاز به کنجکاوی و جستجو نیز برای کودک اساسی است و می تواند در بازیهای عروسکی به خوبی ارضا گردد. نیاز به توجه بدون شرط و کسب محبت از طرف مقابل نیز می تواند در ارتباط با عروسک به





سخنی دیگر است که در مجالسی دیگر می بایست به آن پرداخته شود؛ اما آنچه در اینجا مهم است، تأکید بر این نکته است که انسان به طور طبیعی و فطری کمال خواه و نقص گریز است؛ اما به هر علت و عاملی، گاه به خطا و اشتباه می رود و چیز غیر کمال را کمال می یابد و این گونه است که حرکت های کمالی او دچار نقص، مشکل، بحران و آسیب می شود.

دستیابی به کمال هر چند که همراه با خطا و اشتباه در تشخیص، راه و ابزار و مانند آن باشد، مهمترین و اصلی ترین عامل حرکتی انسان است و همین عامل است که آدمی را به تلاش و کوشش وامی دارد.

از آن جایی که زمان، بسیار محدود و فرصت عمر کوتاه است، هر کسی می کوشد تا به سرعت به کمالات مطلوب از نظر خود دست یابد. خداوند نیز براساس همین کوتاهی عمر و فرصت دستیابی به کمال، از انسان ها خواسته است تا در این کار سرعت و شتاب ورزند؛ (آل عمران، آیه ۱۳۳) زیرا انسان تنها در همین مدت کوتاه عمر است که می تواند به کمالات بایسته و شایسته اش برسد و متألّه و ربانی شود.

همچنین از آن جایی که امکانات دنیوی بسیار محدود است، دستیابی به کمال مطلق نیازمند رقابت شدید میان انسان هاست؛ زیرا هر کسی می بایست با توجه به محدودیت های دنیوی، کمالات را به دست آورد و آن را در خود تحقق بخشد. از این رو رقابت برای دستیابی سریعتر و بیشتر به کمالات در میان آدمی شکل می گیرد. بر همین اساس خداوند در آیه پیش گفته و همچنین آیات دیگر از جمله ۱۴۸ سوره بقره و ۴۸ سوره مائده خواهان رقابت و بردن گوی سبقت از دیگران می شود.

از نظر قرآن، فرصت کوتاه عمر برای مردم، همانند میدان مسابقه ای است که هر کسی می بایست با سرعت تلاش کند تا به خط پایان برسد و گوی سبقت را از دیگران برآید و بر تخت کمالات تکیه زند.

بر این اساس، می توان گفت که دنیا و فرصت کوتاه عمر، میدان رقابت شدید میان انسان هاست و کسانی در این میدان پیروز و سربلند هستند که افزون بر شتاب و سرعت، بهترین وضعیت را برای خود پدید آورند.



فرشته محیطی

## چشم و هم چشمی

رقابت یکی از مهمترین انگیزه های حرکتی در انسان است. ریشه رقابت می تواند احساس کمبود، حسادت، غبطه، رهایی از نقص و دستیابی به کمالی باشد. بنابراین، رقابت ها می تواند به دو شکل مثبت و منفی و از نظر ارزشی، خوب یا بد باشد. در این راستا در آموزه های وحیانی، تربیتی و اخلاقی و نیز روان شناسی اجتماعی و حتی اخلاق سیاسی و اقتصادی، از رقابت سالم و ناسالم سخن به میان آمده است.

در روان شناسی اجتماعی، از رقابت ناسالم به عنوان نابهنجاری سخن به میان می آید و راه هایی برای درمان آن ارائه می شود؛ زیرا این نابهنجاری رفتاری، نشانه ای از عدم سلامت شخص از نظر روانی است و می بایست درمان شود.

قرآن به مسأله چشم و هم چشمی به عنوان یک رقابت سالم و ناسالم توجه داشته و به تبیین مصادیق هر یک و راه های درمان این بیماری روانی و نابهنجاری اجتماعی پرداخته است. نویسنده در این مطلب بر آن است تا دیدگاه قرآن را در این باره بیان کند.

### رقابت ارزشی و ضد ارزشی

انسان با انگیزه های گوناگونی تلاش می کند. البته در ذات همه انسان ها، کمال گرایی و رهایی از نقص وجود دارد که مهمترین و اصلی ترین عامل تلاش و حرکت انسانی است. چنانکه خداوند در آیه ۶ سوره انشقاق از تلاش طبیعی و فطری انسان برای رسیدن به خدا سخن به میان می آورد، زیرا خداوند کمال مطلق است و هر کسی دوست دارد تا با تقرب به خدا،

مظهر کمالات الهی شود و از همه نواقص رهایی یابد و در مقام سبحان درآید و پاک و منزّه از هر عیب و نقصی گردد.

البته بسیاری از مردم به علل و عوامل گوناگون دچار گمراهی می شوند؛ چرا که در تشخیص کمال یا راه رسیدن یا ابزار به دست آوردن به خطا و اشتباه می روند و یا به عللی قدرت تشخیص را از دست می دهند. اینکه چه علل و عوامل موجب می شود تا انسان از مسیر کمال گمراه شود،

دستیابی به کمال هر چند که همراه با خطا و اشتباه در تشخیص، راه و ابزار و مانند آن باشد، مهمترین و اصلی ترین عامل حرکتی انسان است و همین عامل است که آدمی را به تلاش و کوشش وامی دارد.

ضد ارزشی باشد. از آن جایی که از نظر اسلام، کمال مطلق، خداوند است و هر انسانی باید برای کسب آن شتاب کند و گوی سبقت را از همگان برآید، می توان گفت که چشم و هم چشمی که در این چارچوب انجام گیرد سازنده و خوب و ارزشی و در غیر این صورت ضد ارزشی و بد خواهد بود.

خداوند در بیان معیار مسابقه اخلاقی، مسابقه به هدف دستیابی به خیر را مطرح می کند و می فرماید: «فاستبقوا الخیرات»؛ در کارهای خیر مسابقه دهید. (بقره، آیه ۱۴۸؛ مائده، آیه ۴۸) خیر در فرهنگ قرآنی آن نعمتی است که کمالی باشد یا انسان را به کمالی برساند. از این رو خداوند از مردم می خواهد تا در خیرات یعنی کمال و کمال خواهی مسابقه بدهند و در فرصت کوتاه عمر، خود را به آن برسانند.

همچنین می فرماید: «سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنه عرضها کعرض السماء و الارض»؛ به سوی مغفرتی از پروردگارتان و بهشتی

چیزی جز بیان اصول اخلاقی نیست که در قالب هائی چون احکام و قانون بیان می شود تا آدمی در سایه سار آن به کمالات مطلق دست یابد. از این رو پیامبر (ص) درباره فلسفه بعثت خود می فرماید: «إنما بعثت لأتمم مکارم الاخلاق؛ من برای اتمام مکارم و کرامت های اخلاقی برانگیخته شدم. بنابراین، از نظر آموزه های وحیانی قرآن و اسلام، رقابت سالم می بایست کاملاً اخلاقی و در چارچوب معیارهای اخلاق و رفتارهای پسندیده از نظر عقل و عقلاء و شریعت باشد و هرگونه رقابتی بیرون از این چارچوب و معیار، به عنوان رقابتی ناسالم و نادرست شمرده خواهد شد.

### چشم و هم چشمی خوب و بد

بر همین اساس می توان دانست که چه نوع چشم و هم چشمی، سازنده و سالم خوب و کدام یک بد و نادرست است؛ زیرا چشم و هم چشمی، نوعی رقابت است که می تواند اخلاقی و غیر اخلاقی و ارزشی و

اینجاست که مسأله رقابت سازنده و سالم در برابر رقابت غیر سازنده و ناسالم مطرح می شود.

### معیارهای رقابت سالم

از آن جایی که از نظر قرآن، کمال مطلق در خدایی و ربانی شدن انسان از طریق فعلیت و ظهور بخشی به اسماء و صفات سرشته و نهفته در ذات هر انسانی است، می توان مدعی شد که رقابت سالم و سازنده، رقابتی است که این هدف را تحقق بخشد. اما باید توجه داشت که تحقق این هدف یعنی متألّه و ربانی شدن انسان، روش ها و ابزارهای مناسب خودش را می طلبد و این گونه نیست که هدف، وسیله را توجیه کند و انسان بتواند برای دستیابی به کمال مطلوب از هر روش و ابزاری بهره گیرد.

خداوند در بیان دستیابی انسان به کمالات راه مستقیم عبودیت را با وسایلی که ارزشی ترین آن، اخلاق خوب و نیکو است بیان می کند. اصولاً آموزه های وحیانی اسلام و قرآن،



که عرض و پهنای آن آسمان و زمین است، سبقت بجوید. (آل عمران، آیه ۱۳۳)

بنابراین، مسابقه و رقابت می بایست با هدف تحت پوشش قرار گرفتن در سایه غفران الهی و رسیدن به بهشت باشد. این بهشت نیز چیزی جز همان خدایی و ربانی شدن نیست؛ زیرا تا انسان، خدایی نشود در بهشت رضوان در نمی آید. بر این اساس، می توان گفت که مسیر رسیدن، عبودیت و بندگی است که در سایه اخلاق تحقق می یابد و انسان متخلق هم همان انسانی است که اخلاق الهی یافته و صفات و اسمای الهی در او پدیدار شده است.

پس چشم و هم چشمی که به معنای الگوگیری از دیگران و رقابت و مسابقه گذاشتن با آنان است، می بایست در چارچوب معیارهای الهی باشد تا بتوان از آن به چشم و هم چشمی خوب و ارزشی یاد کرد و گرنه از مصادیق چشم و هم چشمی بد و ضد ارزشی خواهد بود.

قرآن در آیاتی گزارش می کند که برخی از مردم، رقابت سازنده و سالمی نداشتند، چرا که ره گم کرده بودند و چیزهایی را کمالی می دانستند که یا ضد کمالی بود یا ابزاری برای کمال بود و تنها در حد وسیله و ابزار، ارزش داشت ولی برخی ها بدان اصالت داده و آن را هدف می انگاشتند.

از جمله این مردمان، گروهی از بنی اسرائیل بودند که قارون را الگوی خود قرار داده و می خواستند تا مانند او شوند و در حسرت ثروت قارونی به سر می بردند، چرا که ثروت را اصیل دانسته و به عنوان هدف برای خود قرار داده بودند. اینان کمال را در زندگی دنیا دانسته و ثروت را عامل سعادت خود می دانستند. از این رو در حسرت ثروت قارونی بودند و او را الگوی رفتاری خویش قرار می دادند.

اینان زمانی بیدار می شوند که خداوند، قارون را با مال و کاخ و ثروت او به زمین فرو می برد و نیست و نابود می کند. آن زمان است که خود را سرزنش می کنند که چرا قارون را الگوی خود قرار داده و چشم و هم چشمی با قارون داشتند. (قصص، آیات ۷۶ تا ۸۲)

از دیگر گزارش های قرآن، چشم و هم چشمی دو نفر بود که در کنار هم بوستانی

داشتند و هر یک ثروت و قدرت و شمار فرزندان خود را به رخ دیگری می کشید و این گونه به رقابت ناسالم میان خود دامن می زدند. اینان در این رقابت ناسالم دنیاطلبی، چنان گرفتار آمدند که شبانه به بوستان می رفتند تا به دور از چشم بینوایان میوه ها را گرد آورند تا به بینوایی کمک نکنند. در آیات قرآنی گزارش شده که این بوستان خراب می شود و آنان در حسرت مال و ثروت و بوستان می مانند.

**کسی که به مقایسه مادی  
زندگی خود با زندگی  
دیگران می پردازد، گرفتار  
نوعی خودکم بینی می شود  
و خود را در میان مردم  
خوار و پست می شمارد  
(فجر، آیه ۱۶) از نظر این  
دسته از افراد، اگر وضعیت  
مادی مطلوب شود، وضعیت  
اعتباری و روحی آنان نیز  
بہتر می شود (فجر، آیه ۱۵)  
زیرا ملاک و معیار کرامت و  
اهانت را مادیات دنیوی  
می دانند، در حالی که  
کرامت انسان در تقوا و  
کمالاتی است که کسب  
می کند و برای آن پایانی  
نیست**

کسانی که گرفتار بینش تنگ دنیادوستی می شوند و معیار کرامت و بزرگی را در مال و ثروت و نعمت می دانند، هرگاه خود را با دیگری مقایسه می کنند آندوهگین می شوند و براساس همان معیارهای باطل و نادرست خود، کاهش ثروت و نعمت را اهانت و افزایش آن را کرامتی از سوی خداوند

می دانند. (فجر، آیات ۱۵ و ۱۶)

اصولاً کسانی که به مقایسه زندگی خود با زندگی دیگران می پردازند، از آن جایی که دنیا همواره با محدودیت هایی مواجه است، گرفتار چشم و هم چشمی بد و ناپسند می شوند و افزون بر اینکه خود را به رنج می افکنند موجبات رنجش دیگران را نیز فراهم می کنند.

کسی که به مقایسه مادی زندگی خود با زندگی دیگران می پردازد، گرفتار نوعی خودکم بینی می شود و خود را در میان مردم خوار و پست می شمارد (فجر، آیه ۱۶)

از نظر این دسته از افراد، اگر وضعیت مادی مطلوب شود، وضعیت اعتباری و روحی آنان نیز بهتر می شود (فجر، آیه ۱۵)

زیرا ملاک و معیار کرامت و اهانت را مادیات دنیوی می دانند، در حالی که کرامت انسان در تقوا و کمالاتی است که کسب می کند و برای آن پایانی نیست، همچنان که اهانت و خواری را می بایست در دوری از خداوند و بی تقوایی و نقص وجودی خود دانست. آثار و پیامدهای چشم و هم چشمی بد و درمان آن را در شماره بعدی مطالعه کنید.

# یادی که در دلها هرگز نمی میرد، یاد شهیدان است

## • زندگینامه شهید محسن حججی

شهید محسن حججی جوان ۲۵ ساله متولد سال ۱۳۷۰ در خانواده مذهبی و مقید واقع در شهر نجف آباد اصفهان چشم به جهان گشود، وی عضو جهادگران مؤسسه شهید کاظمی بود که تنها به خاطر احساس تکلیف و وظیفه در دفاع از حرم اهل بیت (ع) به عراق رفت، مدافع حرم در نبرد با کوردلان داعشی به شهادت رسید و با دستان بسته سرخویش را به سردار شهیدان تقدیم کرد. این جهادگر فرهنگی در ترویج و تبلیغ کتاب بسیار فعال بود و در اردوهای سازندگی جهادی علاوه بر فعالیت عمرانی، در حوزه فرهنگی نیز دست به اقدامات جهادی می زد. همچنین شهید حججی در مدارس به تبلیغ کتاب می پرداخت و از زمره پیشگامان معرفی کتاب در نماز جمعه بود. او در نجف آباد استان اصفهان به معرفی و تبلیغ کتاب می پرداخت. این جوان ۲۵ ساله در دومین اعزام خود به سوریه در مرز عراق با این کشور به دست داعش در منطقه ای به نام تنفت به شهادت رسید.

## • روایت پدر «شهید حججی»

از ماجرای رفتن پسر تا شهادت؛ دوست دارم رو سفید شوم، چه با شهادت و چه با لیاقت نوکری اهل بیت (ع) پدر شهید «محسن حججی» با بیان اینکه شهادت محسن ثابت کرد می توان در هر زمانی شاهد عاشورا بود، گفت: پسرم برای سوریه رفتن نذر کرده بود پای پدر و مادرش را ببوسد تا رضایت ما را جلب کند.

شهید محسن حججی شهید سربریده ای که این روزها به وفور شاهد تصاویر منتشر شده از او در فضای مجازی هستیم به ما جوانان بخشی از واقعه کربلا را نشان داد. محسن با شهادتش برای ما از واقعه ای گفت که تاریخ همیشه از ایستادگی و مقاومت و عزت آن یاد خواهد کرد و اکنون محسن به عنوان نماد اسارتی که خاندان حسین (ع) در شام غریبان و دردی که امام حسین (ع) در ظهر عاشورا متحمل شد، شناخته می شود. به بهانه شهادت این مدافع حرم گفت و گوی

پدر شهید حججی از ناگفته های زندگی او را در این شماره از مجله در بخش «لحظه ای با شهدا» می خوانیم.

همین که فرزند من در حال اسارت با وجود اینکه مجروح بود ارزشی برای داعش قائل نبود، باعث افتخار و سربلندی ماست. داعش برای ما عددی نیست بلکه تفاله ایادی استکبار و وهابیت است و آنها باید این پیام را بگیرند که قادر نیستند بابسجی های مسلمان رودر رو شده و مقابله کنند. داعش قصد ایجاد جنگ روانی بین مردم را دارد اما خبر ندارد این قبیل امور بین مسلمانان هیچ تأثیری ندارد چون زمانی که یک نفر با فرهنگ عاشورا آشنا شود درک چنین اتفاقاتی برای او طبیعی است.

## • دوران کودکی شهید

فرزند من از ابتدا در امور فرهنگی و تبلیغاتی بسیار فعال بود و من او را این گونه تربیت نکرده بودم بلکه او تربیت شده اهل بیت (ع) بود و شکر خدا همان گونه که خودش آرزو داشت تحویلش گرفتند و سبب سرفرازی ما شد. ما هم در زمان خودمان به اندازه توانی که داشتیم در جبهه حضور پیدا کردیم اما لیاقت شهادت نداشتیم شاید خداوند در تقدیر ما چنین روزی را نوشته بود و بابت آن هم خوشحال هستیم.

## • خاطره آخرین دیدار و خداحافظی با پسر

اخلاص محسن بسیار زیاد بود، آخرین باری که برای خداحافظی آمد با خواهران و مادرش این اخلاص بیشتر شده بود. محسن حدود یک ساعت قبل از اعزام و حرکتش به دیدار ما آمد و دقایق آخر به ما اطلاع داد و لحظه ای که آمد به ما گفت: «من نذر کردم در مشهد که اگر شما رضایت دهید و شرایط رفتن به سوریه برای من فراهم شود پای شما را ببوسم». این صحبت فرزندم در آن لحظه قلب ما را به درد آورد و این خاطره تا ابد در ذهن من زنده خواهد ماند.

محسن ۲۵ سال سن داشت و ۵ سال پیش ازدواج کرد. محسن با همسرش در یک مؤسسه فرهنگی با یکدیگر آشنا شدند و زمانی که ازدواج کردند دقیقاً با هم یکی شده و پابه پای هم تلاش می کردند و به معنای واقعی ازدواج کاملی بین این دو نفر سر گرفت. مصداق این تعامل در زندگی مشترک هم به شهادت رسیدن فرزند من و ادامه راهش توسط عروسمان است که جای تشکر دارد چون همیشه همراه پسر ما تلاش می کرد.

## • ارادت ویژه شهید حججی به امام خمینی (ره)

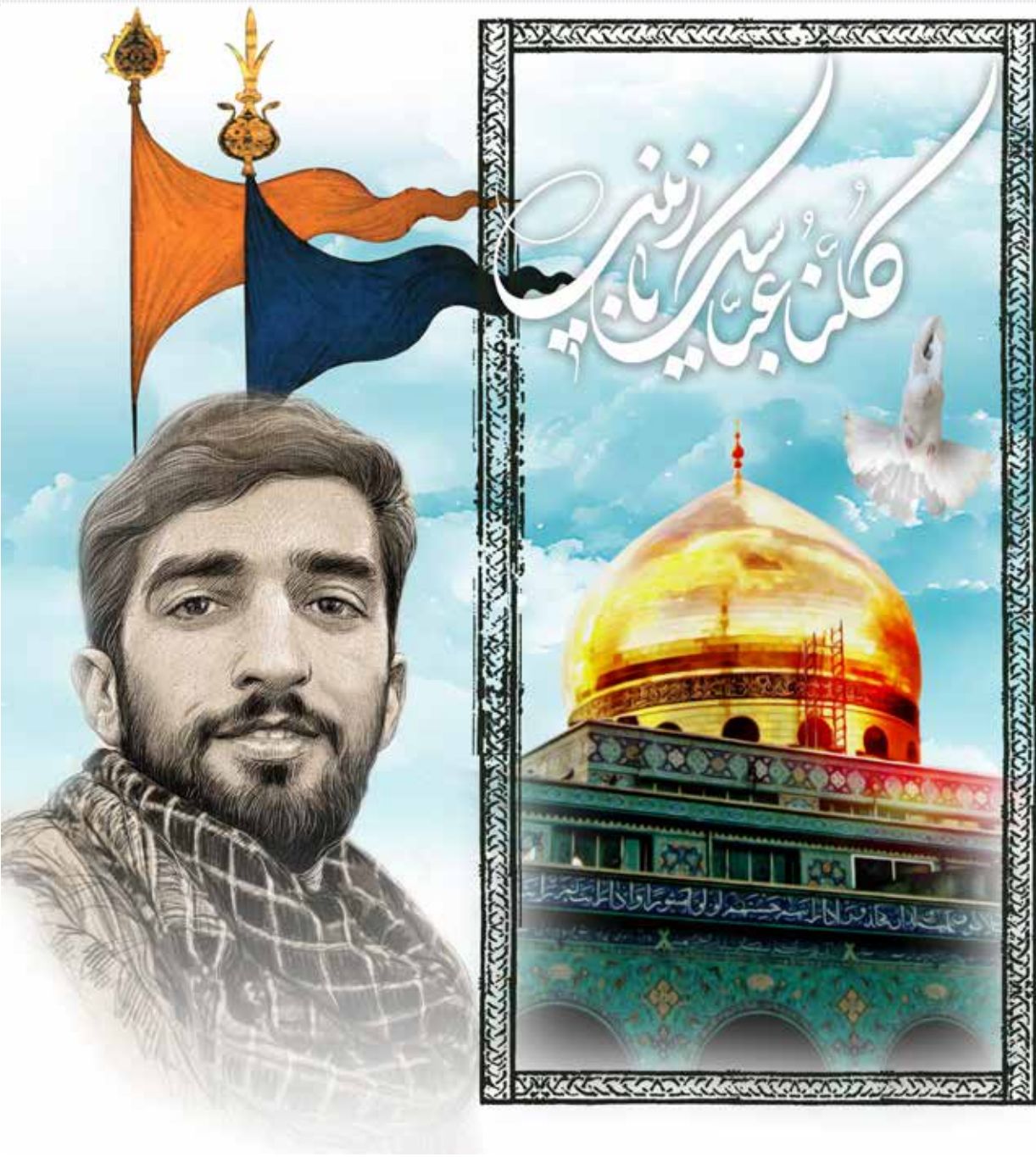
ایشان مقلد رهبر کبیر انقلاب بودند و در تمامی زمینه ها آقا را قبول داشتند و حتی زمانی که در امور فرهنگی شرکت می کردند هم به شدت روی این مسئله توصیه و تأکید داشتند.

## • شهادت محسن و تداعی صحنه کربلا

در حقیقت من اصلاً طاقت دیدن عکسها و فیلمهایی را که لحظه اسارت و شهادت فرزندم نشان می داد نداشتم اما وصف آن را شنیدم. کسی که از ابتدای زندگی با مکتب عاشورا بزرگ شود در تمام طول زندگی کوتاه یا بلند خودش از امام حسین (ع) و اهل بیت (س) دم بزند در همان مسیر قدم برمی دارد و آخر سر هم با همان مکتب محشور خواهد شد.

پسر من همان طور که در خاطراتش به آن اشاره کرده بود و همچنین وصیتی که اکنون





• **پیام شهید برای جوانان**  
 قطعاً پسرمانند همیشه که روی این مسئله تأکید داشت این بار هم می‌گفت «مکتب امام حسین (ع) و قیام عاشورا را فراموش نکنید، از این وقایع و حضور اشخاص مختلف مثل امام حسین (ع)، حضرت علی اکبر (ع) و غیره در این حادثه تاریخی درس بگیرید و آن را به خاطر بسپارید».

• **خاطره‌ای از شهید**  
 آخرین باری که ما به مشهد رفتیم ایشان از خیلی قبل‌تر اصرار داشت به سوریه برود

اینکه مجروح بود ارزشی برای داعش قائل نبود، باعث افتخار و سربلندی ماست. داعش برای ما عددی نیست بلکه تفاله‌ای برای استکبار و وهابیت است و آنها باید این پیام را بگیرند که قادر نیستند با بسیجی‌های مسلمان رودررو شده و مقابله کنند. داعش قصد ایجاد جنگ روانی بین مردم را دارد اما خبر ندارد این قبیل امور بین مسلمانان هیچ تأثیری ندارد چون زمانی که یک نفر با فرهنگ عاشورا آشنا شود درک چنین اتفاقاتی برای او طبیعی است.

برای فرزندش باقی گذاشته هدف خود را رسیدن به این مکتب بیان کرده و تأکید کرده که آرزوی این است به این شکل به شهادت برسد. زمانی که محسن از طرف اهل بیت (س) طلبیده شد همان صحنه را برای شهادت او مجسم کردند تا پیامی باشد برای کل جهانیان که می‌توان عاشورا را در هر زمانی دید منتها باید دین و بینش در بیننده وجود داشته باشد تا بتواند آن را درک کند.

• **اسارت با اقتدار**  
 همین که فرزند من در حال اسارت با وجود

فقط یک جمله به او بگویم این است که «پدرت رفت تا شام غریبان دیگری تکرار نشود».

#### • مولای من، بر من منت بگذار و جواز شهادت مرا امض کن

شهید مدافع حرم، محسن حججی که نام و آوازه شهادت و ارادتش به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) امروز دیگر برای همه مردم ایران شناخته شده است وقتی در سال ۹۴ به زیارت حرم مطهر رضوی می‌رود از امام رئوف می‌خواهد نامه شهادتش را امضا کند و ایشان را به مادرشان حضرت زهرا (س) قسم می‌دهد. در ادامه بخشی از این نامه را می‌خوانیم.

و ما مخالفت می‌کردیم چون قبلاً یک بار رفته بود و اکنون بچه کوچک داشت و امور شخصی او بود و ما می‌گفتیم «چند روزی صبر کن حداقل کار ساخت خانه تمام شود».

ماه رمضان بود که محسن ما را به سفر مشهد برد و شب‌های قدر را با یکدیگر در صحن و حرم امام رضا (ع) تا صبح سر کردیم و زمانی که احیا تمام شد و ما رفتیم به سمت هتل تا صبحانه بخوریم محسن رفت کنار ضریح و از آنجا به ما زنگ می‌زد و التماس دعا داشت و می‌گفت: «تو رو خدا دعا کنین و رضایت بدین من برم سوریه»، که در آخر هم به خواسته خودش رسید. محسن برای پدرش یک وصیت‌نامه جدا نوشته و اگر خودش این وصیت‌نامه را ببیند همه چیز را خواهد فهمید اما اگر من بخوایم

را به خواهر گرامی ات فاطمه معصومه قسم، ضامن من شوید.

آقا جان دوست دارم همانند علی اکبر (ع) در جوانی شهید شیرین شهادت را بنوشم و جان ناقابل را فدای شما اهل بیت (س) کنم. فقط یک خواسته شخصی دیگر دارم؛ مولای من، بر من منت بگذار و جواز شهادت مرا امض کن.

امشب شام دوشنبه است؛ می‌گویند دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها پرونده اعمال ما می‌رود دست صاحبمان ولی عصر (عج). آقای من، تو را به مادرت زهرا (س) قسم، شهادت نامه ام را با امضای خودت مزین کن. آرزو دارم امشب پرونده‌ام به همراه جواز شهادت به دست امام زمان (عج) برسد؛ بدون شک با دیدن امضای ضمانت شما، ولی عصر (عج) هم امضای کند.

گرچه سر تا پا گناهم، رو سیاهم

ضامنم باش ای رضا

مانند آهو ده پناهم

آقای من

مرا از درگاهت نا امید نکن

الهی رضا به رضاک لا معبود سواک

دوشنبه / سه شنبه ۹۴/۵/۶ - حرم امام رضا (ع) / رواق الاجابر

بسم...النور،النور

به: نیس النفوس، شمس الشموس، مولای علی ابن

موسی الرضا (ع)

از: غلام روسیاه، گنهکار

سلام آقای خوبم

از آخرین باری که به پابوستان آمدم تاکنون چند سالی می‌گذرد و حال که در صحن و سرایت هستم سرتا پا شوق و شغف دارم. یادم هست دفعه قبل خواسته‌های زیادی از شما داشتم؛ الآن که خوب فکرمی‌کنم به همه خواسته‌هایم رسیده‌ام؛ شغل سپاه، عروسی، جور شدن زندگی و... ممنونم آقای خوبم، ممنون.

دوروز پیش که با لباس سبز پاسداری به حرمت قدم گذاشتم چقدر لذت بردم؛ باورم نمی‌شود؛ همه این‌ها را از کرم و بزرگی شما می‌دانم.

مولای من، با ورود به سپاه دریچه‌ای جدید از زندگی به روی من باز شد؛ اگر روزی هزار بار شکر خدا را بگویم باز هم کم است؛ ارباب من، از لذت‌های دنیوی هر آنچه که باید می‌چشیدم را چشیدم. حال، بی‌صبرانه مشتاق چشیدن لذتی اخروی هستم، لذتی که نهایتش رضای خداست. یا رضا، تو را به پدر بزرگوارت موسی بن جعفر (ع) قسم، تو را به فرزند عزیزت جواد الائمه قسم، تو

#### • وصیت شهید حججی خطاب به همسرش

شهید مدافع حرم محسن حججی در آخرین وصیت‌های خود به همسرش گفت: سلام به همسر گلم، راستش دیگر گوشی موبایلم شارژ ندارد، گفتم تا قبل از اینکه خاموش شود چند جمله باهات حرف بزنم. زهرا جان خیلی دوستت دارم و خوشحالم از اینکه من با تو ازواج کردم! یادم می‌آید که در روز اول عقدمان بهت گفتم دوست

شهید مدافع حرم محسن حججی در آخرین وصیت‌های خود به همسرش گفت: خیلی دوست دارم تا ر و سفید شوم، حالا چه با شهادت و چه با لیاقت نوکری، اما دلم می‌خواهد مؤثر باشم، دعا کن تا شرمنده حضرت زینب (س) نباشم.



پسر مرا هم طوری تربیت کن که  
سرنوشتش هرچی شد به سعادت ختم  
پیدا کنه و بتواند سرباز امام زمان (عج) بشه.  
خیلی دلم می‌خواهد پسر من یک پاسدار یا یک  
روحانی بشه اما انتخاب با خودشه هرطور که  
خودش دوست داشت، فقط طوری تربیتش  
کن که در این جامعه سربازی برای امام  
زمان (عج) شود.



می‌خواهد پسر من یک پاسدار یا یک روحانی  
بشه اما انتخاب با خودشه هرطور که خودش  
دوست داشت، فقط طوری تربیتش کن که  
در این جامعه سربازی برای امام زمان (عج)  
شود. خیلی دوستتون دارم، مواظب خودتون  
باشید، برابرم دعا کنید، از طرف من هرکسی  
را که دیدید حلالیت بگیریید و بگویید محسن  
گفت اگر خوبی یا بدی، کمی یا زیادی، به  
موقعی غیبتی کردم یا دلی را رنجاندم یا  
حرفی زدم خلاصه ببخشید؛ انشا... حرم  
حضرت زینب یا حرم حضرت رقیه (س)  
در بازار شام جاهایی که برای جنگ و نوکری  
می‌روم همیشه به یادتان هستم و دعایتان  
می‌کنم و دعا می‌کنم روزی سوره‌ی آزاد شود  
و همتون به زیارت بیایید.  
التماس دعا... خدا حافظ...  
**مطلب ارسالی: مسعود سعیدی و فوزیه  
یکتا پور**

زیاد شد اما خب زندگی قشنگی داشتیم و  
من واقعا راضی‌ام ازت، هم از تو، هم از زندگی  
و هم از سرنوشتی که دارم راضی هستم؛  
دلم می‌خواهد تا برام دعا کنی تا رو سفید  
شوم، هرچه خدا بخواهد! راضی‌ام به رضای  
خدا! اگر قسمت شد شهادت بود که به آرزویم  
رسیدم اگر هم نبود می‌دونم صلاح خدا  
چیز دیگری است.  
شهید مدافع حرم محسن حججی در ادامه  
این وصیت خود خطاب به همسر خود گفته  
است: فقط می‌خواهم حلالم کنی، مواظب  
خودت و پسر من باش! مواظب پدر و مادرت  
باش! مواظب پدر و مادر من باش، همیشه به  
آن‌ها سر بزن و با آن‌ها باش و به یادم باش.  
خلاصه خیلی مواظب خودتون باشید! پسر  
مرا هم طوری تربیت کن که سرنوشتش  
هرچی شد به سعادت ختم پیدا کنه و  
بتواند سرباز امام زمان (عج) بشه. خیلی دلم

دارم تا در ازدواج با تو به سعادت برسیم و  
سعادت همان شهادت است که سرنوشت  
من با ازدواج با تو خیلی تغییر کرد.  
شغل خوبی پیدا کردم، راه و روش خوبی  
پیدا کردم، همه این اتفاقات را مدیون تو  
هستم؛ الان قسمت شده تا دوباره برای  
نوکری حضرت زینب (س) بروم، نمی‌دونم  
این بار سرنوشت من به شهادت می‌رسد یا  
نه! خیلی دوست دارم تا رو سفید شوم، حالا  
چه با شهادت و چه با لیاقت نوکری، اما دلم  
می‌خواهد مؤثر باشم، دعا کن تا شرمنده  
حضرت زینب (س) نباشم دعا کن تا در آنجا  
مفید باشم و بتوانم خدمتی به اسلام کنم  
و خدایی ناکرده نروم آنجا و چیزی بلد نباشم!  
دعا کن تا نرم آنجا و ترس و دل‌بستگی بر  
من غلبه کنه، زهرا جان ازت می‌خواهم تا  
حلالم کنی اگر بدی کردم، با اخلاقم تندی  
کردم، اگر موقعی در زندگی نمک مان کم و



# تجدیدی در دبیرستان و هنرستان چرا؟

مقدمه:

هر ساله در اواخر سال تحصیلی دیده شده که خانواده‌ها نگران تجدید شدن فرزندان خود هستند! بالاخص پسر داران.

علل تجدیدیها:

۱. عدم هماهنگی والدین در تعلیم و تربیت فرزندان (اوقات فراغت، تفریحات، استفاده از تلفن همراه، پوشش و...)
  ۲. عدم ارتباط منسجم والدین با مدارس با بهانه‌های مختلف (دریافت پول، پیشداوری‌های نادرست، کار زیاد و میدونیم چی میخوان بگن و...)
  ۳. عدم علاقه بعضی از جوانان نسبت به رشته تحصیلی ویا درس را که تجدید آورده اند. در حقیقت در مورد رغبت رشته تحصیلی و شغلی، والدین و مشاورین در مدارس خوب عمل نکردند. (بااستثنای مدارس ووالدینی که خوب عمل کرده اند)؟!
  ۴. مشکلات خانوادگی ناشی از طلاقها، بد روشی‌ها، سهل انگاری‌ها و سخت گیری‌های بین والدین و فرزندان و تک والدی‌ها
  ۵. بیسوادی و کم سوادی برخی از والدین محترم بی غرض؟!
  ۶. اعتیاد، الکلیسم‌ها، مهاجرتهای بی رویه به تهران و مراکز استانها و تفاوت فرهنگی بین محصلین و در گیریهای فیزیکی و قرار و مدار دعوا در خارج از مدرسه، و مصرف سیگار .
- بعضاً این دانش آموزان در کلاس درس اجازه می گیرند برای رفتن به دستشویی اما به منظور کشیدن سیگار، خصوصاً این که دبیر محترمی کلاس داریش

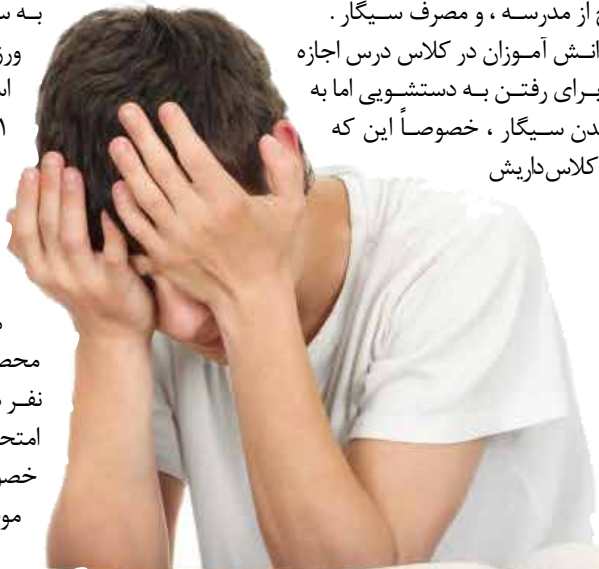
متوسط یا ضعیف باشد از کلاس خارج می شوند .  
 ۷. والدین تحصیل کرده خودشیفته و پرمدعی که مسائل فرزندشان را از هم پنهان می کنند. مادر از ترس عصبیت پدر با پسر . به دلیل عدم توجه به علت اول که ذکر شد .  
 ۸. شاغل بودن برخی از والدین و تنهایی پسران (دختران) در خانه یا سپردن آنها به بزرگترها (پدر و مادر بزرگها) و اقوام نزدیک و در نتیجه چند گانگی در تربیت؟!  
 ۹. عدم توجه به اختلالات روانی فرزندان در مورد توجه، تمرکز، یادگیری و بهره هوشی فرزندان و کوتاهی در اصلاح با رجوع به مراکز مشاوره .

۱۰. اتفاقات غیر منتظره شامل :

بیماریهای ناگهانی والدین و بستگان نسبی و سببی و دوستان جوانان و مرگ و میرها، تصادفات، در گیریهای برادران و خواهران در منزل اعتیاد زودرس بعضی از اعضای خانواده (بیشتر پسران)، افسردگی و انزوای پسران و دختران در ارتباطات جنسی، ترک تحصیل و رفتن به سوی کار آزاد واهی، فوتبالی با جاذبه‌های بعضاً مالی در این ورزش، دچار توهم شدن که پولدار شدن از درس خواندن بهتر است؟!

۱۱. باور نداشتن به تمرین پس از تدریس با برنامه ریزی در منزل یعنی در هر روز درسی که هر درس را در کلاس دبیر مربوطه یک ساعت و نیم با روش مخصوص خود تدریس می کند، همین زمان را برای تکرار در منزل به مانند کلاس با تمرین متمرکز انجام دهد؟!

محصل می گذارد در شب امتحان، بعضاً با چند نفر هماهنگ می شوند که چگونه در جلسه امتحان تقلب کنند؟! (تجربه و پژوهش ۴ دهه خصوصاً دهه اخیر نویسنده). این قسمت موضوع چند فیلم سینمایی و کتاب است؟!





دلزدگی دانش آموزان  
دبیرستانی نسبت به  
بر خورد بعضی از معلمان  
محترم با آنان در اثر عدم  
شناخت تفاوت های تعلیمی  
و تربیتی والدین و به دنبال  
آن بی توجهی محصلین  
در هنگام تدریس و اهمیت  
ندادن به کتاب درسی در  
منزل می باشد.

ومشهور است؟! دسته ای از آنان عادت به بی بند وباری دارند می شود با روشهای درست از ناحیه مدرسه و خانه اصلاح شوند. تمام علت های بیان شده خصوصاً این علت حاصل سه خانواده :

۱. بد روش
  ۲. سخت گیر
  ۳. آسان گیر است
- در مورد این سه خانواده در آینده خواهیم نوشت .
- توصیه و راهکار :از والدین محترم تقاضا دارم این علل را با برنامه ریزی ، هر شب نیم ساعت با تقسیم وقت بینشان به بحث بنشینند . در پایان : بدانیم !  
«ارزش انسان به علم معرفت پیدا شود مدعی گر دعوی بیجا کند رسوا شود»

متأسفانه آموزش و پرورش بودجه ای برای مکتوب شدن پژوهش معلمان پژوهشگر قرار نداده است ، و تجربیات بازنشستگی فرهیختگان به خاک سپرده می شود؟! ۱۲. دلزدگی دانش آموزان دبیرستانی نسبت به برخورد بعضی از معلمان محترم با آنان در اثر عدم شناخت تفاوت های تعلیمی و تربیتی والدین و به دنبال آن بی توجهی محصلین در هنگام تدریس و اهمیت ندادن به کتاب درسی در منزل .

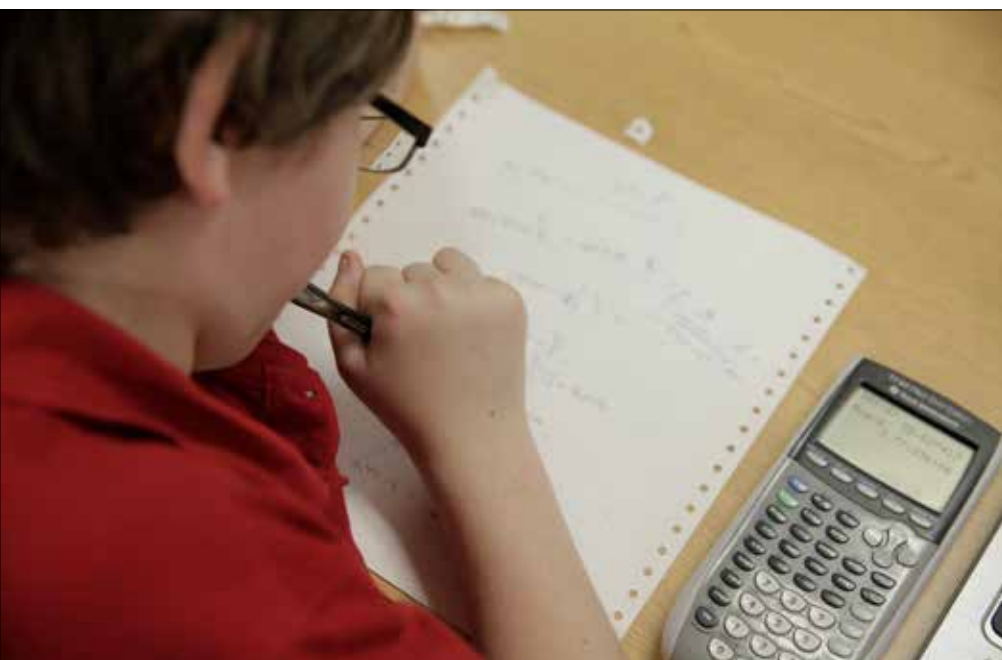
۱۳. تبعیض و مقایسه جوانان در کلاس و در خانه ، با طعنه و با صراحت که این یک محصل است تو هم به محصل و یا پسر فلان فامیل (سببی ، نسبی و حتی درو همسایه ) و... محصل است تو هم محصلی؟! نظر: غافل از اینکه این جوان (فرزند) محصل تعلیم و تربیت شما والدین است؟! باید در روش برخوردتان باز نگری کنید .

۱۴. توجه نداشتن نسبت به بهره هوشی فرزندان شان در ادامه تحصیل و علاقه آنان به مشاغل آزاد برای رهایی از قید و بند و مسئولیت پذیری قوانین مدرسه؟! به دلیل تب و تاب پولدار شدن در فوتبال امروز وزد و بند در خرید و فروش بازار و املاک و برخی بزهکارهای خطرناک ، و مشاغلی چون کار در قهوه خانه ها و رستورانها و یا کار بوسیله رابطه های فامیلی (سببی و نسبی ) و بوسیله روزنامه های کثیر الانتشار و حتی پیک موتوری در مراکز پخش غذا .

نظر: مانعی ندارد که جوانی کار کند و ادامه تحصیل ندهد به شرطی که او را روشن کنیم که کار عیب نیست مگر اینکه شبهه ناک باشد .

۱۵. پوچگرائی جوانان که (پسران خصوصاً) زندگی را از حالت طبیعی خود با رفتار شان و اشکالشان خارج کرده اند؟!

پسران با خالکوبی روی دست و پا و... و گهگاه دختران ، و دختران با آرایشهای بسیار تند و زننده زمانیکه از دبیرستانها خارج می شوند و تنگ پوشی در زمان تعطیلی مدارس در پارکها ، مراکز خرید، سینماها، شهرهای شمالی کنار دریا، معدودی از آنان که امکانات مالی دارند در مسافرتها خارج از کشور و متبرج (بی حجاب شدن ) موجب افت تحصیلی هم در نمره وهم در محتوای دروس می باشد . این علت بیشتر در مراکز شهرنشینی مشهود



## دو قورت و نیمش باقی است

حضرت سلیمان از خدا خواست تا اجازه دهد یک روز تمام مخلوقات خدا را برای صرف ناهار دعوت کند. سلیمان به کلیه پیروان دستور داد هر چه توانند غذا جمع آوری کنند. پس از طی چندین ماه مقدار زیادی از هر نوع غذا در ساحل دریا جمع آوری شد و در روزی که تعیین شده بود حضرت سلیمان کلیه ی جانداران را به ساحل دعوت کرد و همین که تمام آنها آمدند ناگهان ماهی بزرگی سرش را از آب بیرون آورد و گفت: یا سلیمان صبحانه ی مرا زود بیاور که خیلی گرسنه هستم.

حضرت سلیمان دستور داد تا مقداری غذا در دهان او انداختند، ولی ماهی دهانش همچنان باز بود. دوباره مقداری غذا ریختند اما ماهی همچنان گرسنه بود به ناچار هر چه غذا تهیه کرده بودند در دهان ماهی ریختند، اما همچنان دهانش باز بود. حضرت سلیمان از آن ماهی پرسید: مگر تو در روز چقدر غذا می خوری؟ عرض کرد: هر روز سه قورت، آن چه تو به من دادی نیم قورتش بود و اینک دو قورت و نیم دیگرش باقی است



## با طناب کسی در چاه افتادن



شبی هنگام خواب، صاحبخانه متوجه دزدی شد که وارد خانه شده است. صاحبخانه با زیرکی و به دروغ، به همسرش گفت مقداری پول در چاه داخل حیاط پنهان کرده ام تا از دست دزدان در امان باشد، دزد که صدای صاحبخانه را شنید فریب حرف او را خورد و خوشحال داخل چاه رفت، سپس صاحبخانه به زنش گفت: «خانم چون هوا خیلی گرم است امشب رختخواب را در حیاط روی در چاه پهن کن»، دزد که در پی یافتن پول داخل چاه رفته بود هنگامی که ناامید شد، خواست که از چاه بیرون بیاید اما دید که صاحبخانه روی در چاه خوابیده و به همسرش وعده خرید طلا می دهد و می گوید برای تو چنین و چنان می کنم، دزد از داخل چاه بلند فریاد زد: «آهای زن صاحبخانه! من با طناب شوهرت داخل چاه رفتم اما تو مواظب باش با طناب او در چاه نروی.»

روزی ملا نصرالدین به یک مهمانی رفت و لباس کهنه ای به تن داشت. صاحبخانه با داد و فریاد او را از خانه بیرون کرد.

او به منزل رفت و از همسایه خود، لباسی گرانبها به امانت گرفت و آن را به تن کرد و دوباره به همان میهمانی رفت.

این بار صاحبخانه با روی خوش جلو آمد و به او خوش آمد گفت و او را در محلی خوب نشاند و برایش سفره ای از غذاهای رنگین پهن کرد.

ملا از این رفتار خنده اش گرفت و پیش خود فکر کرد که این همه احترام بابت لباس نوی اوست. آستین لباسش را کشید و گفت: آستین نو بخور پلو، آستین نو بخور پلو.

صاحبخانه که از این رفتار تعجب کرده بود از ملا پرسید که چکار می کنی.

ملا گفت: من همانی هستم که با لباسی کهنه به میهمانی تو آمدم و تو مرا راه ندادی و حال که لباسی نو به تن کرده ام اینقدر احترام می گذاری. پس این احترام بابت لباس من است نه بخاطر من. پس آستین نو بخور پلو، آستین نو بخور پلو

## آستین نو بخور پلو





بخشی از خوراک تمساح به وسیله اشک چشمانش تأمین می شود .  
 او هنگام گرسنگی به ساحل می رود و مانند جسد بی جانی ساعتها بر روی شکم دراز می کشد.  
 اشک لزج و مسموم کننده ای از چشمانش خارج می گردد که حیوانات وحشرات برای خوردن بر روی آن می نشینند و سم اشک تمساح آنها را از پای درمی آورد و تمساح با یک زبان خود آنها را شکار می کند و دوباره برای لقمه های دیگر اشک می ریزد.

## اشک تمساح ریختن



## جواب ابلهان خاموشی ست!



نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا وقتی از سفرش به جایی رسید اسب را بر درختی بست و گاه پیش او ریخت و سفره پیش خود نهاد تا چیزی بخورد، روستایی سوار بر الاغ آنجا رسید از خرش فرود آمد و خر خود را در پهلوی اسب ابوعلی سینا بست تا در خوردن گاه شریک او شود و خود را به شیخ نهاد تا بر سفره نشیند ....  
 شیخ گفت : خر را پهلوی اسب من میند که همین دم لگد زند و پایش بشکند!  
 روستایی آن سخن را نشنیده گرفت، با شیخ به نان خوردن مشغول گشت . ناگاه اسب لگدی زد . روستایی گفت : اسب تو خر مرا لنگ کرد!  
 شیخ ساکت شد و خود را لال ظاهر نمود! روستایی او را کشان کشان نزد قاضی برد . قاضی از حال سوال کرد، شیخ هم چنان خاموش بود . قاضی به روستایی گفت : این مرد لال است؟ روستایی گفت : این لال نیست بلکه خود را لال ظاهر ساخته تا اینکه توان خر مرا ندهد . پیش از این با من سخن گفته، قاضی پرسید : باتو سخن گفت؟  
 او جواب داد که : گفت خر را پهلوی اسب من نیند که لگد بزند و پایش بشکند . قاضی خندید و بر دانش شیخ آفرین گفت ...  
 شیخ پاسخی گفت که زان پس در زبان پارسی مثل گشت :  
**"جواب ابلهان خاموشی است"**

نقل است که در زمان نادرشاه یکی از استانداران او به مردم خیلی ظلم می کرد و مالیاتهای فراوان از آنها می گرفت، مردم به تنگ آمده و شکایت او را نزد نادر بردند .  
 نادر بیگامی برای استاندار فرستاد ولی او همچنان به ظلم خود ادامه می داد! ، وقتی خبر به نادر رسید چون دوست نداشت کسی از فرمانش سرپیچی کند، همه استانداران را به مرکز خواند، دستور داد استاندار ظالم را قطعه قطعه کنند و از او آشی تهیه کنند!  
 بعد آش را در کاسه ریختند و به هر استاندار یک کاسه دادند و نادر به آنها گفت :  
 هر کس به مردم ظلم و تعدی کند،  
**همین آش است و همین کاسه!**

## همین آش و همین کاسه



## احکام (استفتائات جدید)

**سؤال:** آیا پیام دادن یک پسر به دختری که واقعا آن را دوست دارد و قصد ازدواج با او را دارد و آن دختر از فامیل باشد گناه است؟



پاسخ (آیت الله خامنه ای):  
ارتباط (پیامک دادن پسر به دختر و یا صحبت تلفنی و...) باجنس مخالف که موجب مفسده و یا خوف مفسده باشد حرام است و معمولاً این ارتباطها منجر به حرام می شود و سفارش قرآن (آیات ۲۵ سوره نساء و ۵ سوره مائده) است که از این ارتباط ها پرهیز شود و لو اینکه قصد ازدواج با او را دارد و یا اینکه آن دختر از فامیل باشد نباید این کار را بکند.

**سؤال:** تفاوت مالیات با خمس چیست؟ آیا کسی که مالیات می دهد خمس به آن تعلق می گیرد؟



پاسخ:  
مالیات و خمس دو مقوله کاملاً جدا هستند و هیچ ارتباطی به هم ندارند. خمس مسأله ای شرعی و از واجبات دین است که موارد و مصارف آن مشخص است و در پرداخت نیاز به قصد قربت دارد.  
و... دریافت می کند.  
مالیات را حاکم به خلاف زکات و خمس در امور عام المنفعه؛ مانند بهداشت، تأمین هزینه جنگ و ... استفاده می کرد اما زکات و خمس مصارف معینی دارند که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است.

مالیات یک حکم قانونی و حکومتی و تابع شرایط زمان و مکان است هزینه ای است که شما می پردازید تا دولت، رفاه شما را بیرون منزل تأمین کند. هزینه ای است که دولت جهت مخارج عمومی و ساخت و سازهای عمومی از قبیل راهها، پلها پارکها

**سؤال:** اگر طنزها و لطیفه های مرتبط با قومیت ها را به فردی کافر از همان قوم نسبت دهیم، آیا نقل آن جایز می شود؟



آیت الله خامنه ای: در هر صورت، اگر موجب تهمت، تنقیص، مسخره یا توهین به گروهی از مؤمنین شود جایز نیست.  
آیت الله شبیری زنجانی: اگر توهین و هتک نباشد حرام نیست ولی سزاوار است که از این گونه اموراتناجتناب شود.  
آیت الله نوری همدانی: گفتن مطالب مذکور در شأن مؤمنین نیست.



### سؤال: آیا گریه در نماز برای امام حسین (ع) مبطل نماز است؟



آیت الله مکارم: گریه کردن با صدا نماز را باطل می‌کند هر چند بی‌اختیار شود، بلکه بنابر احتیاط واجب گریه بی‌صدا نیز نماز را باطل می‌کند اینها در صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد، والا نه تنها نماز را باطل نمی‌کند، بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست. ولی گریه برای ائمه معصومین علیهم السلام در نماز جایز نیست.

### سؤال: اگر بیدار کردن فرزند مکلف برای نماز موجب ناراحتی او شود واز نماز زده شود بیدار کردن او چه حکمی دارد؟



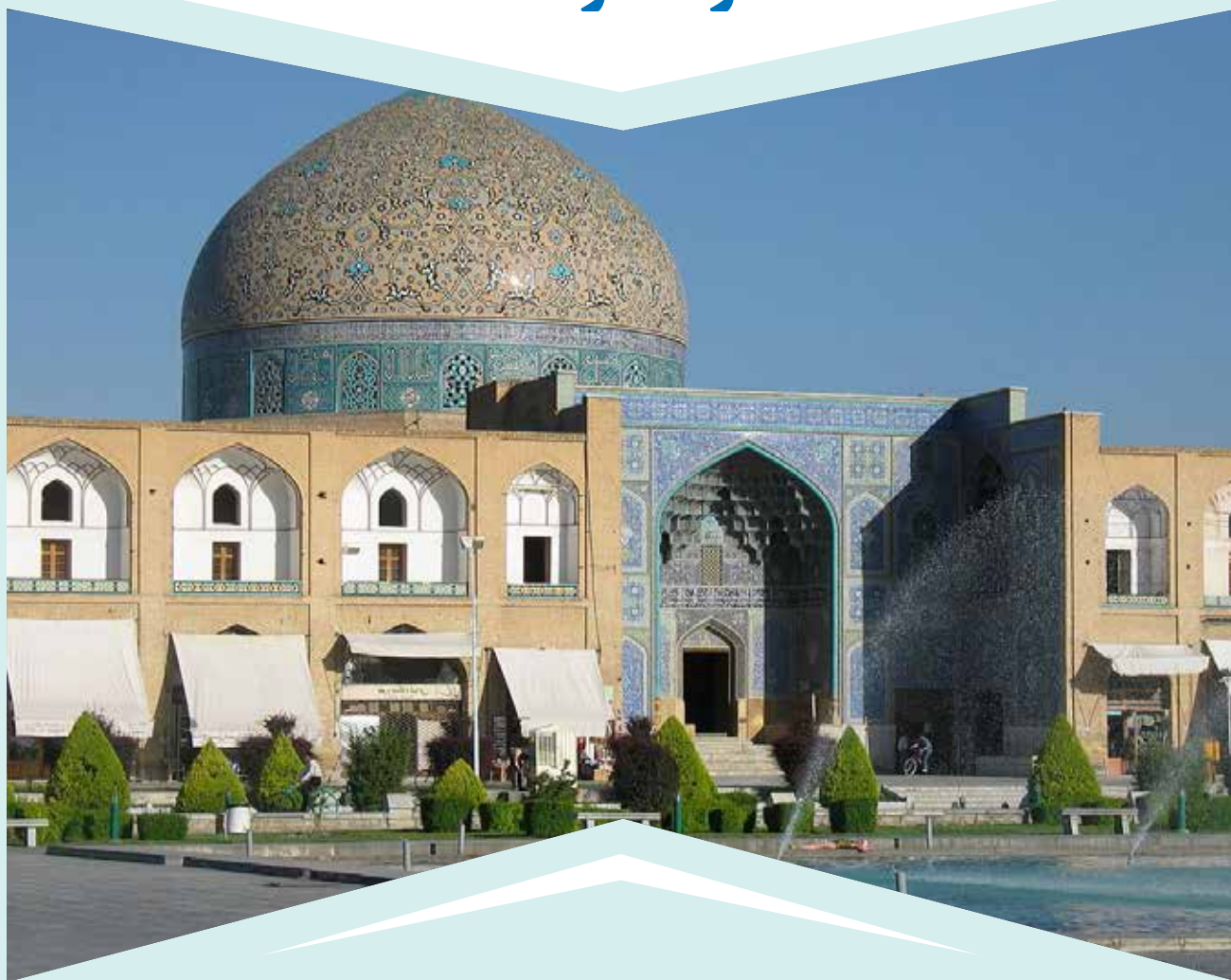
پاسخ حضرات آیات: امام و آیت الله خامنه ای: واجب نیست مگر آنکه بیدار نکردن او موجب سهل انگاری و سبک شمردن نماز باشد. که در این صورت باید او را بیدار نماییم. آیت الله صافی: با مهربانی و عطف رفتار کنید و آنان را نسبت به نماز خواندن تشویق کنید تا وقتی برای نماز بیدارشان می‌کنید ناراحت نشوند. آیت الله مکارم: در این فرض جایز نیست ولی باید به تدریج او را توجیه کنند تا به بیدار کردن رضایت دهد.

### سؤال: اگر کسی به شخصی دروغ بگوید و ما بدانیم، باید چه کار کنیم؟ آیا گفتن حقیقت بر ما واجب است؟



- آیت الله خامنه ای: تکلیفی جز امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایط آن ندارد.  
- آیت الله سیستانی: نهی از منکر در صورت تحقق شرایطش واجب است.  
- آیت الله صافی گلپایگانی: وظیفه در صورت اجماع شرایط، نهی از منکر است ولی اعلام حقیقت لازم نیست، مگر مواردی که موجب حفظ نفس و یا حفظ عرض و آبروی محترمی بوده باشد.

# چرا مسجد شیخ لطف ا... مناره ندارد؟



است و گنبد و کاشی کاری آن جنبه منحصر به فردی دارد. به لحاظ موقعیتی نیز درست روبرو کاخ عالی قاپو قرار گرفته است. وی گفت: از ویژگی‌های این مسجد چرخش ۴۵ درجه‌ای آن به سمت قبله است چرا که میدان به سمت قبله نیست و به این حرکت اصطلاح، «پاشنه» نامیده می‌شود. امیری معمار این مسجد را فرد زیرکی دانست و افزود: معمار با زیرکی تمام شبستان اصلی مسجد را به سمت میدان چرخانده تا مسجد به سمت قبله باشد و اگر چه ساختمان مسجد در مشرق و از نمای خارجی آن چنین بر می‌آید که دیوار جبهه آن در جهت شمال به جنوب است، در حالی که همین محراب دیوار رو به قبله بنا شده است. وی ادامه داد: در بیرون مسجد اثری از کجی و

او برای تدریس و نمازگزاران وی احداث شد. این مسجد یکی از زیباترین آثار تاریخی اصفهان در ضلع شرقی میدان نقش جهان و مقابل عمارت عالی‌قاپو واقع شده و شماری از کاشی کاری‌های معرق درون و بیرون گنبد و کتیبه‌های خط ثلث آن به خط علی‌رضای تبریزی عباسی است. وقتی کاشی کاری‌های مسجد را با دقت نظاره کنید دست خط‌های زیبایی به چشم می‌خورد که از جمله می‌توان به دو لوحی که عبارت "عمل فقیر حقیر محتاج به رحمت خدا، محمد رضا بن استاد حسین بناء اصفهان" اشاره کرد. شهرام امیری کارشناس میراث فرهنگی در خصوص این مسجد زیبا گفت: این مسجد در قسمت شرقی میدان به صورت سرپوشیده

مسجد شیخ لطف الله همچون نگینی در میدان نقش جهان اصفهان می‌درخشد و زیبایی این میدان را دوچندان کرده است. این مسجد شاهکاری از معماری و کاشی کاری قرن یازدهم هجری است که به فرمان شاه عباس اول در مدت هیجده سال بنا شده و معمار و بنای مسجد استاد محمدرضا اصفهانی بوده است و طرح آن همزمان با ساخت چهارباغ و هزارگریب ریخته شد و تزئینات مسجد شیخ لطف‌الله از کاشی‌های معرق پوشیده شده است. شیخ لطف‌الله جبل عاملی، از علمای بزرگ شیعه در عصر صفوی و اهالی جبل عامل لبنان بود که به دعوت شاه عباس در اصفهان اقامت می‌کرد و از سوی دیگر او پدر زن شاه عباس و به همین دلیل مسجد به نام



زاویه به چشم نمی خورد و در صحن نسبت به نمای خارجی پیچشی دارد در صورتی که گنبد کوتاه این مسجد به علت مدور بودن، جهت یا زاویه مخالفی نشان نمی دهد. امیری گفت: علت وجودی این چرخش این است که در ورودی مسجد به سمت مشرق میدان است اگر بنا بود مسجد را نیز به همین جهت می ساختند کار جهت یابی از لحاظ قبله مختل می شد.

کارشناس میراث فرهنگی با بیان اینکه شبستان اصلی مسجد نیز به صورت چهار ضلعی و زیبایی خاص دارد افزود: گنبد مسجد نیز یکی از چند گنبد یک پوششی زمان صفویه است و خمیدگی گنبد از نقطه برآمدگی بزرگ، ناگهان به سمت داخل گرایده و رأس گنبد را تشکیل داده است. وی با بیان اینکه کاشی کاری های این مسجد چشم هر گردشگری را می نوازد افزود: تزئینات کاشی کاری آن در داخل از آزارها (بخشی از دیوار اتاق یا ایوان که از کف طاقچه تا روی زمین است) به بالا همه از کاشی های معرق پوشیده شده، داخل و خارج گنبد بی مانند آن نیز که از زیباترین گنبد های جهان به شمار می رود. امیری در خصوص اینکه در گذشته گفته می شد نماز گزاران از کاخ عالی قاپو با عبور از تونلی وارد مسجد می شدند گفت: در طول ۸۰ سال گذشته کف میدان کند و کاو

شده اما چنین تونلی تا کنون پیدا نشده است.

**راز بدون مناره بودن** مسجد شیخ لطف الله آنچه که ما در مساجد مختلف دیده ایم و تصویری که از یک مسجد در ذهن ما متصور می شود وجود مناره است اما این مسجد بدون مناره و برای بسیاری از



گردشگران سؤال است که راز بدون مناره بودن مسجد شیخ لطف الله چیست؟ کارشناس میراث فرهنگی علت بدون مناره بودن این مسجد را این گونه بیان می کند که این مسجد به نوعی عبادت گاه و محل ادای فریضه نماز مخصوص درباریان و خانواده شاه عباس بوده و برای همین مناره نداشته چون مناره نمادی برای دعوت مردم به مسجد بوده است. امیری ادامه داد: مناره قبل از اسلام به عنوان جهت یاب و مسیریاب استفاده می شده و هر جا مناره ای دیده می شد به این معنی بود که وارد شهر و یا محلی شده اند و در واقع کاروان ها به این شکل مسیر خود را پیدا می کردند اما بعد از اسلام مناره و گلدسته محلی برای خواندن اذان و دعوت مردم به مسجد بوده و برای همین در زمان صفویه این مسجد بدون مناره ساخته شده بود تا عامه ی مردم به این مسجد نیابند. توجه به زوایا و نکته های فراوان مختلف در برنامه ریزی ها و طراحی ها در زمان صفویه نکته بسیار جالبی است که در اکثر معماری های اصفهان می توان دید از آن جمله می توان به مناره نداشتن این مسجد که تفکیک خانواده های دربار از عامه بوده اشاره کرد.

**گزارش: سید امیر مهدی ساب چیان**



## به انس با قرآن توجه کرده بودیم جامعه ای متفاوت داشتیم

رسانه ها عاملی مؤثر در تبلیغ و ترویج فرهنگ قرآنی هستند، اگر رسانه های ملی توجه بیشتری به قرآن داشته باشند بی شک مسیر علاقه به قرآن در جامعه تغییر خواهد کرد، امروز آن گونه که باید به قرآن توجه نمی شود، جامعه ما اگر با برکات قرآن بیشتر آشنا شود بی شک علاقه مندان به سوی حفظ قرآن خواهند آمد، رسانه ملی توانایی خود را در جلب توجه به قرآن به اثبات رسانده است، چند سالی است در ماه مبارک رمضان رسانه های ملی به ترتیل خوانی روی آورده اند که تأثیر آن را امروز شاهد هستیم.

**آیا به نظر شما امروز در جامعه به اندازه کافی به قرآن توجه می شود؟**  
کم توجهی رسانه ها به قرآن عاملی جدی در پیش راه آشنایی با این کتاب آسمانی است، در رسانه ها به اندازه فوتبال به قرآن توجه نمی شود، وقتی ما به عنوان حافظان قرآن درجایی برنامه اجرا می کنیم شاهد این امر هستیم که علاقه مندان زیادی از ما در مورد حفظ قرآن سؤال می پرسند و دوست دارند تا قدم در این راه بگذارند، مگر ما خود چگونه به این مسیر علاقه مند شدیم؟ این قرآن نیاز به برگزاری یک لیگ برتر کشوری ندارد؟

**در جامعه انگیزه لازم برای جذب جوانان به معارف قرآنی وجود دارد؟**  
باید زمینه های مادی خوب برای تشویق جوانان به حفظ قرآن فراهم شود، امروز افرادی که به حفظ قرآن می پردازند تنها انگیزه های شخصی و عشق به این کار را



دارنده دو رتبه بین المللی در حفظ کل قرآن، توجه نکردن به حفظ قرآن به عنوان یک تخصص را مشکلی بزرگ دانسته و قرآن را عامل هدایت و تربیت معرفی می کند.

بیشتر با او و دغدغه های او آشنا شویم.

### حفظ قرآن چه برکاتی برای شما داشته است؟

برای من قرآن آرامش به همراه آورده است، این اولین نکته ای است که باید به آن توجه شود، در قرآن دستورالعملهای مختلفی وجود دارد و سعی می کنم که از آن تأثیر بگیرم.

### انس با قرآن تا چه حد می تواند در جامعه مؤثر باشد؟

مقام معظم رهبری تأکید بر تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن دارند، قرآن اهرمی قدرتمند در هدایت و تربیت است، اگر جامعه ما این تعداد حافظ قرآن داشته باشد زمینه هدایت فراهم می آیند و این مقدمه انس با قرآن است، اگر سعی کرده بودیم تا به سوی این فرمان پیش برویم امروز جامعه ای متفاوت را شاهد بودیم.

### چگونه می توان این انس با قرآن را در جامعه رواج داد؟

موسی معتمدی از نخبگان کشور است که تاکنون توانسته ۲ بار در مسابقات بین المللی رتبه نخست در رشته حفظ کل قرآن را به دست آورد، از ۱۴ سالگی حفظ قرآن را زیر نظر شیخ محمد مهدی طباطبایی در قم آغاز کرد، از همان سالهای اول در مسابقات حفظ قرآن شرکت کرد و توانست رتبه اول در بخش حفظ ۲۰ جزء به دست آورد.

پس از آنکه موفق به حفظ کل قرآن شد تا مدتی به دلیل ادامه تحصیل از شرکت در مسابقات دور بود اما از سال ۱۳۹۰ به طور جدی در مسابقات مختلف حفظ شرکت کرد و توانست رتبه های متعددی را

به دست آورد که **رتبه اول حفظ کل قرآن در مسابقات بین المللی روسیه سال ۱۳۹۴ و رتبه اول کل حفظ قرآن در سال ۱۳۹۶**

در مسابقات بین المللی ایران از مهمترین آنها است. معتمدی تحصیلات حوزوی خود را تا سطح ۲ ادامه داد و در دانشگاه نیز به تحصیل رشته فقه و مبانی حقوق پرداخت و توانست این رشته را تا کارشناسی ارشد ادامه دهد. با او به گفت و گو نشستیم تا



**برای شرکت در مسابقات حفظ قرآن چقدر تلاش لازم است؟**  
 برای آنکه به حفظ قرآن بپردازیم روزانه در حدود ۸ ساعت وقت لازم است، و برای آنکه حفظ قرآن در ذهن بماند برای همیشه باید روزانه مرور را انجام دهیم، اما برای شرکت در مسابقات قرآنی تلاشی دوچندان لازم است، تمرین و ممارست جدی در این راه نیاز است.



دارند، افرادی که عمر خود در راه حفظ قرآن گذاشته اند به عنوان یک متخصص به آنها نگاه نمی شود، در کشورهایی مانند عربستان از حافظان قرآن حمایت مادی می شود تا آنها بتوانند به تحصیل و تدریس قرآن به دیگران بپردازند، اما در جامعه ایران از تخصص حافظان قرآن استفاده نمی شود.

### تأثیر کسب دو رتبه بین المللی حفظ در زندگی شما چه بود؟

جای تعجب دارد که با دریافت این رتبه ها هیچ تغییری در زندگی من رخ نداند، روال زندگی من تغییری نکرد، حتی در پیدا کردن شغل هم تأثیری نداشت، من پس از پیگیری های مداوم در آموزش و پرورش مشغول کار شدم که این رتبه ها کمکی به من در مراحل استخدام نکرد، حتی در خدمت سربازی هم حافظان قرآن نسبت به دیگران ارجحیتی ندارند.

### فعالیت مورد علاقه شما چیست؟

آموزش حفظ قرآن اولویت من است، در ایران کمتر کسی توانسته دو رتبه بین المللی در حفظ قرآن به دست آورد، افرادی زیادی از من در مورد شیوه حفظ قرآن می پرسند و من دوست دارم تا به آنها کمک کنم، همیشه برایم سؤال پیش می آید که آیا کسی مثل من نمیتواند در سال ۲۰ حافظ قرآن تربیت کند، من بسیار علاقه مند به این کار هستم اما امکانات موردنیاز آن را ندارم.

**به عنوان آخرین سوال دغدغه امروز شما چیست؟**  
 مسابقات قرآنی اعتباری به شرکت کنندگان و کسانی که به رتبه برتر دست می یابند می دهد دوست دارم از این اعتبار در راه آموزش قرآن استفاده کنم، امروز حس کسی را دارم که سالها تلاش کرده و مدرک فوق تخصص گرفته اما یا از تخصص خود نمی تواند استفاده کند و یا کم رنگ از آن بهره می برد، دلم می خواهد در آینده احساس خسران نکنم، امیدوارم همگی تلاش کنیم تا قرآن را از محجوریت بیرون آوریم.



## ما متعهدیم که هر کودکی نغمه زندگی خویش را بسراید

نظر به اینکه مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان دارای مراکز متعدد و متنوع در عرصه های مختلف آموزشی، فرهنگی و قرآنی اعم از مراکز تخصصی حفظ قرآن، مراکز تخصصی قرائت قرآن، مراکز تخصصی تربیت داور و مربی قرآن، مراکز تخصصی حفظ خردسالان و نوجوانان، مراکز آموزشی مهد کودک قرآنی، پیش دبستانی قرآنی و مدارس ابتدایی قرآنی می باشد لذا در این شماره به معرفی یکی از این مراکز می پردازیم.

یکی از رویدادهای لذت بخش و فراموش نشدنی برای هر کودک، گام نهادن به محیط درس و آموزش است. فرزندان بهترین درسهای زندگی خود را در پیش دبستان می آموزند. چگونه زیستن، چگونه بودن و چگونه اندیشیدن. عقل و حکمت و دانایی در نوک قله تحصیلات دانشگاهی نیست، بلکه در جعبه شن بازی پیش دبستان آرمیده است.

پیش دبستان مهد واحد سپاهان شهر با دارا بودن امتیاز رسمی از آموزش و پرورش و تحت نظارت مستمر از مؤسسه مهد قرآن کریم، با کمترین هزینه و بهترین کلاسهای فوق برنامه به همراه اعطای گواهینامه پیش دبستان در خدمت فرزندان دلبند شما می باشد. از آنجا که آموزش در دوران کودکی سریع تر و ماندگارتر است و در متون اسلامی و سیره پیامبر (ص) و امامان بر این نکته تأکید فراوان شده است. اصل آموزش قرآن به کودکان در این مجموعه بر آموزش مفاهیم کاربردی آن و چگونگی به کار بردن آنها در زندگی از طریق قصه و بازی و نهادینه شدن ارزشهای قرآنی و اجتماعی در کنار حفظ سوره و آیات موضوعی ویژه گروه سنی ۴-۶ سال می باشد.





## برنامه های آموزشی

- \* آموزش قرآن با جدیدترین متد روز به روش غیر مستقیم (قصه، شعر، بازی)
- \* مقدمات آموزش و خواندن و نوشتن مطابق با کتاب مصوب آموزش و پرورش
- \* درک مفاهیم اساسی ریاضی و علوم (مجهز به آزمایشگاه)
- \* آموزش دقت و تمرکز با وسایل کمک آموزشی در کارگاه دقت و تمرکز
- \* گردش های علمی

## فعالیت های فوق برنامه

- \* اردوهای تفریحی - آموزشی
- \* برگزاری مناسبت های ملی - مذهبی
- \* کارگاه خلاقیت (پرورش هوش خلاق تصویری و تجسمی)
- \* آموزش مهارت های اجتماعی و زندگی
- \* انجام کارهای گروهی کودکان و مادران

## سایر فعالیت ها

- \* جلسات مشاوره عمومی و خصوصی (مهارت افزایی مادران) با حضور مشاور در مرکز
- \* معاینه کودکان توسط پزشک و حضور مربی بهداشت در مرکز
- \* مجهز به سالن بازی کودک با وسایل متنوع و استخر توپ
- \* مجهز به کارگاه نقاشی
- \* مجهز به باغ بهشت جهت اجرای مناسبت ها
- \* دارای وسایل کمک آموزشی و بازی های متنوع فکری در جهت رشد ذهنی و علمی کودکان
- \* شناخت حواس و پرورش مهارت استفاده از آن
- \* توسعه توانایی های ذهنی (مشاهده، قدرت تمرکز، طبقه بندی)
- \* شناخت مقررات و قوانین اجتماعی و توسعه روابط اجتماعی
- \* ارائه مدرک فارغ التحصیلی دوره پیش دبستان زیر نظر آموزش و پرورش



## به سؤالات فرزندم چگونه جواب دهم؟

با توجه به اینکه مادران در زمینه های مذهبی-آموزشی-ارتباطی-اجتماعی برای فرزندانشان دچار سؤالات متفاوتی خواهند بود لذا ما در نظر داریم که در هر شماره تعدادی از این سؤالات که به صورت پرسش و پاسخ در مرکز مشاوره مطرح گردیده را خدمتتان ارائه نماییم.

### ۱- فرزند ۶ ساله ام می پرسد خدا زن است یا مرد؟ چه بگویم؟

من اگر جای شما باشم می گویم: (فرزند عزیزم چه فرقی می کند خدا زن است یا مرد؟ مگر شما در مورد مزه ی غذاها می توانید بگویید مرد است یا زن؟ فقط بدان خیلی چیزها در جهان وجود دارد که زن و مرد آن مشخص نیست، مثلاً به میوه ها توجه کن. می توانیم بگوییم سیب یا پرتقال زن است یا مرد؟) در حقیقت شما باید زمینه ای را فراهم کنید تا او به این نتیجه برسد هر چیزی را ندیدیم دلیل بر نبودن آن ندانیم و جنسیت برایش تعیین نکنیم.

فراموش نکنید قبل از هر پاسخی به کودک و نوجوان با نشاط و لبخند از او بپرسیم: (عزیزم خودت چطور فکر می کنی؟) ضمن آنکه او مانند شما نمی تواند تحلیل کند اما درک می کند.

اصرار در پذیرش چیزی نکنید و سؤال را با سؤال دیگری عوض کنید تا فرزندتان بزرگتر شود و آن وقت می توانید مسأله مجرد روح و امثالهم را برایش روشن کنید.

### ۲- فرزندم می پرسد خدا را به من نشان بده. چرا خدا را نمی بینم؟

برای پاسخ به سؤال او عجله نکنید یا حیثاً

برخورد تندی با او نداشته باشید. به او بگویید بگذار برایت یک مثال بزنم، از او بخواهید با دستش هم زمان جلوی بینی و دهانش را محکم بگیرد. بهتر است شما هم با او این کار را انجام دهید. پس از چند لحظه هم شما و هم کودکستان نفس کم می آورید و ناخودآگاه دستتان را برمی دارید. با حالتی نگران کننده به او بگویید: (داشتم خفه می شدم، تو هم همین طور؟) قطعاً کودک می گوید بله، از او سؤال کنید چرا؟! او به شما می گوید برای آنکه هوا وارد بدنم نمی شود. از او بخواهید هوا را به شما نشان دهد. شما با چهره معصوم کودک روبه رو می شوید که بلافاصله نمی تواند به درخواستتان

## ایستگاه مشاوره



پاسخ دهد، اما پس از مدتی کوتاه می گوید نمی توانم نشان دهم، اما می دانم هوا هست به او بگویند: عزیزم وجود خداوند هم همین طور است، او هست اما دیده نمی شود. البته والدین می توانند با مطالعه و توجه فلسفی و حکمی در خلقت، با مثال های مختلف زمینه های گنگ را در حد توان رفع نمایند.

**۳- دختر هفت ساله ای دارم که هر وقت در خانه صحبت از مرگ می شود می گوید من از قبرستان می ترسم، اگر پدرم بمیرد آن را زیر خاک می کنند. بعد چه خواهد شد؟ چند وقت پیش هم که برای مراسم فوت یکی از اقوام به بهشت زهرا بودیم، همین حرف را زد.**

قبل از پاسخ به سؤال تان، باید به چند نکته مهم توجه کنید،

۱. اول آنکه باید با اعتقادات مذهبی آشنا باشید، حداقل بدانید قرآن کریم نزدیک به ۱۶۰۰ آیه در مورد اصل بسیار مهم معاد دارد. ۲. دیگر اینکه با همسران روش برخورد مناسب با سؤالات فرزندان را بررسی کنید. همچنین با کمک مشاوران مذهبی آگاه و مخاطب شناس به سؤالات فرزندان، پاسخی مناسب بدهید.

۳. نکته دیگر آنکه معمولاً قبل از ازدواج به صورت تخصصی به اهمیت این مسأله نمی پردازند. ازدواج صرفاً به عنوان یک عادت تلقی شده و بزرگترهای ما گفته اند حالا که به سن و سالی رسیده اید باید سر و سامان بگیرید. اما فکر تعلیم و تربیت نسلی که از زوجین به وجود می آید نیستیم، مگر عده کمی.

در نهایت بنده اگر جای شما باشم در پاسخ به سؤال دختر عزیزتان می گویم: (دخترم فردا پاسخ شما را می دهم ..... باشد؟)

گلدانی تهیه کنید و در حضور کودک دانه ای در آن بکارید و به آن آب دهید. سپس از او بپرسید: به نظر تو چه خواهد شد؟ او یا حضور ذهن دارد و می گوید مادر من بهار را دیده ام گل می دهد یا بی جواب می ماند. در صورت دوم به او بگویند چند روز صبر کن تا ببینیم چه خواهد شد؟ وقتی دانه سر از

خاک برآورد فرزندان را صدا بزنید: (دخترم بیا و ببین که اگر چیزی در خاک رفت، زیر خاک نمی ماند و حتی قشنگ تر از قبل سر از خاک برمی آورد. هر انسانی مدتی در این دنیا است و وقتی از این دنیا می رود در دنیای دیگر دوباره رشد می کند و زیباتر از قبل زندگی می کند و همه ی ما باید آنجا برویم و با هم زندگی بهتری داشته باشیم. اگر اینجا خوب باشیم خدا هم بهشت را به ما هدیه می کند. حالا دخترم نظر تو را به فصل پاییز و زمستان جلب می کنم و بعد از آن بهار و تابستان. آن وقت بیشتر متوجه می شوی قبرستان همان زمین خداوند است و هیچ ترسی ندارد. چقدر خوشحالم که چنین دختری دارم. عزیزم انسان همیشه آهسته آهسته همه چیز را می فهمد. یک وقت فکر نکنی همه چیز را یک روزه می توان فهمید) سپس سرو صورت دلبندها را نوازش کنید و او را به کاری مشغول کنید.

**۴- شوهرم به خداوند و معصومین بسیار معتقد است، اما نماز نمی خواند و روزه هم نمی گیرد، تازگی هم دختر هفت ساله ام متوجه این مطلب شده و می گوید چرا شما نماز می خوانید و روزه می گیرید، ولی بابا نه نماز می خواند نه روزه می گیرد؟**

در سؤال شما چند تناقض هست که ابتدا آن را رفع کنیم بعد بپردازیم به پاسخی که به کودک و نوجوان شما باید داد.

شما گفتید شوهرم بسیار معتقد است اما این اعتقاد زیاد، باید نتیجه ی عملی هم داشته باشد. آیا ابتدا که با همسران آشنا شدید، واجبات را انجام نمی داد یا اخیراً این طور شده است؟

در هر صورت شما سازش و تفاهم خود را کماکان حفظ کنید تا در فرصتی که فکر می کنید زمینه آماده است مطلب را با او در میان بگذارید، بدون تحکم و نصیحت. با لحنی دوستانه و مهربان از او بپرسید اگر فرزندان سؤال کرد مگر شما هر دو مسلمان نیستید، پس چرا مامان نماز می خواند اما بابا نمی خواند، به او چه بگویم؟ قطعاً جواب یا جواب هایی به شما خواهد داد.

مثلاً ممکن است بگویند نمازخوان هایی

هستند که عملشان با نماز نمی خواند. چنانچه این مطلب را مطرح کرد به او بگویند این افراد به نماز عادت کرده اند و از روی عقل و حضور قلب این عبادت جهت دهنده را که رو به سوی کمال دارد، انجام نمی دهند. بگویند سوره حج آیه ای دارد که توجه مرا بسیار جلب کرده و آن آیه این است: (و من الناس من یعبده الله علی حرف) از مردم کسانی هستند که خدا را عبادت می کنند اما به حرف. به همسران فرصت دهید و منتظر جواب فوری او نباشید. فعلاً همین قدر که با او طرح مسأله کرده اید کافی است. ضمن آنکه اگر نمی توانید استدلال کنید سکوت کنید تا مجدداً با متخصصین، کسانی که در دین شناسی آگاه و معتدل هستند، مشاوره نمایید.

در نهایت سربسته به فرزندان بگویند من و پدرت با هم صحبت کردیم. او در حضور ما نماز نمی خواند و پنهانی نماز می خواند. همه آدم ها خوبند ولی بعضی اوقات دیرتر کاری را انجام می دهند. پدرت قول داده از این به بعد در حضور شما نماز بخواند.

فراموش نکنید قبل از هر پاسخی

به کودک و نوجوان با نشاط

و لبخند از او بپرسیم: (عزیزم

خودت چطور فکر می کنی؟)

ضمن آنکه او مانند شما نمی تواند

تحلیل کند اما درک می کند.



# کودک و نوجوان هوشمند



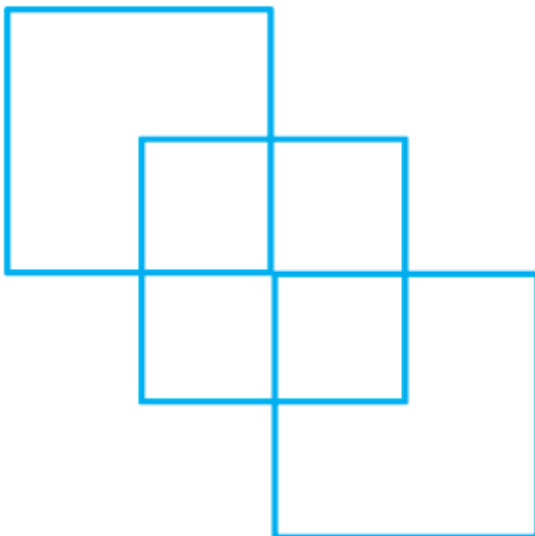
به تصویر روبرو نگاه کن موارد خواسته شده را پیدا کن و دور آنها خط بکش .



چنگال میخ گیره کاغذ مداد بیلچه



مدادت را روی یک نقطه بگذار سپس به صورت پیوسته بدون برداشتن مداد از روی کاغذ سعی کن از تمام مسیرها فقط یکبار عبور کنی تا به نقطه پایان بررسی .







## لطیفه:

از خرگوش کوچولو پرسیدند: به مگسی که از پشت ذره بین به ما نگاه میکنه چه میگوییم؟  
جواب داد: "می گوییم: سلام، خرمگس!!!"



- معلم: "رضا جان با کلمه حمید یک جمله بساز."  
رضا: "شما چقدر شبیه حمید"

- معلم: "بگو ببینم کمبوجیه چه جور پادشاهی بود؟"  
- شاگرد: "پادشاه بدی نبود، فقط همیشه از کمبود بودجه شکایت داشت."

## چیستان:

شما عزیزان می توانید جواب چیستان را به آدرس دبیرخانه فصلنامه زلال و یا به دفاتر مدارس مهاد ارسال نمایید و در قرعه کشی جوایز ما شرکت نمایید.



- آن چیست که سرش را ببری زنده می شود؟

- آن چیست انسان، جاده و تخم مرغ دارند؟

- همیشه وقتی من می روم، او می ماند؟

- اون چیه که هم رادیو داره هم دریا؟

- آن کدام گیاه است که اگر نصفش کنی نیم آن لنگ ونیم

دیگش غم است؟

- زهرا به یک نفر ۱۰ هزار تومان قرض داد، زهرا خواهر

کسی است که قرض گرفته است اما کسی که قرض گرفته

خواهر زهرا نیست چطور این ممکن است؟



عباس یمنی شریف

او در اواخر خرداد سال ۱۳۹۸ در محله پامنار تهران به دنیا آمد. دوران کودکی ونوجوانی خود را در دریند گذراند. اولین شعری که برای کودکان سرود در مجله نونهالان منتشر شد. در سال ۱۳۲۴ اشعارش در کتابهای درسی دوره ابتدایی وارد شد. سپس به عنوان مشاور اولین شماره مجله کیهان بچه ها و بعد به عنوان مدیر آن مجله معرفی شد. او از بنیانگذاران شورای کتاب کودک بود. از کارهای او برای بچه ها می توان به باغ دوستی، پلنگ یکه تاز، شعر الفبا، سیاهک وسفیدک و... اشاره کرد. او در طول عمر خود به کسوت آموزگاری وسپس مدیریت مدرسه همت گماشت وشاعر ومترجم ونویسنده برجسته ی ادبیات کودکان بود. من نغمه سرای کودکانم / شاد است ز مهرشان روانم/عباس یمنی شریفم / گیرید ز کودکان نشانم

## آموزش وقف (تام، کافی، حسن و قبیح)

در شماره قبلی گفته شد که وقف تقسیم می شود به تام، کافی، حسن و قبیح که توضیح آنها را در این شماره خواهیم خواند رابطه لفظی و معنوی، مبنای اصلی تقسیم بندی مذکور است، لذا شایسته است که قبل از هر چیز، مراد از این دو رابطه را روشن سازیم: مراد از (رابطه معنوی) بین دو عبارت، آن است که دو عبارت از نظر معنا و موضوع به هم وابسته باشند، به طور مثال، آیات ۲ تا ۵ سوره بقره، از نظر معنا باهم ارتباط دارند، زیرا همه آنها درباره متقین و شرح حال آنهاست، آیات ۶ و ۷ این سوره، شرح حال کفار است، لذا با هم ارتباط معنوی دارند، از آیات ۸ تا ۲۰ درباره منافقان است، و لذا آنها نیز با هم ارتباط معنوی دارند. مراد از (رابطه لفظی) رابطه اعرابی بین دو عبارت است، به طوری که یا قسمت اول، عامل اعراب در قسمت دوم باشد و یا به عکس، قسمت دوم، عامل اعراب قسمت اول باشد، قسم اول مانند: (اهدنا الصراط المستقیم)، که (الصراط) مفعول است و عامل آن فعل (اهد) است، قسم دوم مانند: (ایاک نعبد)، که (ایاک) مفعول (نعبد) است، پس در هر صورت می گوئیم: بین (اهدنا) و (الصراط) و نیز بین (ایاک) و (نعبد) رابطه لفظی وجود

دارد، بنابراین، مراد از رابطه لفظی، مطلق رابطه نیست، بلکه رابطه لفظی خاصی مراد است و آن رابطه اعرابی است، یعنی یکی از دو قسمت عبارت، عامل اعراب در قسمت دیگر است، بنابراین ممکن است دو جمله به ظاهر به هم عطف شده باشند، ولی از نظر (علم وقف و ابتدا)، رابطه لفظی محسوب نشود، مانند عطف در آیه ۵ سوره حمد: (ایاک نعبد وایاک نستعین)، در این آیه گرچه جمله (ایاک نستعین) بر جمله (ایاک نعبد) عطف شده است، ولی هیچ کدام از این دو جمله، عامل اعراب جمله دیگر نیست، زیرا جمله اول مستانفه است و محلی از اعراب ندارد، و جمله دوم نیز عطف به جمله مستانفه است که آن هم محلی از اعراب ندارد، پس می گوئیم: بین دو جمله (ایاک نعبد) و (ایاک نستعین) رابطه لفظی وجود ندارد، گرچه رابطه معنوی وجود دارد، زیرا کسی که فقط خدا را عبادت می کند، یعنی فقط برای خدا کاری انجام می دهد، طبیعتاً باید تنها از او یاری بطلبد. با این توضیح درباره رابطه لفظی و معنوی، می گوئیم: بین دو کلام یا دو عبارت از یک کلام یا دو عبارت، یکی از چهار فرض زیر متصور است: ۱- نه رابطه لفظی وجود داشته باشد و نه

رابطه معنوی  
۲- رابطه معنوی وجود نداشته باشد، ولی رابطه لفظی وجود نداشته باشد.  
۳- رابطه لفظی وجود داشته باشد، ولی رابطه معنوی وجود نداشته باشد.  
۴- هم رابطه لفظی وجود داشته باشد و هم رابطه معنوی.  
فرض سوم، صرفاً یک فرض است و واقعیت خارجی ندارد، زیرا امکان ندارد بین دو لفظ و عبارت از کلام، رابطه اعرابی وجود داشته باشد، ولی از نظر معنا و موضوع، هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند، بنابراین در عالم واقع، فقط فرضهای ۱ و ۲ و ۴ تحقق دارند، وقف بین دو لفظ یا دو عبارت در نوع اول، وقف تام است، مانند وقف بر کلمه (المفلحون) در پایان آیه ۵ سوره بقره، وقف بین دو لفظ یا دو عبارت در نوع دوم، کافی است، مانند وقف بر (ایاک نعبد) در سوره حمد، وقف بین دو لفظ یا دو عبارت در نوع چهارم، ممکن است حسن باشد و ممکن است قبیح، اگر لفظ یا عبارت اول که بر آن وقف می شود دارای دو خصوصیت باشد حسن است، وگرنه قبیح است، آن دو خصوصیت، عبارت است از: \* معنادار بودن، یعنی لفظ یا عبارت مفید معنا باشد، همان چیزی که آن را کلام





مفید نامیده اند که صحیح است متکلم بر آن سکوت کند.

\* مقصود و مراد بودن، یعنی باید بتوانیم آن را به حساب خداوند بگذاریم و بگوییم: خداوند همین معنا را اراده کرده است. به طور مثال، در (الحمد لله رب العالمین)، بین عبارت (الحمد لله) و کلمه (رب العالمین)، رابطه لفظی و به تبع آن، رابطه معنوی وجود دارد، زیرا (رب العالمین) صفت برای (الله) است و اعراب صفت از موصوف است، یعنی همان اعراب موصوف را دارد، لذا چون (الله) مجرور است، (رب) نیز مجرور است، ولی در عین حال که بین (الحمد لله) و (رب العالمین) رابطه لفظی و معنوی وجود دارد، ولی وقتی بر (الحمد لله) وقف کنیم، ملاحظه می کنیم که جمله (الحمد لله) یک جمله کامل، متشکل از مبتدا و خبر و مفید معناست، یعنی (حمد، مخصوص خداوند است)، و این معنا قطعاً مورد قصد و نظر خداوند نیز هست. پس وقف بر (الحمد لله)،

وقف حسن است، اما در همین مثال، در نظر بگیرید که کسی بر (الحمد) وقف کند، در این صورت نیز بین (الحمد) و (الله) رابطه لفظی و معنوی وجود دارد، زیرا (الله) خبر برای (الحمد) است و مبتدا عامل رفع در خبر است، و از طرفی ملاحظه می کنیم که (الحمد) یک کلام مفید و دارای معنا و مفهوم نیست، پس وقف بر آن، از نوع وقف قبیح است. پس مطالب فوق را اینگونه خلاصه می کنیم: اگر نه رابطه لفظی باشد و نه معنوی، وقف بین دو عبارت، تام است، اگر رابطه معنوی باشد و لفظی نباشد، وقف بین آنها از نوع کافی است، اگر هر دو رابطه باشد، در صورتی که عبارت اول، کلام مفید و مورد قصد و اراده خداوند باشد، وقف بر آن حسن، و اگر کلام مفید نباشد و یا مقصود و مراد خدا نباشد، وقف بر آن قبیح است.

اقسام وقف

تعریف وقف تام

هر گاه دو عبارت به گونه ای باشد که هر

یک به تنهایی مستقل و مفید معنا باشد و بین آنها هیچ گونه رابطه لفظی و معنوی وجود نداشته باشد، وقف بین آن دو، (وقف تام) است و ابتدا از عبارت دوم، بسیار نیکو و پسندیده است. این نوع وقف پس از تمام شدن یک قصه، کلام و موضوع می باشد، و معمولاً در رأس آیات است، گرچه در اواسط آیات نیز یافت می شود. بنابراین می توان گفت که ملاک وقف تام دو چیز است: یکی انقضا و تمام شدن کلام، و دیگری مستغنی بودن عبارت دوم از عبارت اول.

مثالها:

الف- وقف بر رؤوس آیات:

(بسم الله الرحمن الرحيم).

مالک يوم الدين

ب- وقف بر غیر رؤوس آیات

جعلوا اعزة اهلها اذلة و كذلك يفعلون

ادامه این آموزش را در شماره بعدی پیگیری

نمایید.



# اخبار مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان در آئینه تصویر



کسب رتبه کشوری توسط قرآن آموزان مهدقرآن اصفهان



برپایی غرفه مهدقرآن اصفهان در نمایشگاه تخصصی کودک و نوجوان



انتخابات اتحادیه تشکلهای و مؤسسات قرآنی اصفهان و تشکیل اتحادیه واحد



برگزاری مجمع مؤسسات قرآنی در مهدقرآن اصفهان



برگزاری جشن بزرگسالان و خردسالان در شرکت فولاد مبارکه توسط مهدقرآن اصفهان





برگزاری نخستین دوره آموزش تخصصی ترتیل ویژه مربیان و مرتلان با تدریس استاد شاه میوه



تشکیل اولین مدرسه حفظ قرآن کریم بدون وقفه تحصیلی



تعامل سازنده مؤسسه دارالقرآن اصفهان و مهدقرآن اصفهان



شروع طرح ۱۴۵۱ در اصفهان با اتحادیه مؤسسات



سومین دهه از عمر مؤسسه مهدقرآن کریم اصفهان

# جدول

شماره ۱۲

رمز جدول شماره ۱۱: تفسیر معجم البیان اثری از طبرسی

اسامی برندگان فصلنامه شماره ۱۱: مریم اسلامی، تهیمنه مقیمی

رمز جدول شماره ۱۲ را به آدرس دبیرخانه فرستاده و همچنین برندگان اعلام شده جهت دریافت جوایز خود به دبیرخانه فصلنامه مراجعه نمایند

اندر اسناد مطهری	چست و جالاک	مدلن ناصر خسرو	گر دانین کسی در شهر	ناگهانی مردن شربت	سوسمار ماطر	ایمن شدن	نویسنده کتاب تاریخ مکه	از فنها و علمای بزرگ شیعه
بخش اول آراز گمان علاج پارتاداز	۱		استخوان بوسیده عرب	۴	۳ پایه دورین جزد	مندیین از شهرهای آذربایجان		۲
حاکم از روستای سرور بنویس مراد امر				سرمنیت نام دخترانه	۱۴	شخص ایلچگری		
				خولسه بزرگی		از سبزه های سرور دیوار کوچک		
فئنه و آشوب	۱۶	مدیون از پهلوانان			۱۰	صور و کرنا از عذاب اسلام		۸
ایه و جانسه غده ترشح مغز			کثیر از روستاهای اسفهان	قلب قرآن از صفات خدا		دیوار بلند پروردگار	۲۰	گنجشک
				عطا کردن خروس			۱۵	
مخلف یا جهود کبوتر که پرده را بر سر کند				فسمی از دست دعوت کردن		۲۱	انجلی از بازگران مرحوم	
					۵	بندگاه ساق دست و پا توان سه ابتداء		آری
گونگون	۱۱	۷	کتاب سیاه رنگه تردید	از عرفیات گدایی ملی برعکس		۱۸		۱۳
						آشنامین قسمت کننده		کار و عمل
گورخو السیده شدن				۱۲		۱۸	حرف ربط محل نگهبانی	۶
					۳	پوشیده بر شمس درها		راه بیرون رفتن
از افسانه قدیمی کبلی نیست	۹		روزها			تفریح دسته جمعی جغددر		
				۱۹		سیاره کوچک یازده		
فندان شو	نام دیگر سوره طلاق		نام کردی دو بار هم فد					
				طلاق			بیماران را با آن درمان می کنند	

طراح جدول: زهرا نظری



# اشتراک فصلنامه زلال

## مشخصات فردی مشترک

نام :

نام خانوادگی :

تاریخ تولد :

میزان تحصیلات :

تلفن تماس (با پیش شماره شهرستان) :

کد پستی :

نشانی دقیق پستی منزل :

## نحوه اشتراک

واریز هزینه اشتراک یک ساله (پست عادی به مبلغ ۱۵۰۰۰ تومان و پست سفارشی به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان) به شماره حساب اشتراک ۴۱۶۸۹۴۸۷۳۱ نزد بانک ملت و شناسه ۱۲۵/۶۰

## شیوه های اشتراک

پیامک :

نام و نام خانوادگی و شناسه پرداخت را به شماره ۱۰۰۰۱۵۰۱۰۰۰۰۵۷ ارسال نمایید.

ایمیل:

تصویر فرم اشتراک و فیش واریزی خود را پس از تکمیل نمودن به آدرس زیر ارسال نمایید.  
[Zolal.mahdgh@yahoo.com](mailto:Zolal.mahdgh@yahoo.com)

تماس تلفنی:

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را از طریق تلفن ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ اعلام بفرمایید.

نمابر:

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را به شماره ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ ارسال نمایید.

پست:

پس از تکمیل فرم اشتراک آن را به همراه فیش واریزی خود به نشانی: اصفهان-خیابان سروش- چهارراه عسگریه- کوچه محمدی- پلاک ۵- دبیرخانه فصلنامه زلال- صندوق پستی ۹۳۱۱۳-۸۱۶۳۸ ارسال نمایید.

در ضمن پایگاه های بسیج و مراکز فرهنگی دارای مجوز جهت اشتراک رایگان مجله می توانند تصویر مجوز خود را همراه با آدرس و تلفن به دفتر مجله ارسال نمایند.

# پرسشنامه

با تقدیم سلام و احترام حضور شما خوانندگان گرامی  
نظرات شما عزیزان در راستای تحقق هدف ترویج فرهنگ انس با قرآن و بهبود خدمت رسانی بار و باور ما خواهد بود  
لذا امیدواریم با مدد ما در هر گام، بهبود روز افزون فصل نامه را شاهد باشیم.  
با سپاس فراوان

از چه طریقی با فصلنامه آشنا شدید؟

دوستان  سایت مهدقرآن  مدارس مهادهاد  مطالعه یکبار مجله

زمان انتشار فصلنامه را چگونه ارزیابی می کنید؟

خوب  به موقع  بد  بی تفاوت

مطالب مرتبط با مباحث قرآنی چگونه است؟

کامل و مفید  مناسب  شایسته نیست  گیج کننده است

گرافیک و صفحه آرای فصلنامه به چه صورت است؟

مرتبط و جذاب  خوب  ضعیف  بی ارتباط

حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید؟

کامل و خوب  خوب  نسبتاً زیاد  خیلی زیاد

نظر شما در خصوص قرارداد بخش جدول و سرگرمی چیست؟

ایده جالبی است  خوب است  مناسب این نوع مجله نیست  بی تأثیر است

مطالب فصلنامه تا چه حد به مباحث قرآنی مرتبط است؟

کاملاً مرتبط است  خوب است  نسبتاً مرتبط است  مرتبط نیست

تصویر روی جلد تا چه حد معرف محتوا و موضوع فصلنامه است؟

مرتبط و جذاب  خوب  ضعیف  بی ارتباط

مطالب فصلنامه تا چه حد در زندگی روزمره کاربرد دارد؟

کاملاً مرتبط است  خوب است  نسبتاً مرتبط است  مرتبط نیست

فصلنامه تا چه حد انگیزه شما را به رجوع به قرآن برای پاسخ به مسائل روزمره بالا برده است؟

خیلی زیاد  زیاد  خیلی کم  بی تأثیر است

در صورت عدم چاپ نشریه تا چه اندازه کمبود آن را احساس می کنید؟

خیلی زیاد  زیاد  خیلی کم  بی تأثیر است

## اطلاعات شخصی:

نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ جنسیت: \_\_\_\_\_ میزان تحصیلات: \_\_\_\_\_ شغل: \_\_\_\_\_  
پست الکترونیکی (email): \_\_\_\_\_

در صورت داشتن انتقاد یا پیشنهاد سازنده لطفاً آن را بیان نمایید